

احکام پر کاربرد

طبق فتاوی امام خامنه‌ای مدظله العالی

ویراست اول



مهرماه ۱۴۰۰ - پایگاه نُمُو

www.nomov.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه حاضر، برگرفته از رساله آموزشی حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی است که مشتمل بر احکام پرکاربرد و مبتلابه است و برای افرادی که برای اولین بار می‌خواهند با مسائل شرعی خود آشنا شوند، توصیه می‌شود؛ چرا که سعی شده است مسائل پر استفاده و مورد نیاز در زندگی فردی و اجتماعی، گردآوری شود.

منبع استفاده شده در این جزوه، متن رساله آموزشی موجود در پایگاه

khamenei.ir است.

فهرست

- ۵ احکام تقلید
- ۷ ولایت فقیه و رهبری
- ۸ اقسام آنها
- ۱۴ احکام تخلی و نجاست
- ۲۰ احکام وضو، غسل و تیمم
- ۳۷ احکام نماز
- ۶۲ احکام روزه
- ۷۵ مسائل متفرقه پوشش و نگاه
- ۷۹ مسائل متفرقه غنا و موسیقی و رقص
- ۸۳ مسائل امر به معروف و نهی از منکر
- ۸۵ مسائل متفرقه قمار
- ۸۶ احکام خمس
- ۸۸ مسائل متفرقه تعلیم و تعلم
- ۸۸ مسائل متفرقه عزاداری و مراسم دیگر
- ۸۹ مسائل متفرقه نذر و قسم

۹۱	اقسام ربا
۹۲	رشوه
۹۳	مسائل پزشکی
۹۳	مسائل دروغ
۹۴	مسائل غیبت
۹۶	احکام درگذشتگان
۹۷	سحر
۹۹	کمک به ظالم
۹۹	حق چاپ
۱۰۰	نقاشی و مجسمه سازی
۱۰۰	هینوتیزم
۱۰۱	تراشیدن ریش
۱۰۱	حضور در مجلس معصیت
۱۰۲	دعا نویسی و استخاره

احکام تقلید

❖ مقدمه

مکلف باید مسایلی را که انجام تکالیف شرعی روزمره وابسته به دانستن آن است فرا بگیرد، مانند مسایل اصلی نماز و روزه و طهارت و برخی معاملات و غیر آن، و اگر یاد نگرفتن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد گناهکار خواهد بود.

❖ مکلف به کسی گفته می‌شود که واجد شرایط تکلیف باشد:

۱. بلوغ

۲. عقل

۳. قدرت

❖ نشانه‌های بلوغ یکی از سه چیز است:

۱. روییدن موی درشت زیر شکم بالای عورت (شرمگاه)

۲. احتلام (بیرون آمدن منی)

۳. تمام شدن ۱۵ سال قمری در پسر و تمام شدن ۹ سال قمری در دختر

نکته: بنا بر احتیاط واجب مرجع تقلید باید اعلم باشد

۱. اعلم یعنی کسی که بر استنباط احکام دین توان‌تر باشد، و به عبارت دیگر کسی است که نسبت به سایر مراجع، قدرت بیشتری بر شناخت احکام الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعی را از ادله، استنباط کند، و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است آگاه‌تر باشد.

۲. دلیل وجوب تقلید از اعلم، بنای عقلا و حکم عقل است.

۳. وجوب تقلید از اعلم بنا به احتیاط واجب در مسایلی است که فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم اختلاف دارد.

۴. به صرف احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلم، جایز نیست بنا به احتیاط واجب در مسایل مورد اختلاف از غیر اعلم تقلید کرد.

❖ راه‌های شناخت مجتهد جامع‌الشرائط

از دو راه می‌توان مجتهد حایز شرایط را شناخت:

۱. اطمینان، چه از راه شهرت فراگیر میان مردم و چه از راه تجربه‌ی شخصی و چه از راه دیگر.

۲. شهادت دو نفر عادل از اهل خبره، هر چند موجب اطمینان نشود.

✦ اگر بینه‌ی شرعی (مثل شهادت دو نفر عادل و اهل خبره) بر صلاحیت و جامع‌الشرائط بودن مجتهدی اقامه شود، تا زمانی که بینه‌ی شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بینه حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود، اگر چه موجب حصول اطمینان نباشد، و در این صورت جستجو از بینه‌ی معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.

✦ مسایل متفرقه‌ی تقلید

۱. هرگاه برای مکلف در اثنای نماز مسأله‌ی پیش بیاید که حکم آن را نمی‌داند، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال آن را می‌دهد عمل کند و نماز را به آخر برساند، ولی پس از نماز باید مسأله را بپرسد و اگر آنچه عمل کرده موجب بطلان نمازش شده باشد، نماز را دوباره بخواند.

۲. جاهل از یک نظر بر دو قسم است:

۱. جاهل قاصر: کسی است که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

۲. جاهل مقصر: به کسی گفته می‌شود که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع جهالت خود را هم می‌داند ولی

در آموختن احکام کوتاهی می‌کند.

۳. احتیاط واجب یعنی وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط. در احتیاط واجب مقلد می‌تواند به مجتهد دیگر که احتیاط نکرده و فتوای صریح دارد با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم رجوع کند.

۴. همه‌ی عبارت‌های «فیه اشکال»، «مشکل»، «لا یخلو من اشکال» که در کتب فقهی به کار می‌روند، دلالت بر احتیاط دارند مگر عبارت «لا اشکال فیه» که فتوی است.

۵. در مقام عمل فرقی بین «جایز نیست» و «حرام است» وجود ندارد.

ولایت فقیه و رهبری

۱. معنای ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین شناس.

ولایت فقیه در رهبری جامعه‌ی اسلامی و اداره‌ی امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه‌ی اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد.

۲. ضرورت ولایت فقیه

از آن جا که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد و دین حکومت و اداره‌ی امور جامعه است، لذا همه‌ی طبقات جامعه‌ی اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه‌ی اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند.

ولایت فقیه، حکم شرعی تعبدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلایی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

۳. قلمرو ولایت فقیه

همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند. این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود چه رسد به مقلدین آنان.

اقسام آبها

۱. آبها

مضاف.

مطلق:

آب باران

آب جاری

آب راکد: کر، قلیل.

۲. آب مضاف (آب ناخالص و عصاره‌یی)

الف) معنای آب مضاف

آب مضاف آبی است که اطلاق کلمه‌ی آب بر آن به تنهایی و بدون قید و اضافه صحیح نباشد، خواه از چیزی گرفته شود، مانند آب هندوانه، گلاب و مانند آن، یا با چیزی مخلوط شود به طوری که دیگر به آن آب نگویند، مانند شربت، آب نمک و مانند آن.

ب) احکام آب مضاف

۱. آب مضاف، چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهرات نیست).

۲. با برخورد به نجاست، نجس می‌شود (هر چند نجاست کم باشد و بسوی رنگ یا مزه‌ی آب عوض نشود و هر چند آب مضاف به اندازه کر باشد).

۳. وضو و غسل با آب مضاف باطل است.

توجه:

گاهی به آب، موادی اضافه می‌کنند که آن را به رنگ شیر درمی‌آورد، این آب، حکم آب مضاف را ندارد، (بنابراین می‌توان با آن چیزهای نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد).

۳. آب مطلق (آب خالص)

الف) معنای آب مطلق

آب مطلق آبی است که اطلاق کلمه‌ی آب بر آن به تنهایی و بدون هیچ قید و شرطی صحیح باشد، مانند آب باران و آب

چشمه و مانند آن.

ب) اقسام آب مطلق

از آسمان می‌بارد (باران).

از زمین می‌جوشد (جاری).

نه می‌بارد و نه می‌جوشد (راکد): ۱. تقریباً ۳۸۴ لیتر است (کر). ۲. کمتر از این مقدار است (قلیل).

توجه:

✦ آب یا از آسمان می‌بارد یا از زمین (مخزن زیر زمینی) می‌جوشد و یا نه می‌بارد و نه می‌جوشد. به آبی که از آسمان می‌بارد «آب باران» گویند، و آبی که از زمین می‌جوشد «آب جاری» است. آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد «آب راکد» است که اگر حجم آن ۴۲ $\frac{۸}{۷}$ و جب (تقریباً ۳۸۴ لیتر) باشد «آب کر» و اگر کمتر از آن باشد «آب قلیل» خواهد بود.

ج) احکام آب مطلق

۱. آب مطلق چیز نجس را پاک می‌کند (از مطهرات است).

۲. آب مطلق به جز آب قلیل، تا زمانی که بر اثر برخورد با نجاست، رنگ یا بو یا مزه‌ی نجاست نگرفته باشد پاک است.

۳. وضو و غسل با آب مطلق صحیح است.

توجه:

✦ برای ترتب آثار شرعی آب مطلق، صدق عنوان آن در نظر عرف کافی است، بنابراین از آن جا که صرف غلظت آب به سبب وجود املاح، مانع از صدق عنوان آب مطلق بر آن نمی‌شود، از این رو می‌توان با آب دریایی که بر اثر وجود املاح فراوان غلیظ شده است، مثل دریاچه‌ی ارومیه چیزهای نجس را شست و وضو گرفت و غسل کرد.

۴. احکام اقسام آبهای مطلق

الف) آب باران

آب باران اگر به چیزی که نجس شده است بیارد آن را پاک می‌کند.

ب) آب کر و جاری

۱. اگر چیزی را که نجس شده در آب کر و جاری فرو ببرند آن را پاک می‌کند و خود نجس نمی‌شود.

۲. آب کر و جاری اگر با ریخته شدن چیزهای نجس در آن، رنگ یا بو یا مزه‌ی آن تغییر کند، نجس می‌شود و در این صورت چیزهایی را که نجس شده‌اند، پاک نمی‌کند.

توجه:

آب کر و جاری در تطهیر هیچ تفاوتی با هم ندارند.

ج) آب قلیل

۱. اگر چیز نجسی در آب قلیل فرو برده شود نجس می‌شود و چیزی را که نجس شده پاک نمی‌کند.
۲. اگر آب قلیل را بر روی چیزهایی که نجس شده است بریزند آنها را پاک می‌کند، ولی آن مقدار آبی که پس از ریخته شدن بر روی نجس، از آن سرازیر می‌شود، نجس است.
۳. آب قلیلی که به طور سرازیر و بدون فشار به پایین می‌ریزد و قسمت پایین آن با نجاست برخورد می‌کند، در صورتی که سرازیری آب به گونه‌ی باشد که جریان از بالا به پایین بر آن صدق کند قسمت بالای آن پاک است.
۴. آب قلیل اگر به کر یا جاری متصل باشد در حکم کر و جاری است.

۵. احکام شک در آب

۱. آبی که نمی‌دانیم پاک است یا نجس شرعاً پاک است، ولی آبی که نجس بوده و نمی‌دانیم بعداً پاک شده یا نه، در حکم نجس است.
۲. آبی که به اندازه‌ی کر بوده اگر انسان شک کند که از کر کمتر شده یا نه، در حکم آب کر است.

توجه:

- برای ترتب آثار کر بودن آب، علم به کر بودن آن واجب نیست، بلکه اگر حالت سابقه‌ی کر بودن آب احراز شود بنا گذاشتن بر کر بودن آن جایز است (مثلاً اگر بدانیم آب موجود در دستشویی‌های قطار و غیره قبلاً به اندازه‌ی کر یا بیشتر بوده است و شک کنیم از کر افتاده می‌توانیم بنا را بر کر بودن آن بگذاریم).
۳. آبی که کمتر از کر بوده تا انسان یقین نکند که به مقدار کر شده، حکم آب قلیل را دارد.

۱. مطهرات

- الف) آب.
- ب) زمین.
- ج) آفتاب.
- د) استحاله.
- هـ) انتقال.
- و) اسلام.

ز) تبعیت.

ح) بر طرف شدن عین نجاست.

ط) استبرای حیوان نجاستخوار.

ی) غایب شدن مسلمان.

توجه:

❖ به چیزهایی که نجس را پاک می‌کند «مطهرات» می‌گویند.

❖ الف) آب

۱. طریقه‌ی تطهیر ظروف:

۱. ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، ولی در کر و جاری یک بار کافی است.

۲. ظرفی را که سگ در آن، آب یا چیز روان دیگر خورده یا آن را لیسیده است باید اول با خاکمال شستشو کرد و سپس با آب شست، و اگر با آب قلیل شسته می‌شود باید پس از خاکمال دو مرتبه شسته شود.

۲. طریقه‌ی تطهیر غیر ظروف:

۱. چیزی که نجس شده است، اگر در صورت بر طرف کردن عین نجاست، یک بار آن را در آب کر یا جاری فرو ببرند یا زیر شیری که به کر متصل است بگیرند به طوری که آب به همه‌ی جاهایی که نجس شده برسد پاک می‌شود، و در فرش و لباس و امثال آن بنابر احتیاط (واجب) باید آن را پس از فرو بردن در آب، فشار و یا تکان بدهند. بلی فشار یا تکان لازم نیست خارج آب باشد بلکه داخل آب کافی است.

۲. چیزی که بر اثر تماس با بول نجس شده است، هرگاه پس از بر طرف شدن عین نجاست دو مرتبه آب قلیل روی آن ریخته شود، پاک می‌شود، و چیزی که با نجاسات دیگر تماس یافته و نجس شده است، پس از بر طرف شدن عین نجاست اگر یک مرتبه شسته شود پاک می‌شود.

۳. چیزی را که با آب قلیل آب می‌کشند، باید آبی که روی آن می‌ریزند از آن جدا شود و اگر قابل فشردن است، مانند لباس و فرش باید آن را فشار دهند تا آب از آن جدا شود.

❖ ب) زمین

کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او، نجس شده است، هرگاه تقریباً به قدر ده قدم روی زمین خشک و پاک راه برود، کف پا و کفش او پاک می‌شود مشروط به این که عین نجاست، زایل شود.

توجه:

❖ زمینهای آسفالت و یا آغشته به قیر، پاک کننده‌ی پا یا ته کفش نیستند.

❖ (ج) آفتاب

۱. آفتاب، زمین و همه‌ی اشیای غیر منقول از قبیل ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته، مانند در و پنجره و دیوار ستون و امثال آن و درخت و گیاه را پاک می‌کند.

۲. شرایط پاک‌کنندگی آفتاب:

۱. چیز نجس‌تر باشد.

۲. عین نجاست در آن نباشد (اگر عین نجاست هست قبل از تابش آفتاب بر طرف شود).

۳. آفتاب به آن بتابد (چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد).

۴. به وسیله‌ی آفتاب خشک شود (اگر مرطوب بماند پاک نشده است).

❖ (د) استحاله

چیز نجس اگر به طوری تغییر یابد که جنس دیگری شود، مانند چوبی که با سوختن خاکستر شود یا شرابی که به سرکه تبدیل شود یا سگی که در نم‌کزار بیفتد و تبدیل به نمک شود، پاک می‌شود، ولی اگر جنس آن تغییر نیابد، بلکه فقط صورت آن عوض شود، مانند گندم که آرد می‌شود یا شکر که در آب حل می‌شود، پاک نمی‌شود.

❖ (ه) انتقال

خونی که پشه و دیگر حشرات از بدن انسان مکیده‌اند، تا وقتی خون انسان به حساب می‌آید نجس است، (مانند خونی که زالو از بدن انسان مکیده است)، ولی پس از آن که بر اثر گذشت مدتی، خون آن حشره محسوب شد پاک می‌شود.

❖ (ح) بر طرف شدن عین نجاست

اگر بدن حیوان به چیز نجسی آلوده شد، همین که آن چیز بر طرف شد، بدن آن حیوان پاک می‌شود و احتیاج به آب کشیدن نیست. همین‌طور است داخل بدن انسان، مانند داخل دهان یا بینی، مشروط بر این که نجاست از بیرون به آن نرسیده باشد، پس خونی که از دندان می‌آید اگر عین آن در آب دهان از بین برود دهان پاک است.

❖ (ی) غایب شدن مسلمان

هرگاه یقین داشته که بدن یا لباس یا یکی از چیزهای شخص مسلمانی نجس است، و آن مسلمان را مدتی نبیند و سپس ببیند که او با آن چیزی که نجس بوده است رفتار چیز پاک را می‌کند، آن چیز محکوم به پاکی است، مشروط بر آن که صاحب آن چیز از نجاست قبلی و از احکام طهارت و نجاست با خبر باشد.

❖ ۲. راه‌های ثابت شدن طهارت

پاک شدن چیزی از سه راه ثابت می‌شود:

۱. خود انسان یقین کند چیزی که نجس بوده پاک شده است.
۲. ذوالید یعنی کسی که چیزی را در اختیار دارد (مانند صاحبخانه و فروشنده و خدمتکار) بگوید: پاک شده است.
۳. دو شخص عادل خبر دهند.

❖ ۴. احکام ظرف‌ها

خوردن و آشامیدن در ظرفی که از طلا یا نقره ساخته شده، حرام است، ولی نگهداشتن آن یا استفاده‌های دیگر از آن - غیر از خوردن و آشامیدن - حرام نیست.

احکام تخلی و نجاست

♦ احکام تخلی (بول و غایط کردن)

۱. رعایت قبله

انسان در هنگام تخلی باید رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

۲. پوشش

واجب است انسان در هنگام تخلی - و مواقع دیگر - عورت (شرمگاه) خود را از دیگران غیر از همسر خود بپوشاند، چه مرد باشد و چه زن، و چه محرم و چه نامحرم، حتی از بچه‌ی نابالغ که دارای قدرت تشخیص می‌باشد.

۳. برخی از مکروهات تخلی

۱. ایستاده ادرار کردن.

۲. ادرار کردن در زمین سخت و سوراخ جانوران.

۳. ادرار کردن در آب، مخصوصاً آب ایستاده.

۴. خودداری از دفع بول و غایط.

۵. تخلی در جاده‌ها و معابر و زیر درخت میوه دار.

♦ استبرا

۱. مردان پس از ادرار، اگر کاری که به آن «استبرا» می‌گویند انجام دهند در صورتی که پس از آن رطوبتی از مجرای ادرار خارج شود که نداند بول است یا چیز دیگر، آن رطوبت محکوم به طهارت خواهد بود و بررسی و جستجو در این باره لازم نیست.

۲. هرگاه فردی بعد از خروج بول، استبرا نکند و وضو بگیرد، و سپس رطوبتی که مردد بین بول و منی است از او خارج شود واجب است برای تحصیل یقین به طهارت از حدث، هم غسل کند و هم وضو بگیرد.

♦ استنجا (تطهیر مخرج بول و غایط)

۱. چگونگی تطهیر مخرج بول:

۱. مخرج بول (محل دفع ادرار) جز با آب پاک نمی‌شود.

۲. مخرج بول بنا بر احتیاط واجب با دو بار شستن پاک می‌شود.

۲. چگونگی تطهیر مخرج غایط:

الف) مخرج غایط را به دو گونه می‌توان تطهیر کرد:

۱. آن که با آب بشوید تا نجاست از بین برود، و پس از آن آب کشیدن لازم نیست.
۲. آن که با سه قطعه سنگ یا پارچه‌ی پاک و امثال آن، نجاست را پاک کنند و اگر با سه قطعه، نجاست زایل نشد با قطعات دیگر، آن را کاملاً پاک نمایند، و به جای سه قطعه می‌توانند از سه جای یک قطعه سنگ یا پارچه استفاده کنند.

◆ نجاسات

نجاسات عبارتند از:

۱. بول.
۲. غایط.
۳. منی انسان.
۴. مردار.
۵. خون.
۶. سگ.
۷. خوک.
۸. مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط (واجب).
۹. کفاری که به دینی آسمانی متدین نیستند.

◆ ۲۱. بول و غایط

الف) نجس

۱. انسان.
۲. هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد، مانند موش و گربه به جز پرندگان.

ب) پاک

۱. حیوانات حلال گوشت، خواه پرنده باشد مانند گنجشک و کبوتر یا غیر پرنده مانند گاو و گوسفند.
۲. حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده ندارند، مانند مار و ماهی بی پولک.
۳. پرندگان حرام گوشت، مانند کلاغ و طوطی.

◆ بول و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتی دارای خون جهنده (خونگرم) نجس است، مگر پرندگان حرام گوشت که فضله‌ی آنان پاک باشد.

✿ بول و مدفوع حیوانات حلال گوشت از پرندگان و غیره پاک است.

✿ ۳. منی

۱. منی انسان نجس است.
۲. کسی که پس از بول استبرا کند و همراه آن مایعی خارج شود که نداند منی است یا نه، چنانچه به منی بودن آن یقین پیدا نکند و خروج آن همراه با علامتهای شرعی خروج منی نباشد، حکم منی ندارد و پاک است.

✿ ۴. مردار (جسد مرده)

الف) انسان

مسلمان نجس است به جز:
اجزای بی روح او، مانند ناخن و مو و دندان.
شهید معرکه باشد.
او را غسل داده باشند.
کافر:

کتابی (اهل کتاب): نجس است به جز اجزای بی روح او
غیر کتابی: تمام اجزای وی نجس است.

ب) حیوان

سگ و خوک: تمام اجزای آن نجس است.

غیر سگ و خوک:

خون جهنده دارد

اجزای روح دار، مانند گوشت و پوست: نجس است، مگر حیوانی که به دستور شرع کشته شده باشد.

اجزای بی روح، مانند مو و شاخ: پاک است.

خون جهنده ندارد: تمام اجزای آن پاک است.

۱. مردار انسان و هر حیوان دارای خون جهنده نجس است، چه حرام گوشت و چه حلال گوشت.

۲. حیوانی که به دستور معین در شرع مقدس، کشته شده باشد و نیز جسد مرده‌ی انسان پس از غسل میت از حکم

مردار، مستثنی هستند و نجس نیستند.

■ دو نکته در ارتباط با مردار

✦ پوست نازکی که خود به خود از دستها، لبها، پاها و سایر قسمت‌های بدن جدا می‌شود محکوم به طهارت است.
 ✦ گوشت و چرم و سایر اجزای حیوانات که در محیط‌های اسلامی فروخته می‌شود پاک است، همچنین هرگاه این چیزها در اختیار مسلمان باشد محکوم به پاک بودن است. اما در صورتی که این چیزها از کشورهای غیر مسلمان تهیه شود، اگر یقین به عدم تزکیه‌ی شرعی آن نباشد پاک است. به عبارت دیگر در صورتی نجس است که یقین داشته باشیم حیوان، ذبح اسلامی نشده است، اما اگر بدانیم یا احتمال دهیم که ذبح اسلامی شده، پاک است.

✦ ۵. خون

۱. خون انسان و هر حیوان دارای خون جهنده (خونگرم) نجس است، چه حرام گوشت باشد و چه حلال گوشت.
۲. خونی که پس از ذبح حیوان در بدن او می‌ماند پاک است.
۳. لکه‌ی خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می‌شود محکوم به طهارت است، ولی خوردن آن حرام است.

✦ ۷ و ۶. سگ و خوک

سگ و خوک نجس است و در این حکم، فرقی میان اجزای روح دار و بی روح آنها نیست.

✦ ۸. مشروبات مست کننده

✦ آب انگوری که با آتش، جوشیده شده و دو سوم آن کم نشده است ولی مست کننده نیست نجس نمی‌باشد، ولی خوردن آن حرام است.
 ✦ هرگاه همراه مقداری غوره، دانه‌هایی از انگور باشد و آب همه‌ی آن را بگیرند، چنانچه حبه‌های انگور بسیار کم باشد و آب آن در آبغوره مستهلک شود به طوری که آب انگور بر آن صدق نکند، با جوشیدن، حرام نمی‌شود، ولی اگر حبه‌های انگور به تهایی به وسیله‌ی آتش جوشانده شود خوردن آن حرام است.

✦ ۹. کافر

۱. کسی که توحید یا نبوت یا یکی از ضروریات دین اسلام، مانند نماز و روزه را انکار کند یا معتقد به نقضی در رسالت رسول اکرم (ص) باشد کافر و نجس است مگر اهل کتاب باشد.

✦ ۲. راههای ثابت شدن نجاست

- نجس بودن چیزی از سه راه ثابت می‌شود:
۱. خود انسان، یقین کند چیزی نجس است.

۲. ذوالید یعنی کسی که چیزی در اختیار اوست (مانند صاحبخانه، فروشنده و خدمتکار) خبر دهد که آن چیز نجس است.

۳. دو شخص عادل گواهی دهند.

۳. چگونگی نجس شدن چیزهای پاک

برای این که چیز پاکی نجس شود چهار شرط لازم است:

۱. چیز پاک با چیز نجس ملاقات کند.

۲. هر دو یا یکی از آن دو رطوبت داشته باشد.

۳. رطوبت به قدری باشد که سرایت کند.

۴. ملاقات در داخل بدن نباشد.

توجه:

✦ ملاک رطوبت مسریه (سرایت کننده) این است که به مقداری باشد که رطوبت، هنگام برخورد از جسم مرطوب به جسم دیگر سرایت کند.

✦ پارچه و امثال آن اگر مرطوب باشد و یک نقطه‌ی آن با نجس ملاقات کند، فقط همان نقطه نجس می‌شود و بقیه‌ی جاهای آن پاک است.

✦ آبی که وارد دهان شده و به اجزای خون منجمد شده در لثه رسیده و سپس از دهان خارج شده محکوم به طهارت است، هر چند احتیاط (مستحب) اجتناب از آن است. همچنین غذایی که با آن اجزا تماس پیدا کرده نجس نیست و فرو بردن آن غذا اشکال ندارد و فضای دهان نیز پاک است.

۴. احکام نجاسات

۱. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است. همچنین خوراندن آن بر کسی که از نجاست آن خبر ندارد، نیز جایز نیست، ولی اگر انسان ببیند کسی غذای نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست نجس بودن آن را به او بگوید.

۲. آگاه کردن کسی که لباس را می‌شوید از نجاست لباس، لازم نیست، ولی صاحب لباس تا یقین به طهارت آن حاصل نکند نمی‌تواند آثار طهارت بر آن مترتب سازد.

۳. هرگاه مهمان یکی از اثاثیه‌های میزبان را نجس کند اطلاع دادن به میزبان در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرفهای غذا، لازم نیست.

۵. وسواس و درمان آن

افراد وسواسی که دارای حساسیت نفسانی شدیدی در مورد نجاست هستند لازم است برای رهایی خود از بیماری وسواس به توصیه‌های زیر عمل کنند:

۱. از نظر شرع مقدس، در طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیا است یعنی در هر موردی که کمترین تردیدی در نجس شدن آن برایشان حاصل شد واجب است حکم به عدم نجاست کنند.
۲. اگر گاهی یقین به نجاست هم پیدا کردند باید حکم به عدم نجاست کنند، مگر در مواردی که نجس شدن یک شیء را با چشمان خود ببینند به طوری که اگر فرد دیگری هم آن را ببیند یقین به سرایت نجاست پیدا کند، فقط در این موارد باید حکم به نجاست کنند. استمرار اجرای این حکم در مورد افراد مزبور تا زمانی است که این حساسیت به طور کلی از بین برود.
۳. هر شیء یا عضوی که نجس می‌شود برای تطهیر آن یک بار شستن با آب لوله کشی بعد از زوال عین نجاست کافی است. تکرار در شستن یا فرو بردن آن در آب لازم نیست، و اگر شیء نجس از قبیل پارچه و مانند آن باشد باید به مقدار متعارف فشار داده شود تا آب از آن خارج گردد.
۴. دین اسلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت بشری است، لذا آن را بر خود مشکل نکنند و با این کار باعث وارد شدن ضرر و اذیت به جسم و روحشان نگردند. حالت دلهره و اضطراب در این موارد، زندگی را برایشان تلخ می‌کند و خداوند راضی به رنج و عذاب ایشان و کسانی که با آنها ارتباط دارند نیست. شکر گزار نعمت دین آسان باشند و شکر این نعمت، عمل بر اساس تعلیمات خداوند تبارک و تعالی است.
۵. این حالت، یک وضعیت گذرا و قابل‌علاجی است. رهایی از آن، احتیاج به رؤیا و معجزه ندارد، بلکه باید ذوق و سلیقه‌ی شخصی خود را کنار گذاشته و متعبد و مؤمن به دستورات شرع مقدس باشند. افراد بسیاری بعد از ابتلا به آن با روش مذکور از آن نجات یافته‌اند. به خداوند توکل کنید و نفس خود را با همت و اراده آرامش بخشید.

احکام وضو، غسل و تیمم

❖ معنای وضو

وضو یعنی شستن صورت و دستها و مسح کردن جلو سر و روی پاها با شرایط و کیفیت خاص. این عمل که در شرع مقدس، وسیله‌ی طهارت معنوی شمرده شده، مقدمه‌ی برخی اعمال واجب و مستحب است، از قبیل نماز، طواف، تلاوت قرآن، ورود به مسجد و غیر اینها.

❖ کیفیت وضو

۱. شستن

الف) صورت از بالای پیشانی تا سر چانه

ب) دستها از آرنج تا سر انگشتان

۲. مسح کردن

الف) جلوی سر

ب) روی پاها از سر انگشتان تا مفصل

توجه:

❖ ترتیب وضو از این قرار است: شستشوی صورت از بالای پیشانی یعنی جایی که موی سر رویده است تا سر چانه، سپس شستن دست راست از آرنج تا سر انگشتان، سپس شستن دست چپ از آرنج تا سر انگشتان، سپس کشیدن دست مرطوب بر روی قسمت جلویی سر، و در آخر کشیدن دست مرطوب بر روی هر دو پا از سر انگشتان پا تا مفصل ساق پا.

❖ شستن صورت و دستها

۱. در شستشوی صورت باید به اندازه‌ی که ما بین انگشت وسط و شست قرار گیرد شسته شود.
۲. در صورت‌های پوشیده از مو، شستن روی موها کفایت می‌کند و لازم نیست آب وضو را به پوست صورت برساند، مگر در جایی که مو به قدری کم پشت است که پوست صورت کاملاً دیده می‌شود.
۳. صدق شستن منوط به رساندن آب به تمام عضو است، هر چند به وسیله‌ی دست کشیدن باشد و مسح اعضا با دست مرطوب به تنهایی کافی نیست.
۴. صورت و دستها در وضو باید از بالا به پایین شسته شود، اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

۵. شستن صورت و دستها

بار اول: واجب. بار دوم: جایز. بار سوم و بیشتر: غیر مشروع (حرام).

توجه:

✦ ملاک برای تعیین هر بار، قصد انسان است، پس اگر به قصد بار اول شستن چند مرتبه آب بریزد اشکال ندارد.

✦ مسح سر و پاها

۱. مسح بر پوست سر واجب نیست، بلکه بر موی قسمت جلوی سر کافی است، ولی اگر موی جاهای دیگر در قسمت جلو جمع شده باشد یا موی جلوی سر به قدری بلند باشد که بر روی صورت یا شانه‌ها ریخته شده است، مسح بر آن کافی نیست، و باید فرق سر را باز کرده پوست یا بن موها را مسح کند.

توجه:

✦ کسی که در جلوی سرش موی مصنوعی گذاشته است؛ اگر موی مصنوعی به نحو کلاه‌گیس باشد واجب است برای مسح، آن را بردارد ولی اگر بر پوست سر کاشته شده و برداشتن آن ممکن نباشد یا مستلزم ضرر و مشقت باشد و با وجود موها قدرت بر رساندن رطوبت به پوست سر نباشد مسح بر روی همین موها کافی است.

۲. محل مسح پا، عبارت است از روی پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل ساق، و استحباب مسح پایین انگشتان پا (یعنی جایی که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می‌کند) ثابت نشده است.

توجه:

✦ اگر مسح پا، شامل سر انگشتان پا نباشد، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان مسح شود، وضو باطل است. بلی اگر شک داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان پا مسح می‌کرده است یا نه؟ در صورتیکه مسئله را می‌دانسته و احتمال می‌دهد که از سر انگشتان مسح کرده باشد وضویش محکوم به صحت است.

۳. مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دستها مانده، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده نمی‌تواند دست را با آب تر کند، بلکه باید دست را با رطوبتی که در ریش یا ابرو هست مرطوب کند و مسح نماید، و احتیاطاً (واجب) آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

توجه:

✦ اگر شخص وضو گیرنده، هنگام شستن صورت و دستها به قصد وضو، اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه‌یی نمی‌زند، ولی اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دست با آب خارج از وضو، مخلوط شود صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است، محل اشکال می‌باشد.

✦ از آن جایی که مسح پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، لذا باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا این که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نیاز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود.

۴. در مسح باید دست را بر سر یا پا بکشد، پس اگر دست را ثابت نگهدارد و سر یا پا را بر آن بکشد، مسح باطل است.

۵. محل مسح باید خشک باشد یا به قدری تر نباشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند.

توجه:

✦ اگر چند قطره آب بر روی پا باشد واجب است محل مسح را از آن قطرات خشک کرد تا هنگام مسح، رطوبت دست بر پا تأثیر بگذارد نه برعکس.

۶. اگر روی پا نجس باشد و برای مسح نتواند آن را آب بکشد، باید تیمم کند.

۷. فردی که به علت فلج شدن هر دو پای خود به کمک کفش طبی و عصای چوبی راه می‌رود و بیرون آوردن کفش برای مسح پاها برای او خیلی سخت و دشوار است، مسح بر روی کفش کافی و مجزی است.

دو نکته در ارتباط با کیفیت وضو

کسی که بی در پی از او باد خارج می‌شود، اگر نتواند وضوی خود را تا آخر نماز حفظ کند و تجدید وضو در اثنای نماز هم برای او خیلی دشوار باشد، می‌تواند با هر وضویی یک نماز بخواند یعنی برای هر نماز به یک وضو اکتفا کند، هر چند وضوی او در بین نماز باطل شود.

بین زن و مرد در افعال و کیفیت وضو فرقی نیست، جز این که برای مردها مستحب است که هنگام شستن آرنج از قسمت بیرونی آن شروع کنند و زنها از قسمت داخلی آن.

✦ شرایطی که به وضو گیرنده برمی‌گردد:

الف) با قصد قربت وضو بگیرد (نیت).

ب) استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

✦ شرایطی که به آب وضو برمی‌گردد:

الف) آب وضو مطلق باشد.

ب) آب وضو پاک باشد.

ج) آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).

✦ شرایطی که به ظرف وضو برمی‌گردد:

الف) مباح باشد

✦ شرایطی که به اعضای وضو برمی‌گردد:

الف) پاک باشد.

ب) مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.

✦ شرایطی که به کیفیت وضو برمی‌گردد:

الف) ترتیب را در شستن و مسح کردن‌ها رعایت کند (ترتیب).

ب) کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد (موالات).

ج) کارهای وضو را خودش در حال اختیار انجام دهد (مباشرت).

✦ شرایطی که به زمان وضو برمی‌گردد:

به مقدار وضو و نماز وقت باقی باشد.

۱. نیت

وضو را باید با قصد قربت به جا آورد یعنی به این نیت که این عمل مخصوص را برای انجام فرمان خداوند انجام می‌دهد، پس اگر از روی تظاهر یا برای خنک شدن، همهی کارهای وضو را انجام دهد، وضو باطل است.

۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد

کسی که می‌ترسد اگر وضو بگیرد مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد.

۳. آب وضو مطلق باشد

آب وضو باید مطلق باشد، بنابراین وضو با آب مضاف باطل است.

۴. آب وضو پاک باشد

آب وضو باید پاک باشد، بنابراین وضو با آب نجس، باطل است.

توجه:

کسی که پس از جستجوی آب، آب آلوده و کثیفی را پیدا کند اگر آن آب، پاک و مطلق باشد و استعمال آن ضرری نداشته باشد و خوف ضرر هم در بین نباشد واجب است وضو بگیرد و نوبت به تیمم نمی‌رسد.

۵. آب وضو مباح باشد

آب وضو باید مباح باشد، بنابراین وضو با آب غصبی جایز نیست.

۶. اعضای وضو پاک باشد

اعضای وضو در هنگام شستن و مسح کردن باید پاک باشند، ولی اگر جایی را که شسته یا مسح کرده پیش از اتمام وضو نجس شود وضو صحیح است. البته تطهیر آن برای پاک شدن از نجاست به خاطر نماز واجب است.

۷. در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد

در اعضای وضو باید مانعی از رسیدن آب نباشد و در غیر این صورت وضو باطل است.

توجه:

✦ چربی‌هایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می‌آید مانع محسوب نمی‌شود مگر آن که به حدی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.

✦ رنگ روی ناخن در صورتی که دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن می‌شود و وضو باطل است.

✦ رنگ مصنوعی که زنها از آن برای رنگ کردن موی سر و ابروی خود استفاده می‌کنند، اگر صرفاً رنگ باشد و دارای جرمی نباشد که مانع از رسیدن آب به مو شود وضو صحیح است.

✦ جوهر در صورتی که دارای جرم بوده و مانع از رسیدن آب به پوست شود باعث بطلان وضو می‌شود و تشخیص این موضوع بر عهده‌ی مکلف می‌باشد.

✦ خالکوبی بدن اگر صرفاً رنگ باشد و یا در زیر پوست بوده و بر ظاهر پوست چیزی که مانع از رسیدن آب بر آن شود وجود نداشته باشد وضو صحیح است.

✦ صرف وجود اثر گچ یا صابون که بعد از خشک شدن اعضا ظاهر می‌شود ضرری به وضو نمی‌رساند، مگر این که دارای جرمی باشد که مانع از رسیدن آب به بشره (ظاهر پوست) شود.

✦ اگر می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را بر طرف کند.

✦ اگر پیش از وضو بداند که در بعضی اعضای وضو مانع از رسیدن آب وجود دارد، و بعد از وضو شک کند که آب را به

آنجا رسانده یا نه، چنانچه احتمال بدهد که در حال وضو ملتفت به مانع بوده، وضو صحیح است.

✦ اگر شک کند به اعضای وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است، چسبیده یا نه، چنانچه احتمال آن در نظر مردم به جا باشد - مثل آن که بعد از گل کاری احتمال بدهد که گل به دست او چسبیده - باید واریسی کند یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده بر طرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.

۸. ترتیب

وضو باید به همان ترتیبی که قبلاً در بحث «ترتیب وضو» گفته شد انجام گیرد و اگر به ترتیب دیگری عمل کند وضو باطل است.

۹. موالات

لازم است کارهای وضو را به طور متعارف پی در پی انجام دهد، بدین معنی که اگر میان آنها به قدری فاصله بیندازد که در هنگام شستن یا مسح کردن عضوی، جاهایی که پیش از آن شسته شده خشک شده باشد، وضو باطل است.

۱۰. مباشرت

کسی که می‌خواهد وضو بگیرد باید همه‌ی کارهای وضو را خودش انجام دهد، و اگر دیگری او را وضو دهد یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک کند، وضو باطل است.

توجه:

✦ کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی‌تواند خودش وضو بگیرد باید از کسی بخواهد که به او در کارهای وضو کمک کند. البته خود وضو گیرنده باید نیت وضو کند و در صورتی که بتواند، با دست خود عمل مسح را انجام دهد، و اگر نتواند، نایب دست او را گرفته و با آن مسح می‌نماید، اگر از این کار هم عاجز باشد نایب از دست او رطوبت گرفته و مسح می‌کند، و اگر این شخص کف دست نداشته باشد برای مسح، رطوبت از ساعد او می‌گیرد و اگر ساعد هم نداشته باشد رطوبت از صورت او گرفته و سر و پا را با آن مسح می‌کند.

۱۱. وقت برای وضو و نماز کافی باشد

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که در صورت وضو گرفتن، نمی‌تواند همه‌ی نماز را در وقت بخواند و مقداری از آن در خارج وقت واقع خواهد شد، در این صورت نباید وضو بگیرد، بلکه باید تیمم کند و نماز بخواند. البته اگر تیمم هم به همان اندازه‌ی وضو وقت می‌گیرد در این صورت باید وضو بگیرد.

❖ وضوی جبیره‌یی

■ معنای وضوی جبیره‌یی

اگر روی زخم بسته است، باید جاهایی را که می‌شود شست بشوید و روی زخم بند (جبیره) به جای شستن، دست تر بکشد. به این وضو، «وضوی جبیره‌یی» می‌گویند.

■ احکام وضوی جبیره‌یی

اگر در اعضای وضو (صورت و دستها) زخم یا شکستگی است و روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید آن را بشوید، و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید و احتیاط (واجب) آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد دست تر بر آن بکشد.

اگر محل مسح، زخم است و نمی‌تواند روی آن، دست تر بکشد، باید به جای وضو، تیمم کند، ولی در صورتی که می‌تواند پارچه‌یی روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط (واجب) آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.

کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد که دائماً از آن خون می‌آید، واجب است جبیره‌یی را بر روی زخم بگذارد که خون از آن بیرون نمی‌آید، مثل نایلون.

❖ مبطلات وضو

- خارج شدن ادرار
- خارج شدن مدفوع
- خارج شدن باد شکم
- به خواب رفتن
- چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی
- استحاضه‌ی زنان
- هر چیزی که موجب غسل می‌شود، مانند جنابت و خون حیض. (و مس میت)

■ احکام وضو

۱. کسی که جاهل به بطلان وضویش است و بعد از وضو متوجه آن می‌شود، واجب است برای اعمال مشروط به طهارت، وضو را اعاده کند و اگر با وضوی باطل نماز خوانده باشد اعاده‌ی آن نیز واجب می‌باشد.
۲. کسی که در کارهای وضو و شرایط آن، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.

❖ شک در اصل وضو (شک دارد وضو گرفته یا نه)

- ❑ قبل از نماز: باید وضو بگیرد.
- ❑ در بین نماز: نماز او باطل است و باید دوباره وضو بگیرد و نماز را دوباره بخواند.
- ❑ پس از نماز (شک دارد نماز خوانده شده با وضو بوده یا نه): نمازی که خوانده صحیح است، ولی باید برای نمازهای دیگر وضو بگیرد.
- ❑ شک در بطلان وضو (شک دارد وضویی که گرفته باطل شده یا نه): بنا می‌گذارد که وضوی او باطل نشده است.
- ❑ شک در صحت وضو (پس از انجام وضو شک دارد وضویی که گرفته صحیح بوده یا نه): در صورتی که احتمال میدهد وضو را صحیح انجام داده و در وقت وضو متوجه انجام آنچه در صحت وضو معتبر است بوده، به شک خود اعتنا نکند (و بنا بر صحت بگذارد)

❑ مس قرآن

دست زدن به خط قرآن بدون وضو حرام است و این امر، اختصاص به قرآن کریم ندارد، بلکه شامل همه‌ی کلمات و آیات قرآنی می‌شود، هر چند در کتاب دیگری یا در روزنامه، مجله، تابلو و غیر آنها باشد.

توجه:

❖ همه جای بدن، مانند لب و صورت و غیره هم حکم دست را دارد.

❑ مس اسامی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم (ع)

- ❑ مس اسما و صفات مخصوص ذات باری تعالی بدون وضو حرام است، و به احتیاط (واجب) نامهای انبیای عظام و ائمه‌ی معصومین (ع) نیز حکم نامهای خداوند متعال را دارد.
- ❑ مس لفظ جلاله‌ی «الله» بدون وضو جایز نیست، اگر چه چیزی از یک اسم مرکب از قبیل عبدالله و حبیب الله باشد. آرم جمهوری اسلامی ایران اگر در نظر عرف، اسم جلاله محسوب و خوانده شود، مس آن بدون طهارت حرام است و در غیر این صورت اشکال ندارد، اگر چه احوط (استحبایی) ترک مس آن بدون طهارت است.
- ❑ مس ضمیرهایی که به ذات باری تعالی بر می‌گردند، مثل ضمیر جمله‌ی «بسمه تعالی» حکم لفظ جلاله «الله» را ندارد.
- ❑ نوشتن همزه و سه نقطه به صورت «...ا» به جای لفظ جلاله‌ی «الله» از نظر شرعی مانعی ندارد، و همزه و نقاط، حکم لفظ جلاله را ندارد و مس آن بدون وضو جایز است.
- ❑ خودداری کردن از نوشتن لفظ جلاله‌ی «الله» به صرف احتمال مس آن توسط افراد بی وضو، مانعی ندارد.

■ چند نکته در ارتباط با مس آیات قرآن و اسمای متبرکه‌ی خداوند متعال و پیامبران و امامان معصوم (ع)

- به گردن آویختن گردنبندی که آیات قرآن یا اسمای مبارکه بر آن نقش شده است اشکال ندارد، ولی باید نوشته‌ها با بدن تماس نداشته باشد.
- کلماتی که روی انگشترها نقش می‌کنند، اگر از کلماتی باشد که شرط جواز مس آن، طهارت است، مثل کلمات قرآنی و مانند آن، مس آن بدون طهارت جایز نیست.
- استفاده از روزنامه‌هایی که آیات قرآنی یا اسمای مبارکه در آن نوشته شده است در کارهایی، مثل پیچاندن غذا با آن یا نشستن بر آن و یا استفاده از آن به جای سفره و ... اگر از نظر عرف بی احترامی شمرده شود جایز نیست، و اگر بی احترامی محسوب نشود اشکال ندارد.

✦ موارد تیمم

مواردی که باید به جای وضو و غسل تیمم کرد

۱. هنگامی که تهیه‌ی آب ممکن نباشد یا به این خاطر که آب وجود ندارد و یا این که آب هست، ولی مکلف به آن دسترسی ندارد، مثل این که آب در چاه است و او وسیله‌ی کشیدن آن از چاه را ندارد.
۲. هنگامی که آب برای سلامتی او مضر باشد.
۳. هنگامی که می‌ترسد اگر آب را مصرف کند، خود یا کسانش یا کسی که حفظ جاننش بر او لازم است در تشنگی بمانند.
۴. هنگامی که بخواهد با آبی که در اختیار دارد بدن یا لباس خود را برای نماز تطهیر کند.
۵. هنگامی که استعمال آب یا ظرف آن بر او حرام باشد، مثل این که غصبی باشد.
۶. هنگامی که وقت نماز تنگ باشد و وضو و غسل موجب شود که همه‌ی نماز یا قسمتی از آن در خارج وقت واقع شود.

توجه:

✦ فردی که وضو یا غسل برایش ضرر دارد یا تکلیف خیلی دشواری است، باید به جای آن تیمم کند و چنانچه وضو بگیرد یا غسل نماید صحیح نیست.

✦ فردی که به اعتقاد این که وضو یا غسل برایش ضرر دارد (مثلاً مریض می‌شود) تیمم کند اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است، ولی اگر پیش از آن که با این تیمم نماز بخواند بفهمد که ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از آن که با این تیمم نماز بخواند فهمید که آب ضرر نداشته است بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غسل کند و دوباره نماز را به جا آورد.

صرف مشقت یا عیب شمرده شدن غسل جوانان در نیمه شب، عذر شرعی محسوب نمی‌شود، بلکه مادامی که غسل،

حرجی و موجب ضرر برای مکلف نشود، غسل کردن به هر صورتی که امکان دارد واجب است و در صورت حرج (مشقت شدید و فوق العاده) یا ضرر باید تیمم کند.

✦ هرگاه فردی جنب شود و وقت به مقداری که بتواند بدن و لباسش را تطهیر کند، و یا لباس خود را عوض نماید نداشته باشد و به علت سردی هوا و مانند آن نتواند نماز خود را برهنه هم بخواند، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی (کافی) است و قضای آن بر او واجب نیست.

✦ اگر کسی در تنگی وقت، خوف آن را داشته باشد که در صورت غسل کردن یا وضو گرفتن، همه یا قسمتی از نمازش در خارج وقت واقع شود باید تیمم کند و نماز بخواند.

✦ هرگاه رطوبتی از انسان در حال خواب خارج شود و بعد از بیداری چیزی به یاد نیارد، ولی لباس خود را مرطوب ببیند، اگر می‌داند که محتلم شده، جنب است و باید غسل کند و در صورت تنگی وقت باید بعد از تطهیر بدنش تیمم نموده و نماز بخواند و سپس در وسعت وقت غسل نماید، اما اگر نداند (شک در احتلام و جنابت داشته باشد) در این صورت، حکم جنابت بر آن جاری نمی‌شود.

✦ صحت تیمم بدل از غسل برای اعمالی که مشروط به طهارت نیست، مانند زیارت محل اشکال است، ولی انجام در صورت عدم امکان غسل به قصد رجا و مطلوبیت اشکال ندارد.

✦ چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است

تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود، مانند خاک، شن، ریگ، کلوخ (خاکهای به هم چسبیده)، سنگ (سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ سیاه و مانند آن) صحیح است و همچنین بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها.

توجه:

✦ تیمم بر اشیای معدنی که جزو زمین محسوب نمی‌شود، مانند طلا و نقره و امثال آن صحیح نیست، ولی تیمم بر سنگهای مرغوبی که عرفاً به آن سنگ معدنی گفته می‌شود، مانند مرمر و غیره صحیح است.

✦ تیمم بر سیمان و موزاییک اشکال ندارد، اگر چه احوط (استحبابی) ترک تیمم بر سیمان و موزاییک است.

✦ کیفیت تیمم

۱. نیت کردن.

۲. زدن کف دو دست بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.

۳. کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی.

۴. کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست و کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

۵. و بنا بر احتیاط واجب زدن بار دیگر دستها به زمین و سپس کشیدن کف دست چپ بر پشت دست راست و

کشیدن کف دست راست بر پشت دست چپ.

توجه:

✦ ترتیب فوق در تیمم بدل از وضو و بدل از غسل یکسان است.

✦ اگر قسمتی از پیشانی یا پشت دست را حتی اندکی از آن را مسح نکند تیمم باطل است، چه عمداً یا از روی جهل به مسأله یا فراموشی باشد، البته دقت زیاد هم لازم نیست و همین اندازه که بگویند همه‌ی پیشانی و پشت دست‌ها مسح شده کافی است.

✦ برای این که یقین کند که تمام پشت دست را مسح کرده باید اندکی بالاتر از میچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

✦ تیمم جبیره‌یی

کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر محلی که باید بر روی آن مسح کند یا دستش که باید با آن مسح کند، به واسطه‌ی زخم و امثال آن بسته باشد، به همان ترتیب تیمم می‌کند یعنی محل زخم‌بندی شده را به جای پوست بدن قرار می‌دهد.

✦ شرایط تیمم

الف) شرایط چیزی که بر آن تیمم می‌کند

پاک باشد.

مباح باشد (غصبی نباشد).

ب) شرایط اعضای تیمم: مانعی در آنها نباشد.

ج) شرایط کیفیت تیمم

پیشانی و دستها را از بالا به پایین مسح کند.

ترتیب را رعایت کند (ترتیب).

کارهای تیمم را پشت سر هم به جا آورد (موالات).

کارهای تیمم را خودش در حال اختیار انجام دهد (مباشرت).

۱. چیزی که بر آن تیمم می‌کند پاک باشد

چیزی که بر آن تیمم می‌کند باید پاک باشد.

۲. چیزی که بر آن تیمم می‌کند مباح باشد

چیزی که بر آن تیمم می‌کند باید مباح (غیر غصبی) باشد، ولی در صورتی که نداند یا فراموش کرده باشد که غصبی است تیمم او صحیح است.

۳. مانعی در اعضای تیمم نباشد

در اعضای تیمم بایستی مانعی نباشد، بنابراین برای تیمم باید انگشتر و مانند آن را از دست بیرون آورد، و اگر به پیشانی یا دیگر اعضای تیمم چیزی چسبیده یا چیزی آن را پوشانیده است قبلاً باید آن را بر طرف کند.

توجه:

❖ مویی که بر روی دست یا پیشانی رویده است مانع تیمم نیست، ولی اگر موی سر روی پیشانی ریخته باشد باید آن را عقب بزند.

❖ اگر به خاطر زخم و امثال آن، اعضای تیمم را بسته است، در صورتی که باز کردن آن ضرر داشته یا دشوار باشد، باید با دست بسته یا بر روی عضو بسته، مسح کند.

۴. پیشانی و دستها را از بالا به پایین مسح کند

پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح کند.

۵. ترتیب

تیمم را باید به ترتیبی که (در بحث کیفیت تیمم) گفته شد انجام دهد و اگر خلاف آن عمل کند باطل است.

۶. موالات

کارهای تیمم را باید پشت سر هم به جا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می‌کند، باطل است.

۷. مباشرت

کارهای تیمم را باید خودش در حال اختیار انجام دهد و از دیگری کمک نگیرد و اگر به خاطر بیماری یا فلج بودن و غیره نمی‌تواند تیمم کند باید نایب بگیرد، و نایب باید او را با دست خود او تیمم دهد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نایب، دست خود را بر زمین بزند و به پیشانی و پشت دست‌های او بکشد.

❑ یک نکته در ارتباط با شرایط تیمم

اعضای تیمم (پیشانی و پشت دستها) لازم نیست پاک باشند، گر چه موافق احتیاط است.

❖ احکام تیمم

۱. اگر چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است پیدا نشود باید به گرد و غباری که بر روی فرش و لباس و امثال آن نشسته

است تیمم کند، و اگر آن نیز پیدا نشود ولی گِل تر در دسترس باشد باید به آن تیمم کند، و در صورتی که به هیچیک از اینها دسترسی نباشد -مانند کسی که در هواپیما و امثال آن است- بنا بر احتیاط (واجب) باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.

۲. کسی که وظیفه‌اش تیمم است، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند پیش از وقت نماز، برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کارهای واجب یا مستحبی قبل از وقت نماز تیمم کرده باشد و تا وقت نماز عذر او باقی بماند، می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند.

۳. کسی که می‌داند عذر او تا آخر وقت بر طرف می‌شود نمی‌تواند در اول وقت با تیمم نماز بخواند، بلکه باید صبر کند و پس از تمکن، با وضو یا غسل، نماز به جا آورد.

۴. کسی که تیمم بدل از غسل کرده، اگر حدث اصغر از او سر بزنند، مثلاً بول کند، تا زمانی که عذر شرعی مجوز تیمم بر طرف نشده است بنا بر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت، بار دیگر تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از آن نماید.

۵. اگر به واسطه‌ی نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از بر طرف شدن عذر، تیمم باطل می‌شود.

۶. چیزهایی که وضو را باطل می‌کند تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند و چیزهایی که غسل را باطل می‌کند تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌سازد.

۷. همه‌ی آثار شرعی غسل، بر تیمم بدل از غسل نیز مترتب و جاری می‌شود مگر این که تیمم بدل از غسل به علت تنگی وقت باشد، بنابراین با تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس نوشتن قرآن کریم و بقیه‌ی اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است اشکال ندارد.

✦ معنای غسل

غسل یعنی شستشوی تمام بدن از سر تا پا با شرایط و کیفیت خاص.

✦ اقسام غسل

۱. واجب

■ مشترک میان مردان و زنان:

غسل پس از جنابت

غسل پس از مس میت

غسل میت

غسل در هنگامی که نذر و عهد کرده یا قسم خورده باشد که غسل کند

■ مخصوص بانوان:

غسل پس از پایان عادت ماهیانه (حیض)

غسل پس از قطع شدن خون زایمان (نفاس)

غسل در اثای خونریزی‌های زنان (استحاضه)

۲. مستحب، مانند غسل جمعه.

✦ کیفیت غسل

غسل را به دو گونه می‌شود انجام داد:

■ ترتیبی: اول این که با ترتیب مخصوص بدن را بشوید، به این که ابتدا سر و گردن، بعد تمام نیمه راست بدن و در آخر تمام نیمه چپ بدن را بشوید.

■ ارتماسی: دوم این که تمام بدن را یک‌باره در آب فرو ببرد به طوری که آب به همه جای بدن برسد.

توجه:

✦ در غسل، بنا بر احتیاط واجب شستن موهای بلند و زیر آن لازم است، بنابراین بانوان بایستی - بنا بر احتیاط واجب - علاوه بر رساندن آب به پوست سر، تمام موهای خود را نیز بشویند.

✦ رو به قبله ایستادن در وقت غسل واجب نیست.

✦ شستن پشت و یا هر عضوی از اعضای بدن قبل از نیت غسل و شروع آن، اشکال ندارد.

✦ اگر غسل ترتیبی را بر خلاف ترتیبی که قبلاً گفته شد به جا آورد - چه عمداً باشد و چه از روی فراموشی و چه به سبب ندانستن مسأله - باطل است.

✦ کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدنش آب نرسیده است

■ غسل ارتماسی بوده: باید دو باره غسل کند، چه جای آن را بداند یا نداند.

■ غسل ترتیبی بوده

جای آن را نمی‌داند:

باید دوباره غسل کند.

جای آن را می‌داند:

در طرف چپ است: شستن همان مقداری که شسته نشده کافی است.

در طرف راست است: باید آن مقدار را شسته، بعد طرف چپ را بشوید.
در سر و گردن است: باید آن مقدار را شسته، بعد طرف راست و چپ بدن را بشوید.

✦ غسل جبیره‌یی

غسل جبیره‌یی هم مانند وضوی جبیره‌یی است.

✦ شرایط غسل

شرایطی که برای وضو گفته شد، مانند پاک بودن آب و غیر آن در غسل هم شرط است، ولی در غسل، شستشو از بالا به پایین و نیز بی در پی شستن اعضای بدن لازم نیست، بلکه می‌تواند در وسط غسل، مدتی به کار دیگر پردازد و سپس غسل را از همان محل که مانده است، ادامه دهد.

توجه:

✦ در غسل، هر قسمتی را که می‌خواهد شستشو بدهد، اگر نجس است باید قبلاً آن را آب بکشد، ولی پاک بودن تمامی بدن قبل از غسل واجب نیست، بنابراین اگر عضو، قبل از غسل آن، تطهیر شده باشد غسل صحیح است، ولی اگر عضو نجس قبل از غسل آن تطهیر نشود، و با یک شستن بخواهد هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است.

✦ چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید بر طرف کند و اگر پیش از اطمینان به این که بر طرف شده غسل کند، غسل او باطل است.

✦ احکام غسل

۱. هرگاه در اثنای غسل، حدث اصغری از او سر بزند (مثلاً بول کند) به صحت غسل ضرر نمی‌رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند و باید آن را ادامه دهد، ولی چنین غسلی اگر غسل جنابت باشد مانند سایر غسلها کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی‌کند.

۲. کسی که غسلهای متعددی، اعم از واجب یا مستحب بر ذمه‌ی او باشد، اگر به نیت همه‌ی آنها یک غسل به جا آورد کافی است، و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند از بقیه‌ی غسلها هم کفایت می‌کند، اگر چه احتیاط (مستحب) این است که همه‌ی آنها را نیت نماید.

۳. غیر از غسل جنابت، سایر غسلها کفایت از وضو نمی‌کند.

۴. کسی که بعد از غسل، یقین به باطل بودن آن پیدا کند بایستی قضای همه‌ی نمازهایی که با آن غسل خوانده است را به جا آورد.

❖ شک در غسل

❑ شک در انجام غسل (شک دارد که غسل کرده یا نه): برای اعمالی که مشروط به غسل است باید غسل کند، ولی نمازهایی که تا کنون خوانده صحیح است.

❑ شک در صحت غسل (پس از انجام غسل شک دارد غسلش صحیح بوده یا نه): در صورتی که احتمال می‌دهد غسل را صحیح انجام داده و در وقت غسل متوجه انجام آنچه در صحت غسل معتبر است بوده به شک خود اعتنا نکند (و بنا بر صحت بگذارد).

❖ اسباب جنابت

انسان به یکی از دو چیز جنب می‌شود:

۱. آمیزش جنسی (به هر نحو که باشد، با حلال یا با حرام، منی بیرون بیاید یا نیاید، بالغ باشد یا نباشد)

۲. بیرون آمدن منی (چه در خواب و چه در بیداری، چه عمداً و چه بی‌اختیار)

❖ کارهایی که بر جنب حرام است

۱. مس خط قرآن و اسما و صفات مخصوص ذات باری تعالی و همچنین به احتیاط واجب نامهای انبیای عظام و ائمه‌ی معصومین (ع)

۲. ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)، هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

۳. توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در وارد و از در دیگر خارج شود مانع ندارد.

۴. گذاشتن چیزی در مسجد.

۵. خواندن خصوص آیات سجده از سوره‌هایی که سجده‌ی واجب دارند، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.

توجه:

❖ حرم امامان معصوم (ع) بنا بر احتیاط حکم مسجد را دارد.

❖ ورود جنب به داخل حرم امام زادگان (ع) اشکالی ندارد.

❖ تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد را ندارند.

❖ منظور از آیات سجده: آیه‌ی ۱۵ از سوره‌ی ۳۲ (سجده) و آیه‌ی ۳۷ از سوره‌ی ۴۱ (فصلت) و آیه‌ی ۶۲ از سوره‌ی

۵۳ (نجم) و آیه‌ی ۱۹ از سوره‌ی ۹۶ (علق) می‌باشد که خواننده یا شنونده‌ی آنها واجب است سجده کند.

❖ احکام غسل جنابت

۱. در انجام تکلیف شرعی، حیا معنی ندارد. حیا، عذر شرعی برای ترک واجب (مثل غسل جنابت) نیست. به هر حال اگر غسل جنابت برای کسی امکان ندارد وظیفه اش برای نماز و روزه، تیمم بدل از غسل است.
 ۲. کسی که بعد از خارج شدن منی غسل کرده، اگر پس از غسل، رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا چیز دیگر، در صورتی که پیش از غسل و بعد از خروج منی، ادرار نکرده باشد، آن آب در حکم منی است و باید دوباره غسل کند.
 ۳. اگر در لباس خود لکه‌یی ببیند که نمی‌داند منی است یا چیز دیگر، تا یقین نکرده که منی است و از خود اوست غسل بر او واجب نیست.
 ۴. کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد و نماز و دیگر اعمالی را که باید با وضو انجام دهد می‌تواند با همین غسل انجام دهد.
 ۵. هرگاه بعد از غسل جنابت شک کند غسلش باطل شده است یا نه، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر بخواهد از باب احتیاط وضو بگیرد اشکالی ندارد.
 ۶. کسی که در تنگی وقت نماز غسل می‌کند، اگر غسل را به این نیت بکند که از جنابت خارج شود - نه به نیت خصوص این نماز - غسل او صحیح است، اگر چه پس از غسل بفهمد که وقت برای نماز نداشته است.
- نکته: برای بانوان غسل‌هایی مخصوصی وجود دارد که برای اطلاع از آن‌ها به رساله‌ی عملی مقام معظم رهبری رجوع شود.

احکام نماز

✦ نمازهای واجب و مستحب

نمازهای واجب:

نمازهای یومیه

نماز طواف خانه‌ی خدا که پس از طواف خانه‌ی کعبه گزارده می‌شود.

نماز آیات که در هنگام پدید آمدن خورشید و ماه گرفتگی و زلزله و امثال آنها خوانده می‌شود.

نماز میت که بر مرده خوانده می‌شود.

نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است.

نمازی که به واسطه‌ی نذر و عهد و قسم یا به واسطه‌ی اجاره واجب شده است.

نمازهای مستحب، مثل نافله‌های شبانه روزی.

✦ مقدار پوشش در نماز

۱. مرد باید در حال نماز عورتین خود را بپوشاند، هر چند کسی او را نمی‌بیند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند.

۲. زن باید در موقع نماز تمام بدن و موی خود را با پوششی که کاملاً بدن را می‌پوشاند بپوشاند، ولی پوشاندن صورت

به مقداری که شستن آن در وضو واجب است و دستها تا میچ و پاها تا مفصل ساق لازم نیست.

✦ شرایط لباس نمازگزار

(الف) پاک باشد.

(ب) غصبی نباشد (مباح باشد).

(ج) از اجزای مردار نباشد.

(د) از حیوان حرام گوشت نباشد.

(هـ) طلا بافت نباشد. (فقط در مردان)

(و) از ابریشم خالص نباشد. (فقط در مردان)

(ج) از اجزای مردار نباشد

۱. لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده‌یی که دارای خون جهنده است نباشد، و احتیاط واجب آن است که از

اجزای مرداری که دارای خون جهنده نیست نیز نباشد.

۲. هرگاه قطعه‌یی از مردار همراه نمازگزار باشد، بنا بر احتیاط (واجب) نمازش باطل است، ولی در صورتی که از چیزهایی که دارای روح نیست، مانند مو و پشم و شاخ و استخوان باشد و حیوان هم در اصل حلال گوشت باشد، نماز باطل نیست.

د) از حیوان حرام گوشت نباشد

۱. لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد، و اگر مویی از آن هم به لباس یا بدن نمازگزار چسبیده باشد نماز او باطل است.

✦ مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد

- الف) آن که به واسطه‌ی زخم یا جراحت یا دمل، لباس یا بدن به خون آلوده شده باشد.
- ب) آن که خون موجود در لباس یا بدن کمتر از درهم (بند انگشت اشاره) باشد.
- ج) آن که لباسهای کوچک نمازگزار، مانند جوراب که با آنها نمی‌توان عورت را پوشاند نجس باشد.
- د) آن که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

ب) آن که خون موجود در لباس یا بدن کمتر از درهم (بند انگشت اشاره) باشد

■ خون حیض نباشد که اگر اندکی هم از آن بر بدن یا لباس نمازگزار باشد نمازش باطل است، و بنا بر احتیاط واجب خون نفاس و استحاضه نیز همین حکم را دارد.

شرایط مکان نمازگزار:

۱. مباح باشد. (یعنی غصبی نباشد).
۲. بی حرکت باشد.
۳. از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است.
۴. جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نایستد.
۵. محل سجده‌ی نمازگزار پاک باشد.
۶. موجب نجاست لباس و بدن نمازگزار نشود.
۷. میان زن و مرد در حال نماز بنا بر احتیاط واجب حداقل یک وجب فاصله باشد.
۸. مسطح باشد.

✦ ۱. مباح باشد

الف) مکان نماز باید غصبی نباشد. نماز در جای غصبی هر چند که بر روی فرش و تخت غیر غصبی باشد، باطل است.

ب) اگر در جایی که نمی‌داند یا فراموش کرده غصبی است نماز بخواند، نماز او صحیح است. همچنین اگر نداند تصرف در جای غصبی حرام است.

ج) کسی که با دیگری در ملکی شریک است در صورتی که سهم هر یک از دیگری جدا نباشد، نمی‌تواند بدون رضایت شریکش در آن ملک نماز بخواند.

۲. بی حرکت باشد

مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد یعنی طوری باشد که شخص نمازگزار بتواند با آرامش بدن و بدون تکان، نماز بخواند، بنابراین نماز در جاهایی که بی اختیار تکان می‌خورد، مانند خودرو و یا بعضی تخت‌های فتری و امثال آن صحیح نیست، مگر هنگامی که به خاطر تنگی وقت و غیر آن مجبور باشد در چنان مکانی نماز بخواند.

۳. از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است

مکان نمازگزار باید از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است، مانند جایی که جان انسان در خطر جدی است، و نیز جاهایی نباشد که ایستادن یا نشستن بر روی آن حرام است، مانند فرشی که نام خدا، یا آیات قرآنی بر همه جای آن نقش بسته است.

۷. میان زن و مرد در حال نماز بنا بر احتیاط واجب حداقل یک و جب فاصله باشد

بنا بر احتیاط واجب باید میان زن و مرد در حال نماز حداقل یک و جب فاصله باشد، و در این صورت اگر زن و مرد محاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستد، نماز هر دو صحیح است.

۸. مسطح باشد

لازم است که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سر انگشتان پای او، بیش از چهار انگشت بسته بلندتر و یا پست‌تر نباشد.

احکام قبله

۱. مسلمان باید نماز را رو به سمت کعبه بگذارد که به این اعتبار به آن «قبله» می‌گویند. البته برای کسانی که از آن دورند محاذات حقیقی میسر نیست، و همین اندازه که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.

۲. نمازگزار باید به جهت قبله یقین و اطمینان پیدا کند، چه از راه قبله‌نمای صحیح و معتبر و چه از راه آفتاب و ستارگان (برای کسی که آشنا به استفاده از آنها است) و چه از راه‌های دیگر، و اگر نتوانست اطمینان پیدا کند به هر طرف که گمان بیشتر می‌یابد، نماز بخواند.

۳. کسی که هیچ راهی برای یافتن جهت قبله ندارد و گمانش هم به هیچ طرف نمی‌رود بنابر احتیاط (واجب) باید به چهار طرف نماز بخواند، و اگر برای چهار نماز وقت ندارد به هر اندازه که وقت دارد، نماز بخواند.
۴. کسی که یقین به قبله ندارد در بقیه‌ی کارهایی که باید رو به قبله انجام شود، مانند ذبح حیوانات و غیره، باید به گمان خود عمل کند و اگر به هیچ طرف گمان بیشتر ندارد، به هر طرف انجام دهد صحیح است.

✦ اهمیت نمازهای یومیه

۱. نمازهای روزانه‌یی که در پنج نوبت خوانده می‌شود از واجبات بسیار مهم شریعت اسلامی بوده و بلکه ستون دین است، و ترک یا سبک شمردن آن شرعاً حرام و موجب استحقاق عقاب است.
۲. نماز در هیچ حالی ترک نمی‌شود حتی در حال جنگ، بنابراین رزمنده‌یی که در جبهه به علت شدت درگیری قادر بر قرائت فاتحه یا سجده و یا رکوع نباشد، باید به هر نحوی که برایش امکان دارد نماز بخواند، و اگر قادر بر انجام رکوع و سجده نیست، ایما و اشاره به جای رکوع و سجود کافی است.

✦ اوقات نمازهای یومیه

■ وقت نماز صبح

۱. وقت نماز صبح از هنگام طلوع فجر تا طلوع آفتاب است.
۲. معیار شرعی در مورد وقت نماز صبح، فجر صادق است (نه کاذب)، و احراز آن موکول به تشخیص مکلف است.
۳. فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر (وقت فریضه‌ی صبح) نیست، هر چند احتیاط در این زمینه خوب است.
۴. مقتضی است که مؤمنین محترم «ایدهم الله تعالی» جهت رعایت احتیاط در مورد وقت نماز صبح، حدود پنج الی شش دقیقه بعد از اذان صبح از رسانه‌ها شروع به ادای فریضه‌ی صبح نمایند.
۵. ملاک طلوع خورشید (پایان وقت نماز صبح) دیدن آن در افق مکان نمازگزار است نه رسیدن نور آن بر زمین.

■ وقت نماز ظهر

وقت نماز ظهر از اول ظهر (یعنی هنگامی که سایه‌ی هر چیزی پس از آن که بر اثر بالا آمدن آفتاب کاملاً کوتاه شد مجدداً به طرف مشرق شروع به زیاد شدن کند) است تا هنگامی که فقط به قدر نماز عصر تا غروب آفتاب وقت باقی مانده است.

■ وقت نماز عصر

وقت نماز عصر از هنگامی است که به قدر خواندن نماز ظهر، از ظهر گذشته تا غروب آفتاب.

■ وقت نماز مغرب

وقت نماز مغرب از هنگامی است که سرخی بعد از غروب آفتاب که از طرف مشرق بالا می‌آید زائل شود تا هنگامی که

فقط به قدر نماز عشا تا نیمه شب مانده است.

توجه:

✦ فاصله‌ی زمانی بین غروب خورشید و زوال حمرة‌ی مشرقیه (از بین رفتن سرخی طرف مشرق بعد از غروب آفتاب) با اختلاف فصل‌های سال تفاوت می‌کند.

■ وقت نماز عشا

وقت نماز عشا از هنگامی است که به قدر خواندن نماز مغرب از اول وقت گذشته است تا نیمه شب.

کارهای واجب که نماز از آنها تشکیل شده یازده چیز است

۱. نیت ۲. تکبیرة الاحرام ۳. قیام ۴. قرائت ۵. رکوع ۶. سجده ۷. ذکر ۸. تشهد ۹. سلام ۱۰. ترتیب ۱۱. موالات

توجه:

✦ بعضی از واجبات نماز «رکن» است یعنی اگر در نماز به جا آورده نشود یا بیش از مقدار واجب آورده شود، حتی اگر از روی سهو و فراموشی هم باشد، نماز باطل می‌شود، (ولی واجبات غیر رکنی اگر عمداً کم و زیاد شود نماز باطل می‌شود، اما اگر سهواً باشد نماز صحیح است، مانند قرائت).

✦ ارکان نماز

۱. نیت.

۲. تکبیرة الاحرام

۳. قیام (در هنگام تکبیرة الاحرام و هنگام رفتن به رکوع).

۴. رکوع.

۵. دو سجده.

✦ ۱. نیت

۱. معنای نیت و حکم آن: نیت در نماز واجب است و منظور از آن، قصد انجام نماز معین برای اطاعت از دستور خداوند است.

توجه:

✦ نیت که در نماز واجب است همان قصد انجام نماز برای خداست و لازم نیست در دل خود یا به زبان مثلاً بگوید: چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قرۃ الی الله.

۲. تکبیره الاحرام

۱. معنای تکبیره الاحرام و حکم آن

تکبیره الاحرام در نماز واجب است و منظور از آن گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» در آغاز نماز است.
توجه:

✦ نگفتن تکبیره الاحرام در اول نماز چه عمداً و چه سهواً موجب باطل بودن نماز است. همچنین اگر پس از آن که آن را در اول نماز به طور صحیح ادا کرد بار دیگر با فاصله یا بدون فاصله با همان نیت «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید نماز باطل است، و فرقی نیست میان این که زیاد گویی عمدی باشد یا سهوی.

۲. واجبات تکبیره الاحرام:

۱. تکبیره الاحرام را باید طوری بخواند که تلفظ به آن محسوب شود، و نشانه‌ی آن این است که خودش بتواند آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.
۲. تکبیره الاحرام را باید به عربی صحیح بگوید، و اگر ترجمه‌ی فارسی آن را بگوید یا آن را به عربی غلط بگوید - مثلاً های الله را با فتحه بگوید و یا امثال آن - صحیح نیست.

توجه:

✦ اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ تکبیره الاحرام را نمی‌داند واجب است یاد بگیرد، و اگر قادر به یادگیری نیست و نمیتواند آن را با تلقین دیری به صورت حرف حرف با مراعات موالات عرفی بگوید باید ترجمه آن را بگوید.

۳. هنگام تکبیره الاحرام باید بدن آرام و مستقر باشد، پس اگر عمداً و از روی اختیار، تکبیره الاحرام را در حالی بگوید که بدنش حرکت دارد، باطل است.

۳. شک در تکبیره الاحرام:

▣ اصل تکبیر (یعنی شک دارد که تکبیره الاحرام گفته یا نه):

الف) به اذکار قرائت مشغول شده: به شک خود اعتنا نکند و نماز را ادامه دهد.

ب) به اذکار قرائت مشغول نشده: باید تکبیر را بگوید.

▣ صحت تکبیر (یعنی پس از گفتن تکبیره الاحرام شک دارد صحیح گفته یا نه): باید به شک خود اعتنا نکند.

۳. قیام (ایستاده بودن)

۱. اقسام قیام واجب:

■ رکن

الف) قیام هنگام تکبیرة الاحرام.

ب) قیام هنگام رفتن به رکوع (متصل به رکوع).

■ غیر رکن

الف) قیام هنگام قرائت.

ب) قیام بعد از رکوع.

توجه:

✦ اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و در این هنگام یادش بیاید که رکوع نکرده، باید برخیزد و بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود، پس اگر بدون برخاستن و ایستادن از همان حال نشسته خود را به حالت خمیدگی رکوع برساند نمازش باطل است.

۲. واجبات قیام: نمازگزار در حال قیام باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی به طور آشکار خم نشود و به جایی تکیه نکند، مگر این که از روی ناچاری یا سهو و فراموشی باشد.

توجه:

✦ موقعی که انسان در نماز بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکری را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند.

۴. جهر و اخفات (بلند و آهسته خواندن) در قرائت:

الف) حمد و سوره در رکعت اول و دوم

✦ نماز صبح و مغرب و عشا

نمازگزار مرد است: باید بلند بخواند.

نمازگزار زن است: می‌تواند بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را می‌شنود بهتر است آهسته بخواند.

✦ نماز ظهر و عصر: باید آهسته بخواند غیر از «بسم الله»، چه نمازگزار مرد باشد و چه زن.

ب) تسییحات اربعه یا حمد تنها در رکعت سوم و چهارم: باید آهسته بخواند، چه نمازگزار مرد باشد و چه زن، ولی در

صورتی که حمد بخواند می‌تواند در نماز فرادی «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند بگوید، اگر چه احتیاط در آن است

که «بسم الله» را هم آهسته بگوید و در نماز جماعت این احتیاط، واجب است.

✦ ملاک اخفات (آهسته خواندن) عدم وجود جوهر صدا نیست، بلکه ملاک، آشکار نکردن آن است. در مقابل، ملاک جهر (بلند خواندن) آشکار کردن جوهر صدا است.

✦ اگر درجایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد نماز صحیح است، و اگر در اثنای خواندن حمد و سوره ملتفت شود که اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که بر خلاف دستور، بلند یا آهسته خوانده دوباره بخواند.

۵. واجبات قرائت:

الف) در قرائت، واجب است که کلمات، تلفظ شوند به طوری که قرائت بر آن صدق کند، از این رو قرائت قلبی یعنی گذراندن کلمات در قلب بدون تلفظ آنها که عنوان قرائت بر آن صدق نمی‌کند کافی نیست. نشانه‌ی صدق قرائت این است که خودش بتواند آنچه رامی خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.

ب) واجب است که قرائت، صحیح و بدون غلط باشد و کسی که به هیچ قسم نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند، و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

توجه:

✦ کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی‌داند و می‌تواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید یاد بگیرد، و اگر وقت تنگ است بنابر احتیاط واجب در صورتی که ممکن باشد باید نمازش را به جماعت بخواند.

✦ ملاک صحت قرائت، عبارت است از رعایت قواعد زبان عربی و ادای حرف از مخارج آن به طوری که اهل لسان (عرب زبانان) آن را ادای آن حرف بدانند نه حرف دیگر.

✦ اگر یکی از کلمات حمد و سوره را نداند، یا عمداً آن را نگوید، یا عمداً به جای حرفی حرف دیگر بگوید، مثلاً به جای «ض» «ز» بگوید، یا زیر و زبر کلمات را تغییر دهد یا تشدید را نگوید، نماز او باطل است.

✦ اگر پس از آن که آیه‌ی را تمام کرد شک کند که آن را درست خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند، و همینطور است اگر جمله‌ی از آیه را تمام کرد و پس از آن شک در درست خواندن آن کرد، مثل این که پس از «إِنَّا كُنَّا نَعْبُدُ» شک کرد که آیا آن را درست ادا کرده است یا نه. البته در همه‌ی این صورتها اگر آنچه را که در صحیح ادا کردن آن شک دارد، احتیاطاً دوباره بخواند اشکال ندارد.

ج) هنگام قرائت حمد و سوره یا تسبیحات، بدن باید آرام و مستقر باشد، و در صورتی که بخواهد کمی جلو یا عقب برود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد، باید ذکری را که به خواندن آن مشغول است در حال این حرکت، قطع کند.

❖ واجبات رکوع:

۱. خم شدن به اندازه‌ی که بتواند دستها را به زانو بگذارد

۲. ذکر

۳. آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع

۴. ایستادن بعد از رکوع

۵. آرامش بدن بعد از رکوع

❑ ۱. خم شدن به اندازه‌ی که بتواند دستها را به زانو بگذارد:

۱. در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ی خم شود که بتواند دست را بر زانو بگذارد، و اگر سر انگشتها هم به زانو برسد کافی است.

۲. احتیاط (واجب) آن است که در حال رکوع دستها را بر زانو بگذارد.

۳. کسی که در حال نشسته رکوع می‌کند، کافی است به قدری خم شود که صورتش محاذی زانوها برسد.

❑ ۲. ذکر:

ذکر واجب در رکوع عبارت است از یک بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» و اگر به جای آن، ذکر دیگری از قبیل «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن را به همان مقدار بگوید نیز کافی است.

❑ ۳. آرامش بدن در حال گفتن ذکر رکوع:

۱. در رکوع هنگامی که ذکر واجب را می‌گوید، باید بدن آرام باشد، بلکه حتی در هنگامی که اذکاری را به قصد استحباب آن در رکوع می‌گوید، مانند تکرار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» و امثال آن، احتیاط واجب آن است که بدن را آرام نگهدارد.

۲. اگر در حالی که ذکر واجب رکوع را می‌گوید، بدن او بی اختیار حرکت کند و حال طمأنینه‌ی واجب را بر هم بزند، باید پس از آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را دوباره بگوید.

۳. کسی که می‌داند طمأنینه در حال ذکر رکوع واجب است

❖ اگر پیش از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، ذکر رکوع را شروع کند

عمداً باشد: نمازش باطل است.

سهواً باشد: باید پس از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن، ذکر واجب را دوباره بگوید.

✦ اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب سر از رکوع بردارد

عمداً باشد: نمازش باطل است.

سهواً باشد:

اگر پیش از خارج شدن از حد رکوع متوجه شود که ذکر را تمام نکرده:

باید در همان حال آرام بگیرد و ذکر رکوع را بگوید.

اگر پس از خارج شدن از حد رکوع متوجه شود که ذکر را تمام نکرده: نمازش صحیح است.

۵. ایستادن و آرامش بعد از رکوع:

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید راست بایستد و پس از آن که بدن آرام گرفت به سجده برود، و اگر عمداً پیش از

ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.

✦ ج) کسی که رکوع را فراموش کرده است:

۱. پیش از رسیدن به سجده‌ی اول یادش بیاید: باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع برود، و چنانچه به حالت

خمیدگی به رکوع برگردد کافی نیست، و اگر به این رکوع اکتفا کند نمازش باطل است.

۲. پس از رسیدن به سجده‌ی دوم یادش بیاید: نمازش باطل است؛ (زیرا یک رکن را ترک کرده و وارد رکن بعدی شده

است).

۳. پیش از رسیدن به سجده‌ی دوم یادش بیاید (یعنی در سجده‌ی اول یا بعد از آن و پیش از آن که وارد سجده‌ی دوم

شود): باید برخیزد و بایستد و رکوع کند و پس از آن، دو سجده را به جا آورد و نماز را تمام کند، و بعد از نماز به

احتیاط (واجب) دو سجده سهو برای سجده‌ی زیادی بگذارد.

✦ سجده

✦ الف) معنای سجده و حکم آن: نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع، دو سجده

کند، و سجده آن است که پیشانی را از روی خضوع بر زمین بگذارد.

توجه:

✦ دو سجده در یک رکعت، مجموعاً «رکن» است، بدین معنی که اگر عمداً یا از روی فراموشی، هر دو را ترک کند یا

دو سجده‌ی دیگر به آن اضافه کند، نماز باطل می‌شود.

✦ اگر عمداً یک سجده کم یا زیاد کند، نماز باطل است، و اگر سهواً این کار را انجام دهد نماز باطل نیست، ولی دارای

احکامی است که بعداً گفته خواهد شد.

❖ (ب) واجبات سجده:

۱. گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین.
۲. ذکر.
۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده.
۴. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.
۵. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.
۶. مساوی بودن جاهای سجده، مگر به اندازه‌ی چهار انگشت بسته.
۷. پاک بودن جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد.
۸. حایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند.
۹. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.
۱۰. نشستن بعد از سجده‌ی دوم در رکعتی که تشهد ندارد بنابر احتیاط واجب.

❑ ۱. گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین:

۱. در سجده باید هفت موضع بر زمین قرار گیرد.
 ۱. پیشانی.
 - ۲ و ۳. دو کف دست.
 - ۴ و ۵. دو سر زانو.
 - ۶ و ۷. دو سر انگشت بزرگ پا.

توجه:

- ❖ گذاشتن دستها هنگام نماز بر موزاییکی که دارای سوراخهای ریزی است اشکال ندارد.
- ❖ هرگاه هنگام سجده، علاوه بر انگشت بزرگ پا، بعضی از انگشتان دیگر را نیز بر زمین قرار دهد اشکال ندارد.

❑ ۲. ذکر

ذکر واجب در سجده عبارت است از یک بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ»، و اگر به جای آن ذکرهای دیگر، مانند «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ» و غیر آن به همان مقدار بگوید کافی است.

❑ ۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده:

۱. در حال سجود هنگامی که ذکر واجب را می‌گوید، باید بدن آرام باشد، بلکه حتی در هنگامی که ذکر را به قصد

استحباب آن در سجود می‌گوید، مانند تکرار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» و امثال آن، احتیاط واجب آن است که بدن را آرام نگهدارد.

۴. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر:

۱. اگر در هنگامی که ذکر سجده را می‌گوید یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول ذکر گفتن نیست اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد.
۲. اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده، پیشانی را سهواً از زمین بردارد نمی‌تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.
۳. اگر در هنگام سجده، پیشانی به محل سجده بخورد و بی اختیار از زمین بلند شود، باید دوباره پیشانی را بر زمین بگذارد و ذکر سجود را بگوید، و یک سجده به حساب می‌آید.

۵. مساوی بودن جاهای سجده، مگر به اندازه‌ی چهار انگشت بسته

در حال سجده باید جای پیشانی از جای زانوها و سر انگشتان پا، بلندتر یا پایین‌تر از چهار انگشت بسته نباشد.

۶. حایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند

باید میان پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند، چیزی حایل نشود، بنابراین اگر حایلی در این وسط باشد، مانند موی سر یا گلاب یا چرک بودن مهر به حدی که پیشانی به خود مهر نرسد و غیره، سجده و نماز باطل است.

ج) چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است:

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است: ۱. زمین ۲. آنچه از زمین می‌روید به سه شرط: ۱. خوردنی نباشد ۲. پوشیدنی نباشد ۳. معدنی نباشد.

۱. سجده‌ی نماز باید بر زمین یا گیاهان غیر خوراکی که از زمین می‌روید گزارده شود، مانند سنگ و خاک و چوب و برگ درختان و امثال آن، و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی، هر چند از زمین بروید، مانند پنبه و گندم، و چیزهای معدنی که از جنس زمین محسوب نمی‌شود، مانند فلزات و شیشه و امثال آن صحیح نیست.
۲. سجده بر سنگ مرمر و دیگر سنگهایی که در ساخت یا زینت بنا به کار می‌رود صحیح است، و همچنین سجده بر عقیق و فیروزه و دُرّ و امثال آن، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که بر این دسته‌ی آخری سجده نکنند.
۳. سجده بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان صحیح است.
۴. سجده بر کاغذی که از چوب و گیاهان - غیر از کتان و پنبه - ساخته می‌شود، درست است.

۵. جایی که انسان باید تقیه کند می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید، و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود، ولی اگر در همان محل بتواند طوری که به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند، باید بر این اشیا سجده نماید.

۶. اگر در سجده‌ی اول، مَهر به پیشانی بچسبد باید برای سجده‌ی دوم مهر را از پیشانی بردارد، و اگر مهر را از پیشانی جدا نکند و به همان حال به سجده‌ی دوم برود اشکال دارد.

نکته: در هر یک چهار سوره‌ی الم تنزیل (سوره‌ی سجده)، حم سجده (سوره‌ی فصلت)، النجم، اقرء (سوره‌ی علق)، یک آیه‌ی سجده هست که اگر انسان بخواند یا به آن گوش دهد، باید پس از پایان آیه فوراً سجده کند، و اگر فراموش کرد هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

اگر به آیه‌ی سجده‌یی که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و امثال آن پخش می‌شود، گوش دهد سجده واجب است.

در سجده‌ی واجب قرآن باید بر چیزهایی سجده کند که در نماز می‌تواند بر آنها سجده کند، ولی دیگر شرایط سجده‌ی نماز، مانند رو به قبله بودن، با وضو بودن و امثال آن در این سجده لازم نیست.

تشهد

کسی که تشهد را فراموش کرده است:

۱. اگر برای رکعت سوم بایستد، ولی پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده است: باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند، و پس از نماز به خاطر ایستادن بی‌جا، بنابر احتیاط مستحب، دو سجده‌ی سهو به جا آورد.

۲. اگر هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن یادش بیاید: باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهد فراموش شده دو سجده‌ی سهو به جا آورد، و احتیاط (واجب) آن است که پیش از سجده‌ی سهو، تشهد فراموش شده را قضا کند.

سلام

کسی که سلام نماز را فراموش کرده است: اگر سلام نماز را فراموش کند و هنگامی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند، مثل پشت کردن به قبله، انجام نداده، باید سلام را بگوید و نمازش درست است.

♦ ترتیب

۱. منظور از ترتیب و حکم آن: نمازگزار باید نماز را به ترتیبی که گفته شد انجام دهد و هر یک از اجزای آن را در جای خود بیاورد، پس اگر عمداً این ترتیب را به هم زند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می‌شود.

۲. رعایت نکردن سهوی ترتیب:

مقدم شدن سهوی جزئی بر جزء دیگر:

۱. رکنی را بر رکن دیگر مقدم داشته است، مانند آن که دو سجده را فراموش کند و پس از آن که به رکوع رکعت بعد رفت یادش بیاید: نماز باطل است.

۲. غیر رکنی را بر رکن مقدم داشته است، مانند آن که دو سجده را فراموش کند و تشهد بخواند و آنگاه یادش بیاید که دو سجده را به جا نیاورده است: باید رکن را به جا آورد، و آنچه را اشتباهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند.

۳. رکنی را بر غیر رکن مقدم داشته است، مانند آنکه که حمد را فراموش کند و پس از آن وارد رکوع شد متوجه شود که حمد را نخوانده است: نمازش صحیح است.

۴. غیر رکنی را بر غیر رکن مقدم داشته است، مانند آن که حمد را فراموش کند و به خواندن سوره مشغول شود، ولی پیش از آن که به رکوع برود متوجه شود که حمد را نخوانده است: در این صورت، باید آنچه را فراموش کرده (مثلاً حمد) بخواند و بعد از آن، چیزی را که اشتباهاً جلوتر خوانده (مثلاً سوره) دوباره بخواند.

♦ موالات

نمازگزار باید اجزای نماز، مانند رکوع و سجود و تشهد و غیره را با «موالات» یعنی بی در پی به جا آورد و میان آنها فاصله‌ی طولانی و غیر متعارف نیندازد، پس اگر میان اجزای نماز به قدری فاصله شود که در نظر بیننده از حالت نماز خواندن خارج شود، نمازش باطل است.

♦ قنوت

۱. معنای قنوت و حکم آن

در همه‌ی نمازهای واجب و مستحب، مستحب است که در رکعت دوم پس از پایان حمد و سوره و پیش از رکوع، دستها را به دعا بردارد و دعا بخواند. این عمل را «قنوت» می‌نامند.

توجه:

♦ در نماز جمعه، قنوت را در رکعت اول، پیش از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع به جا می‌آورد.

♦ در نماز عید فطر و قربان، در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت به جا می‌آورد.

❖ مبطلات نماز

۱. از بین رفتن یکی از چیزهایی که باید در حال نماز رعایت شود، مثل پوشش واجب یا غصبی نبودن مکان.
۲. باطل شدن وضو.
۳. پشت به قبله نماز خواندن.
۴. حرف زدن.
۵. دست بسته نماز خواندن آن گونه که بعضی از فرق اسلامی انجام می‌دهند.
۶. آمین گفتن بعد از حمد.
۷. خندیدن.
۸. گریه کردن.
۹. به هم خوردن صورت نماز، مانند کف زدن و به هوا پریدن.
۱۰. خوردن و آشامیدن.
۱۱. شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند، مانند شک در رکعت‌های نماز دو رکعتی یا سه رکعتی.
۱۲. کم و زیاد کردن ارکان، مانند کم و زیاد کردن رکوع.

پشت به قبله نماز خواندن

اگر عمداً صورت و بدن خود را با هم یا به تنهایی از قبله بگرداند، به طوری که بتواند طرف راست و چپ خود را به آسانی ببیند، نمازش باطل است، و اگر سهواً هم این کار را بکند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است، ولی اگر اندکی صورت را به دو طرف بگرداند، نماز باطل نمی‌شود.

حرف زدن

اگر در نماز عمداً حرف بزند، حتی اگر یک کلمه باشد، نماز باطل است.

توجه:

- ❖ بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، اگر موجب خروج از هیأت نماز نشود اشکال ندارد مشروط به این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد.
- ❖ اگر شخصی به گروهی سلام کند و بگوید: «الْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ جَمِیعاً» و یکی از آنها مشغول نماز باشد، چنانچه کس دیگری جواب وی را بدهد نمازگزار نباید اقدام به جواب گفتن کند.
- ❖ جواب دادن تحیتی که به صیغه‌ی سلام نیست، در حال نماز جایز نیست، ولی اگر در حال نماز نباشد، اگر کلامی است که عرف آن را تحیت محسوب می‌کند احتیاط (واجب) جواب گفتن آن است.

✦ جواب سلام کودکان ممیز، اعم از پسر و دختر، مانند جواب سلام زنان و مردان واجب است.

خندیدن

خنده با صدا و عمدی (یعنی قهقهه) نماز را باطل می‌کند.

گریه کردن

گریه با صدا و عمدی برای امور دنیوی نماز را باطل می‌کند ولی اگر از ترس خداوند یا برای امور اخروی گریه کند، اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

✦ شکایات نماز

شکایات نماز ۲۳ قسم است:

الف) ۸ قسم شکهای باطل.

ب) ۶ قسم شکهایی که نباید به آن اعتنا کرد.

ج) ۹ قسم شکهای صحیح.

الف) شکهایی که نماز را باطل می‌کند:

۱. شک در رکعتهای نماز دو رکعتی، مانند نماز صبح و نماز مسافر.

۲. شک در رکعتهای نماز ۳ رکعتی (مغرب).

۳. شک در نماز چهار رکعتی هرگاه یک طرف شک، یک باشد، مثل این که شک کند یک رکعت خوانده یا سه رکعت.

۴. شک در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده‌ی دوم در حالی که یک طرف شک دو باشد، مانند شک دو و سه، قبل از اتمام دو سجده.

۵. شک بین دو و پنج یا بیشتر از پنج.

۶. شک بین سه و شش یا بیشتر از شش.

۷. شک بین چهار و شش یا بیشتر از شش.

۸. شک در عدد رکعتهای نماز که اصلاً نداند چند رکعت خوانده است.

ب) شکهایی که اعتبار ندارد:

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد

۱. شک بعد از محل، مثل این که بعد از داخل شدن در رکوع، شک در حمد و سوره کند.
۲. شک بعد از سلام.
۳. شک بعد از گذشتن وقت نماز.
۴. شک کثیر الشک یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.
۵. شک امام و مأموم.
۶. شک در نمازهای مستحبی.

توجه:

✦ اگر شخصی بعد از چند سال شک کند که نمازهایش صحیح بوده یا نه، به شک خود اعتنا نکند؛ (زیرا به شک بعد از عمل اعتنا نمی‌شود).

✦ کثیر الشک باید بنا بر انجام کاری بگذارد که در آن شک کرده است، مگر آن که موجب بطلان نماز شود که در این صورت بنا بر عدم انجام آن می‌گذارد، بدون این که در این مورد فرقی بین رکعتها و افعال و اقوال نماز باشد (مثلاً اگر شک کند سجده یا رکوع به جا آورده یا نه، بنا بگذارد که به جا آورده است، هر چند از محل آن نگذشته است، اما اگر شک کند نماز صبح را دو رکعت خوانده یا سه رکعت بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است).

✦ شک در اقوال و افعال نافله همان حکم شک در اقوال و افعال نماز فریضه را دارد یعنی اگر از محل آن تجاوز نکرده است به آن اعتنا می‌شود و اگر از محل انجام آن تجاوز کرده است به آن اعتنا نمی‌شود (مثلاً اگر شک در حمد یا رکوع کند، چنانچه از محل آن نگذشته است باید به جا آورد و اگر از محل آن نگذشته است اعتنا نکند).

ج) شک‌هایی صحیح

شک در عدد رکعت‌های نمازهای چهار رکعتی در ۹ صورت صحیح است:

۱. شک میان دو و سه بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم.
۲. شک میان دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم.
۳. شک میان دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم.
۴. شک میان چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم.
۵. شک میان سه و چهار در هر جای نماز.
۶. شک میان چهار و پنج در حال ایستاده.
۷. شک میان سه و پنج در حال ایستاده.
۸. شک میان سه و چهار و پنج در حال ایستاده.

۹. شک میان پنج و شش در حال ایستاده.

■ دو نکته در ارتباط با شکیات نماز

✦ تعداد رکعت‌های نماز احتیاط (که برای شک در رکعت‌های نماز به جا آورده می‌شود) به تعداد کمبود احتمالی در نماز است، بنابراین در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط، واجب است، و در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته واجب است.

✦ اگر کلمه‌یی از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی یا دعاهای قنوت، سهواً غلط خوانده شود سجده‌ی سهو واجب نیست.

◆ نماز قضا

۱. هر کس نماز واجب را در وقت آن ترک کند باید قضای آن را به جا آورد، هر چند در تمام وقت نماز خواب بوده یا به واسطه‌ی بیماری یا مستی، نماز را نخوانده باشد، اما کسی که در تمام وقت بی‌هوش بوده و بی‌هوشی به اختیار او نبوده، قضا بر او واجب نیست، همچنین کافری که مسلمان شده و زنی که در حال حیض یا نفاس بوده.

۲. هرگاه بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده باید آن را قضا کند، مثل شخصی که بر اثر جهل به حکم شرعی، غسل را به نحوی انجام داده که شرعاً باطل است، بر وی قضای نمازهایی که در این حالت با حدث اکبر خوانده واجب است.

۳. قضای نمازهایی واجب است که یقین به ترک یا باطل بودن آنها دارد، اما اگر شک یا گمان دارد بعضی از نمازهای گذشته را ترک کرده یا باطل خوانده واجب نیست که قضای آن را به جا آورد.

۴. در نماز قضا ترتیب واجب نیست جز در میان قضای ظهر و عصر و مغرب و عشا از یک روز، همچنین دوره کردن نماز به معنای تکرار نماز برای احراز ترتیب لزومی ندارد، بنابراین کسی که قصد دارد نماز قضای یک سال را بخواند می‌تواند آنها را به ترتیب زیر به جا آورد: ابتدا مثلاً بیست بار نماز صبح، بعد بیست بار هر یک از نماز ظهر و عصر و سپس بیست بار هر یک از نماز مغرب و عشا و تا یک سال به همین صورت ادامه دهد، همانطور که می‌تواند با یکی از نمازها شروع کند و به ترتیبی که نمازهای پنجگانه‌ی یومیه را می‌خواند آن را ادامه دهد.

۵. کسی که چند نماز او قضا شده و شماره‌ی آنها را نمی‌داند، مثلاً نمی‌داند دو نماز بوده یا سه نماز، کافی است مقدار کمتر را بخواند (یعنی همان مقداری که یقین به قضا شدن آن دارد).

۶. افرادی که در حال حاضر قادر به قضای همه نمازهای فوت شده نیستند واجب است به هر مقدار که قدرت دارند، قضا و هر مقداری که قادر نیستند وصیت نمایند.

◆ نماز قضای پدر و مادر

۱. بر پسر بزرگتر واجب است که نمازهایی که از پدر و مادرش فوت شده و از روی طغیان و نافرمانی نبوده، بعد از

مرگ آنها به جا آورد، بلکه اگر از روی طغیان و نافرمانی هم ترک کرده باشد بنا بر احتیاط مستحب باید به همین طور عمل کند.

۲. اگر پدر یا مادری اصلاً نماز نخوانده باشد بنا بر احتیاط واجب در این صورت هم قضای نمازها بر پسر بزرگتر واجب است.

✦ نماز مسافر

✦ وجوب قصر در سفر

در سفر باید نماز چهار رکعتی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصر (دو رکعت) خواند.
توجه:

✦ وجوب قصر فقط در خصوص نمازهای روزانه‌ی چهار رکعتی است که عبارت از نمازهای ظهر و عصر و عشا است، و نماز صبح و مغرب قصر نمی‌شود.

✦ شرایط نماز مسافر

مسافر با هشت شرط باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت به جا آورد:

شرط اول: سفر او به مقدار مسافت شرعی باشد یعنی رفتن یا برگشتن و یا رفت و برگشت او روی هم هشت فرسخ باشد مشروط به این که رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد. (مسافت شرعی حدود ۴۱ کیلومتر است هر چند به صورت رفت و برگشت باشد؛ در این صورت نباید رفت آن از ۲۰.۵ کیلومتر کمتر باشد.)

شرط دوم: از اول مسافرت قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد، بنابراین اگر از ابتدا قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته و یا قصد پیمودن کمتر از آن را داشته باشد و بعد از رسیدن به مقصد تصمیم بگیرد به جایی برود که فاصله‌ی آن با مکان اول کمتر از مسافت شرعی است، ولی از منزل تا آنجا به اندازه‌ی مسافت شرعی است، باید نمازش را تمام بخواند.

شرط سوم: در بین راه از قصد خود مبنی بر پیمودن مسافت شرعی برنگردد، بنا بر این اگر در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، حکم سفر بعد از آن بر او جاری نمی‌شود، هر چند نمازهایی که قبل از عدول از قصد خود به صورت شکسته خوانده، صحیح است.

شرط چهارم: قصد قطع سفر در اثای پیمودن مسافت شرعی با عبور از وطن خود یا جایی که می‌خواهد ده روز یا بیشتر در آن جا بماند نداشته باشد.

شرط پنجم: سفر از نظر شرعی برای او جایز باشد، بنابراین اگر سفر او معصیت و حرام باشد، اعم از این که خود سفر حرام باشد، مثل فرار از جنگ یا هدف از سفر، کار حرامی باشد، مثل سفر برای راهزنی، حکم سفر را ندارد و نماز تمام است.

شرط ششم: مسافر از کسانی که خانه به دوش هستند، نباشد، مانند بعضی از صحرائشینان که محل زندگی ثابتی ندارند، بلکه در بیابانها گردش می‌کنند و هر جا آب و علف و چراگاه پیدا کنند، می‌مانند.

شرط هفتم: مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد، مانند باربر، راننده و ملوان و غیره، و کسی که شغل او در سفر است، ملحق به اینها است.

شرط هشتم: به حد ترخص برسد و منظور از حد ترخص، مکانی است که در آنجا اذان شهر شنیده نمی‌شود و دیوارهای شهر هم دیده نمی‌شود. هر چند بعید نیست که شنیده نشدن اذان برای تعیین حد ترخص کافی باشد.

✦ مسافت شرعی (هشت فرسخ)

۱. کسی که رفتن او کمتر از چهار فرسخ باشد، و مسیر بازگشتش هم به مقدار مسافت شرعی نباشد نمازش تمام است، بنابراین مأمورین غیر محلی اگر فاصله‌ی بین وطن و محل کار آنها به مقدار مسافت شرعی ولو تلفیقاً نباشد احکام مسافر را ندارند.

۲. برای حساب مسافت ۸ فرسخ باید از آخر شهر حساب کرد، و تعیین آخر شهر موقوف به نظر عرف است؛ اگر در نظر عرف، کارخانه‌ها و شهرکهای پراکنده‌ی اطراف شهر جزو شهر نباشد، مسافت را باید از آخر خانه‌های شهر حساب نمود.

✦ سفر معصیت

۱. کسی که بدون قصد معصیت، مسافرت کند ولی در بین راه برای ادامه و تکمیل سفر، قصد ارتکاب معصیت نماید واجب است از زمانی که قصد استمرار سفر به خاطر معصیت کرده نمازش را تمام بخواند و نمازهایی را که پس از تصمیم به ادامه‌ی سفر به قصد ارتکاب گناه، شکسته خوانده باید اعاده کند و تمام بخواند.

✦ سفر شغلی

۱. کسی که سفر، شغل اوست (یعنی قوام شغل و کار او به سفر است)، مانند راننده، خلبان، کشتیبان، ساریان، چوپان و مانند آنها در سفر سوم باید نماز را تمام بخواند ولی در سفر اول و دوم نمازش شکسته است.

توجه:

✦ کسی که شغلش، سفر نیست ولی سفر، مقدمه‌ی شغل او است، مانند معلم و کارگر و کارمند و سربازی که خودش ساکن شهری است و به مدت دو سه ماه هر ده روز حداقل یک‌بار برای کار به محل کارش سفر می‌کند، حکم کسی را دارد که سفر، شغل اوست.

✦ دانشجویی، شغل و کار محسوب نمی‌شود، از این رو دانشجویانی که برای تحصیل علم به طور هفتگی یا روزانه سفر

می‌کنند نمازشان مبتنی بر احتیاط است. بلی اگر مأمور به تحصیل باشند، مثل معلمان شاغلی که در کنار تدریس، مأمور به تحصیل هستند، نمازشان تمام خواهد بود.

❖ چیزهایی که سفر را قطع می‌کند

قواطع سفر:

۱. رسیدن به وطن.
۲. قصد اقامت ده روز.
۳. توقف یک‌ماه بدون قصد.

❖ وطن

۱. اقسام وطن: وطن از یک نظر بر دو قسم است:
 - الف) وطن اصلی: جایی که انسان در آن متولد شده و مدتی در آن بوده و رشد و نمو پیدا کرده است.
 - ب) وطن اتخاذی (وطن جدید، وطن دوم): جایی که مکلف آن را برای سکونت و زندگی لا اقل هفت یا هشت سال، برگزیده است.

❖ مشروعیت و اهمیت نماز جماعت

۱. نماز جماعت از مهمترین مستحبات و از بزرگترین شعائر اسلامی است و دست کم با دو نفر (یک امام و یک مأموم) منعقد می‌شود.
۲. اگر امام جماعت بدون قصد امامت، مشغول نماز شود، نماز وی و اقتدای دیگران به او اشکال ندارد، و به عبارت دیگر در تحقق جماعت، فقط کافی است که مأموم نیت اقتدا داشته باشد و نیت امامت برای امام، معتبر نیست، هر چند درک فضیلت نماز جماعت برای امام در صورتی است که قصد امامت و جماعت کند.
۳. رضایت امام جماعت شرط صحت اقتدا نیست، بنابراین اقتدا کردن به کسی که راضی به این کار نیست اشکال ندارد.
۴. در نمازهای یومیه هر نمازی را می‌توان با هر نماز اقتدا کرد، مثلاً کسی که قصد خواندن نماز عشا دارد می‌تواند به کسی که نماز مغرب می‌خواند اقتدا کند.

توجه:

❖ افرادی که هنگام برپایی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فرادی می‌کنند، اگر این عمل تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی‌احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند محسوب شود جایز نیست.

◆ شرایط نماز جماعت

- الف) نبودن حایل. (پرده بین مردان و زنان اشکالی وارد نمی کند)
- ب) بلندتر نبودن جای ایستادن امام از مأوم.
- ج) نبودن فاصله میان امام و مأوم.
- اگر مأوم در آخر یکی از دو طرف صف اول نماز ایستاده باشد، چنانچه مأومینی که بین او و امام ایستاده‌اند بعد از این که امام جماعت شروع به نماز کرد به طور کامل آماده‌ی اقتدا کردن باشند می‌تواند به نیت جماعت وارد نماز شود.
- د) جلوتر نایستادن مأوم از امام.

◆ احکام نماز جماعت

- ۱. قرائت حمد و سوره برای مأوم در نمازهای ظهر و عصر جایز نیست، حتی اگر برای تمرکز ذهن باشد.
- ۲. اگر امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم نماز عشا باشد و مأوم در رکعت دوم، بر مأوم واجب است که حمد و سوره را آهسته بخواند.
- ۳. اقتدا به اهل سنت برای رعایت وحدت اسلامی جایز است و اگر حفظ وحدت، مقتضی انجام کارهایی باشد که آنها انجام می‌دهند نماز صحیح و مجزی است، حتی اگر سجده بر فرش و مانند آن باشد، ولی تکتف (دست بسته نماز خواندن) در نماز جایز نیست، مگر این که ضرورت آن را اقتضا کند.

◆ شرایط امام جماعت

- الف) بالغ بودن
 - ب) عاقل بودن
 - ج) عادل بودن.
 - د) حلال زاده بودن.
 - هـ) شیعه‌ی دوازده امامی بودن.
 - و) نماز را صحیح خواندن.
 - ز) مرد بودن (البته در صورتی که مأوم مرد باشد).
- در مورد معنای «عدالت» و «عادل» به «شرایط مرجع تقلید» رجوع کنید.

الف) عادل بودن

۱. اگر امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم دینی نباشد، در صورتی که مخالف شرع نباشد، ضرری به عدالت نمی‌زند.
۲. صرف ترک امر به معروف و نهی از منکر که ممکن است بر اثر عذر مقبولی نزد مکلف باشد، به عدالت وی ضرر نمی‌زند و مانع اقتدا به او نیست.
۳. شخصی که اعتقاد به عدالت امام جماعتی دارد و در عین حال معتقد است وی در مواردی به او ظلم کرده است تا برایش احراز نشود که عمل آن امام جماعت که او آن را ظلم می‌شمارد با علم و اختیار و بدون مجوز شرعی بوده مجاز نیست که حکم به فسق او نماید.

توجه:

✦ در اقتدا به امام جماعت، شناخت واقعی او شرط نیست بلکه همین که عدالت امام نزد مأموم به هر طریقی ثابت باشد، اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است.

و) نماز را صحیح خواندن

۱. اگر قرائت مکلف صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد، نماز او صحیح است، ولی دیگران نمی‌توانند به وی اقتدا کنند.
۲. اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم، صحیح نباشد و در نتیجه نماز او را صحیح نداند، نمی‌تواند به او اقتدا کند و در صورت اقتدا، نماز او صحیح نیست و اعاده‌ی آن واجب است.

ز) مرد بودن

امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است.

✦ نماز جمعه

الف) حکم نماز جمعه

۱. نماز جمعه که در روزهای جمعه به جای نماز ظهر خوانده می‌شود در عصر حاضر (زمان غیبت امام(عج)) واجب تخییری است، ولی در این زمان که حکومت عدل اسلامی در ایران برپا است احتیاط مستحب آن است که حتی المقدور نماز جمعه ترک نشود.

✦ کسی که در نماز جمعه شرکت نکرده است می‌تواند نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند و واجب نیست صبر کند تا نماز جمعه تمام شود.

❖ (ب) شرایط نماز جمعه

۱. به جماعت خواندن.
۲. حداقل پنج نفر بودن، یک نفر امام و چهار نفر مأموم.
۳. رعایت تمام شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، مثل اتصال صفوف.
۴. بین دو نماز جمعه، حداقل یک فرسخ فاصله بودن.

❖ (د) کیفیت نماز جمعه

۱. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می‌شود.
۲. مستحب است قرائت نماز جمعه بلند، و در رکعت اول سوره‌ی جمعه و در رکعت دوم، سوره‌ی منافقون خوانده شود، و همچنین مستحب است خواندن دو قنوت یکی در رکعت اول پیش از رکوع و دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.

توجه:

❖ هرگاه کسی به خطبه‌های نماز جمعه نرسد و در نماز شرکت کند نماز او صحیح است حتی اگر امام را در رکوع رکعت آخر نماز جمعه درک نماید.

❖ نماز آیات

❖ (الف) اسباب شرعی و جوب نماز آیات

نماز آیات در چهار صورت واجب می‌شود:

۱. کسوف خورشید، اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.
۲. خسوف ماه، اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود.
۳. زلزله.
۴. هر حادثه‌ی غیر عادی که باعث ترس بیشتر مردم شود، مانند بادهای سیاه و یا زرد که غیر عادی باشند، تاریکی شدید، فرو رفتن زمین و ریختن کوه، صیحه‌ی آسمانی و آتشی که گاهی در آسمان ظاهر می‌شود.

❖ اگر مرکز زلزله نگاری، وقوع لرزشهای خفیف زمین را با ذکر تعداد آن در منطقه‌ی اعلام نماید، ولی فردی که در آنجا زندگی می‌کند هنگام وقوع زلزله و یا در زمان متصل به آن اصلاً آنها را احساس نکند، نماز آیات بر او واجب نیست.

❖ هر زلزله‌ی چه شدید و چه خفیف - حتی پس لرزه - اگر زلزله‌ی مستقلی محسوب شود، نماز آیات جداگانه‌ی دارد.

❖ (ب) کیفیت نماز آیات

نماز آیات دو رکعت است که هر رکعت آن پنج رکوع و دو سجده دارد و به چند صورت می‌توان آن را به جا آورد:

۱. صورت اول: بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و سوره خوانده شود و به رکوع برود، سپس سر از رکوع برداشته و دوباره حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود و باز سر از رکوع بردارد و حمد و سوره بخواند و به رکوع رود و سپس سر از رکوع بردارد و همین طور ادامه دهد تا یک رکعت پنج رکوعی که قبل از هر رکوعی حمد و سوره خوانده است انجام دهد، سپس به سجده رفته و دو سجده نماید و بعد برای رکعت دوم قیام کند و مانند رکعت اول انجام دهد و دو سجده را به جا آورد و بعد از آن تشهد بخواند و سلام دهد.

۲. صورت دوم: بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و یک آیه یا کمتر از آن از سوره‌ی را قرائت کرده و رکوع کند، سپس سر از رکوع بردارد و آیه‌ی دیگری از آن سوره را بخواند و به رکوع رود، و بعد سر از رکوع برداشته و آیه‌ی دیگری از همان سوره را قرائت نماید و همین طور تا رکوع پنجم ادامه دهد تا سوره‌ی که پیش از هر رکوع، یک آیه از آن را قرائت کرده، قبل از رکوع آخر تمام شود، سپس رکوع پنجم را به جا آورد و به سجده رود و پس از اتمام دو سجده، برای رکعت دوم قیام نماید و حمد و آیه‌ی از یک سوره را بخواند و به رکوع برود و همین طور مانند رکعت اول ادامه دهد تا تشهد بخواند و سلام دهد و چنانچه بخواهد برای هر رکوعی به یک آیه از سوره‌ی اکتفا کند، نباید سوره‌ی حمد را بیش از یک مرتبه در اول آن رکعت بخواند.

توجه:

❖ بنابر احتیاط واجب «بسم الله الرحمن الرحيم» را نمی‌توان یک قسمت از سوره به حساب آورد و با آن رکوع کرد.

❖ نماز عید فطر و قربان

۱. نماز عید فطر و قربان در عصر حاضر (که زمان غیبت کبری است) واجب نیست، بلکه مستحب است.

۲. نماز عید فطر و قربان دو رکعت است، در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود، بعد دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده به جا آورد و تشهد بخواند و سلام گوید.

۳. کوتاه یا طولانی خواندن قنوت‌های نماز عید اشکالی ندارد و موجب بطلان نماز نمی‌شود، ولی کم یا زیاد کردن تعداد آنها جایز نیست

احکام روزه

۱. معنای روزه

«روزه» در شرع مقدس اسلام آن است که انسان در تمام روز (از طلوع فجر تا غروب آفتاب) با قصد اطاعت از فرمان خداوند از خوردن و آشامیدن و چیزهای دیگری که به تفصیل گفته خواهد شد خودداری کند.

توجه:

✦ هرگاه برای روزه‌دار اطمینان حاصل شود که اذان از هنگام داخل شدن وقت شروع شده جایز است به صرف شروع اذان، افطار نماید و صبر کردن تا پایان اذان لازم نیست.

۲. انواع روزه

روزه از یک نظر بر چهار نوع است:

۱. روزه واجب، مثل روزهی ماه مبارک رمضان.

۲. روزهی مستحب، مثل روزهی ماه رجب و شعبان.

۳. روزهی مکروه، مثل روزهی روز عاشورا.

۴. روزهی حرام مثل روزهی عید فطر (اول ماه شوال) و قربان (دهم ماه ذی‌الحجه).

توجه:

✦ کسی که می‌داند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست بلکه حرام است، خواه این یقین و خوف از تجربه‌ی شخصی حاصل شده باشد یا از گفته‌ی پزشک امین یا از منشأ عقلایی دیگر.

✦ ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن، تشخیص خود روزه‌دار نسبت به خودش است، بنابراین اگر پزشک بگوید روزه ضرر دارد، اما او با تجربه دریافته است که ضرر ندارد باید روزه بگیرد، همچنین اگر پزشک بگوید روزه ضرر ندارد ولی او بداند روزه برایش ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد نباید روزه بگیرد.

✦ هرگاه عقیده‌اش این بود که روزه برای او ضرر ندارد و روزه گرفت و بعد فهمید روزه برای او ضرر داشته باید قضای آن را به جا آورد.

✦ پزشکانی که بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می‌کنند گفته‌ی ایشان در صورتی معتبر است که اطمینان آور باشد یا باعث خوف ضرر شود و در غیر این صورت اعتباری ندارد.

۳. روزه‌های واجب

۱. روزه‌ی ماه مبارک رمضان.
۲. روزه‌ی قضا.
۳. روزه‌ی کفاره.
۴. روزه‌ی قضای پدر و مادر.
۵. روزه‌ی مستحبی که به واسطه‌ی نذر و عهد و قسم واجب شده است.
۶. روزه‌ی روز سوم از ایام اعتکاف.
۷. روزه‌ی بدل از قربانی در حج تمتع

۴. شرایط و جوب روزه

بلوغ

عقل

قدرت

بی هوش نبودن

مسافر نبودن

حایض و نفسا نبودن

ضرری نبودن روزه

حرجی نبودن روزه

توجه:

☞ روزه بر افرادی واجب است که واجد شرایط فوق باشند، بنابراین روزه بر کودک نابالغ، دیوانه، بیهوش، فردی که توانایی گرفتن روزه ندارد، مسافر، زن حایض و نفسا، کسی که روزه برای او ضرر یا حرج (مشقت زیاد) دارد واجب نیست. (توضیح بیشتر در درسهای بعدی خواهد آمد).

☞ انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف روزه را بخورد، ولی اگر به قدری ضعف پیدا کند که تحمل آن بسیار مشکل شود می‌تواند روزه را بخورد، و همچنین اگر برای او ضرر یا خوف ضرر داشته باشد، بنابراین دخترانی که به سن بلوغ - که بنا به نظر مشهور همان تکمیل نه سال قمری است - می‌رسند واجب است روزه بگیرند و ترک آن به صرف دشواری، ضعف جسمانی و مانند آن جایز نیست. بلی اگر برای آنها ضرر داشته و تحمل آن برای ایشان همراه مشقت زیاد باشد می‌تواند افطار کنند.

۵. شرایط صحت روزه

۱. اسلام
۲. ایمان
۳. عقل
۴. بی هوش نبودن
۵. مسافر نبودن
۶. حیض و نفسا نبودن
۷. ضرری نبودن
۸. داشتن نیت
۹. ترک مفطرات
۱۰. روزه‌ی قضا نداشتن (البته این شرط برای کسی است که می‌خواهد روزه‌ی مستحبی بگیرد).

۶. نیت روزه

الف) معنی و لزوم نیت

روزه مانند همه‌ی عبادت‌های دیگر باید با نیت همراه باشد، بدین معنی که خودداری انسان از خوردن و آشامیدن و سایر چیزهای باطل‌کننده‌ی روزه، به خاطر دستور خداوند باشد و همین که چنین عزمی در او باشد کافی است و لازم نیست آن را بر زبان بیاورد.

ب) زمان نیت

روزه‌های مستحبی: از اول شب تا موقعی که به اندازه‌ی نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد.

روزه‌های واجب:

۱. واجب معین، مثل روزه‌ی ماه رمضان

الف) تا قبل از طلوع فجر: صحیح است.

ب) تا قبل از زوال:

از روی عمد: صحیح نیست.

از روی فراموشی یا بی‌اطلاعی: بنا بر احتیاط واجب نیت روزه کند و روزه بگیرد و بعداً نیز روزه‌ی آن روز را قضا

نماید.

ج) بعد از زوال: کافی نیست.

۲. واجب غیر معین، مثل روزه‌ی قضای ماه رمضان

الف) تا قبل از زوال: صحیح است.

ب) بعد از زوال: صحیح نیست.

۱. از آن جا که شروع روزه از اول فجر است، نیت آن هم باید از آن لحظه به تأخیر نیفتد، و بهتر آن است پیش از فرا رسیدن فجر، نیت روزه کند.
۲. اگر اول شب نیت کرد که فردا روز بگیرد و پس از آن به خواب رفت و تا بعد از اذان صبح بیدار نشد یا سرگرم کاری بود و از فرا رسیدن صبح غافل بود، و پس از آن توجه یافت، روزه‌ی او صحیح است.

ج) نیت در یوم‌الشک

روزی که انسان شک دارد که آخر شعبان است یا اول ماه رمضان (یوم‌الشک) واجب نیست روزه بگیرد، و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی‌تواند نیت روزه‌ی رمضان کند، بلکه می‌تواند قصد روزه‌ی مستحبی آخر شعبان یا روزه‌ی قضا و مانند آن کند و اگر بعداً معلوم شود که رمضان بوده از رمضان حساب می‌شود و قضای آن روز لازم نیست، و اگر در اثنای روز بفهمد که ماه رمضان است باید از همان لحظه نیت روزه‌ی رمضان کند.

۷. مفطرات روزه

۱. خوردن و آشامیدن.
۲. جماع (آمیزش جنسی).
۳. استمناء (خودارضایی جنسی).
۴. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (ع) (بنابر احتیاط واجب).
۵. رساندن غبار غلیظ به حلق (بنابر احتیاط واجب).
۶. فرو بردن تمام سر در آب (بنابر احتیاط واجب).
۷. باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح.
۸. اماله (تنقیه) کردن با مایعات.
۹. قی کردن عمدی.

خوردن و آشامیدن

۱. اگر روزه‌دار عمداً و آگاهانه چیزی بخورد یا بیاشامد روزه‌ی او باطل می‌شود، خواه آن چیز از خوراکیها و آشامیدنیهای معمول باشد و خواه از چیزهای غیر خوراکی مانند کاغذ یا پارچه و امثال آن، و خواه زیاد باشد یا کم، مانند قطره‌های بسیار کوچک آب یا خرده‌ی کوچکی از نان.
۲. اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود، اما اگر علم به وجود

باقیمانده‌ی غذا در لای دندانها و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته و یا فرو رفتن آن عمدی و با التفات نبوده روزه باطل نمی‌شود.

۳. خوردن و آشامیدن از روی سهو و فراموشی روزه را باطل نمی‌کند و تفاوتی هم بین اقسام روزه از واجب و مستحب نیست.

۴. فرو بردن آب دهان روزه را باطل نمی‌کند.

۵. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپولهای مقوی یا مغذی، یا آمپولهایی که به رگ تزریق می‌شود و نیز انواع سرم‌ها خودداری کند، ولی تزریق آمپول در عضله یا برای بی حس کردن و نیز دارو گذاشتن در زخمها و جراحتهای اشکال ندارد.

۶. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از مواد مخدری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می‌شود خودداری کند.

۷. اگر موقعی که مشغول خوردن غذا است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون بیاورد، و اگر عمداً آن را فرو ببرد روزه‌اش باطل است. (وظیفه‌ی کسی که عمداً روزه را باطل کرده است بعداً گفته خواهد شد).

۸. فرو بردن اخلاط سر و سینه تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی‌کند، اما اگر داخل فضای دهان شود احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.

۹. هرگاه خوردن قرص در حال روزه برای درمان فشار خون ضروری باشد اشکال ندارد، ولی با خوردن آن، روزه باطل می‌شود. (بر استفاده از قرص جهت درمان، عنوان خوردن صدق می‌کند).

۱۰. خونی که از لته بیرون می‌آید تا آن را فرو نبرده است روزه باطل نمی‌شود و چنانچه در آب دهان مستهلک شود (و از بین برود) محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نخواهد بود، و همچنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر نخواهد زد.

توجه:

❖ به صرف بیرون آمدن خون از دهان، روزه باطل نمی‌شود، ولی واجب است از رسیدن آن به حلق جلوگیری کند.

استمنا (خودارضایی جنسی)

۱. اگر روزه‌دار عمداً کاری کند که منی از او بیرون بیاید روزه‌اش باطل می‌شود.

۲. محتلم شدن در روز (خروج منی در حال خواب) روزه را باطل نمی‌کند، و هرگاه روزه‌دار بداند که اگر در روز بخوابد محتلم می‌شود، لازم نیست از خواب خود جلوگیری کند.

۳. اگر روزه‌دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود واجب نیست از آن جلوگیری کند.

دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین

۱. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (ع) بنابر احتیاط (واجب) موجب باطل شدن روزه می‌شود، هر چند بعداً توبه کند و بگوید که دروغ بسته است.
۲. نقل روایاتی که در کتب آمده است و انسان نمی‌داند که دروغ باشد، اشکال ندارد، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که آنها را با نسبت به آن کتاب نقل کند (مثلاً بگوید: در فلان کتاب چنان نوشته شده است که پیامبر (ص) فرمود...).

رساندن غبار غلیظ به حلق

۱. روزه‌دار بنابر احتیاط واجب باید غبار غلیظ را، مانند غباری که از جارو کردن زمین خاکی بر می‌خیزد فرو ندهد، ولی صرف داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون این که به حلق برسد روزه را باطل نمی‌کند، همچنین دود سیگار و دیگر دخانیات بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.
۲. هرگاه روزه‌دار مبتلا به تنگی نفس شدید، ماده‌بی را به کار ببرد که از هوای فشرده همراه با دارویی هر چند به صورت گاز یا پودر تشکیل شده و وارد حلق می‌شود، روزه اشکال ندارد.

فرو بردن سر در آب

۱. اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو ببرد، بنابر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است و باید روزه‌ی آن روز را قضا کند.
۲. در حکم مسأله‌ی قبل فرقی نیست میان این که در هنگام فرو بردن سر در آب، بدن او نیز در آب باشد یا این که بدن او در بیرون باشد و فقط سر را در آب فرو ببرد.
۳. اگر نصف سر را در آب فرو ببرد و سپس بیرون بیاورد و نصف دیگر سر را در آب فرو کند روزه‌اش باطل نمی‌شود.
۴. اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند روزه باطل می‌شود.
۵. اگر شک کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه، روزه‌اش صحیح است.
۶. اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد روزه‌اش باطل نمی‌شود، ولی باید فوراً سر را از زیر آب خارج کند، همچنین اگر فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو ببرد روزه‌ی او باطل نمی‌شود، ولی هرگاه یادش آمد باید فوراً سر را بیرون بیاورد.
۷. کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون این که بدنش خیس شود در آب فرو رود، اگر لباس به سر او چسبیده باشد، صحت روزه‌اش محل اشکال است و بنابر احتیاط واجب قضای آن لازم است.
۸. آب ریختن روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحت روزه ضرر نمی‌رساند.

باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

۱. کسی که در شب ماه رمضان دچار جنابت است باید تا پیش از اذان صبح غسل کند و اگر عمداً تا آن هنگام غسل نکند روزه‌اش باطل است. این حکم در مورد روزهی قضای ماه رمضان نیز جاری است.

توجه:

✦ اگر در شب ماه رمضان جنب شود و بدون تعمد تا اذان صبح غسل نکند، مثل این که در خواب جنب شود و خواب او تا بعد از اذان صبح ادامه یابد روزه‌اش صحیح است.

✦ باطل شدن روزه به خاطر بقای بر جنابت، مخصوص روزهی ماه رمضان و قضای آن است و در روزه‌های دیگر به خصوص روزهی مستحبی موجب بطلان نمی‌شود.

۲. اگر جنب در روزهی ماه رمضان غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و با حالت جنابت صبح نماید روزه‌اش باطل است و احتیاط (واجب) این است که قضای روزهی ماه رمضان هم در این حکم به آن ملحق شود، ولی در سایر روزه‌ها، روزه بر اثر آن باطل نمی‌شود.

۳. اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحت روزه است، روزه‌هایی که در این چند روز گرفته باطل است و باید آنها را قضا نماید.

۴. اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند و بعد از چند روز متوجه شود که آن آب نجس بوده است، روزه‌های او محکوم به صحت است.

۵. کسی که در شب ماه رمضان وظیفه دارد غسل کند، اگر به دلیل تنگی وقت یا مضر بودن آب و امثال آن نتواند غسل کند، باید تیمم بدل از غسل به جا آورد.

توجه:

✦ کسی که وظیفه‌ی او تیمم است جایز است عمداً خود را در شبهای ماه مبارک رمضان جنب کند به شرط این که بعد از جنب شدن، وقت کافی برای تیمم داشته باشد.

✦ هرگاه کسی قبل از اذان صبح، غسل جنابت و یا تیمم بدل از آن را انجام دهد روزهی او صحیح است، هر چند بعد از اذان صبح بدون اختیار از او منی خارج شود.

۶. اگر در حال روزه در خواب جنب شود روزه باطل نمی‌شود، بنابراین اگر قبل از اذان صبح یا بعد از آن بخوابد و در خواب جنب شده و بعد از اذان بیدار شود، جنابت به روزهی آن روز او ضرر نمی‌زند. بلی واجب است که برای نماز غسل کند و می‌تواند غسل را تا وقت نماز به تأخیر بیندازد.

توجه:

✦ اگر روزه‌دار در روز ماه رمضان و سایر ایام که روزه است در حال خواب جنب شده، پس از بیدار شدن واجب نیست

فوراً غسل کند.

۷. کسی که در بیداری جنب شده یا پس از جنب شدن در حال خواب، بیدار شده و می‌داند که اگر به خواب رود، تا پیش از اذان صبح برای غسل بیدار نخواهد شد، جایز نیست قبل از غسل کردن بخوابد، و اگر خوابید و پیش از اذان، غسل نکرد روزه‌اش باطل است، ولی اگر احتمال می‌دهد که پیش از اذان صبح برای غسل بیدار خواهد شد و تصمیم بر غسل داشته باشد ولی بیدار نشود روزه‌اش صحیح است، ولی اگر دوباره خوابید و تا صبح بیدار نشد باید قضای آن روز را به جا آورد.

توجه:

✦ هرگاه در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتمل شده یا نه، ولی به شک خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتمل شده است، چنانچه بعد از بیداری اول، اثری از احتلام در خود مشاهده نکند بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چیزی بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد روزه‌اش صحیح است، هر چند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است، همچنین اگر قبل از اذان صبح متوجه احتلام خود نشود و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از اذان صبح محتمل شده است روزه‌اش صحیح است.

اماله کردن با مایعات

۱. اماله کردن با چیز روان، اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه را باطل می‌کند.
۲. داروهای مخصوصی برای معالجه‌ی بعضی از بیماریهای زنان وجود دارد (شیافهای روغنی) که در داخل بدن گذاشته می‌شود، استفاده از این داروها به روزه ضرر نمی‌رساند.

قی کردن عمدی

۱. هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند اگر چه به واسطه‌ی بیماری و مانند آن ناچار به این کار باشد، روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا بی‌اختیار قی کند اشکال ندارد.
۲. اگر در هنگام آروغ زدن، چیزی در دهانش بیاید باید آن را بیرون بریزد و اگر بی‌اختیار فرو رود روزه‌اش صحیح است.

چند نکته در ارتباط با مفطرات روزه

هرگاه روزه‌دار عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد روزه‌ی او باطل می‌شود و چنانچه از روی عمد نباشد، مثل این که پایش بلغزد و در آب فرو رود، یا از روی فراموشی غذا بخورد، یا به زور چیزی در گلوئی او بریزند روزه‌اش، باطل نمی‌شود و تفاوتی هم بین اقسام روزه از واجب، مستحب، ماه رمضان و غیره نیست.

۸. کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان

۱. وجوب کفاره و موارد آن

الف) هرگاه در ماه مبارک رمضان کارهایی که روزه را باطل می‌کند را از روی عمد و اختیار و بدون عذر شرعی انجام دهد، علاوه بر این که روزه‌ی او باطل می‌شود و قضا دارد کفاره نیز بر او واجب است اعم از این که هنگام انجام مفطر، عالم به وجوب کفاره باشد یا نه.

۸. کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان

۱. وجوب کفاره و موارد آن

الف) هرگاه در ماه مبارک رمضان کارهایی که روزه را باطل می‌کند را از روی عمد و اختیار و بدون عذر شرعی انجام دهد، علاوه بر این که روزه‌ی او باطل می‌شود و قضا دارد کفاره نیز بر او واجب است اعم از این که هنگام انجام مفطر، عالم به وجوب کفاره باشد یا نه.

❑ اگر به سبب بی‌اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می‌کند، مثل این که نمی‌داند سرزیر آب کردن روزه را باطل می‌کند و سرزیر آب کرد، روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند، ولی کفاره بر او واجب نیست.

❑ اگر روزه‌دار به گفته‌ی کسی که می‌گوید مغرب شده و اعتماد به گفته‌ی او نیست، افطار کند و سپس بفهمد که مغرب نبوده، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

۲. مقدار کفاره و کیفیت آن

الف) کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان در شرع اسلام یکی از سه چیز است:

۱. آزاد کردن یک برده.

۲. دو ماه (شصت روز) روزه گرفتن.

۳. شصت فقیر را غذا دادن.

۹. کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان

۱. وجوب کفاره و موارد آن

کسی که قضای روزه‌ی ماه رمضان را گرفته جایز نیست بعد از ظهر روزه را باطل کند و اگر عمداً چنین کاری را انجام دهد باید کفاره بپردازد.

توجه:

❖ کسی که روزه‌ی قضای ماه رمضان را به جا می‌آورد می‌تواند پیش از ظهر روزه را افطار کند، به شرط این که وقت برای قضای روزه تنگ نباشد، اما اگر وقت، تنگ باشد مثلاً پنج روز قضا به ذمه دارد و پنج روز هم بیشتر به ماه رمضان باقی نمانده افطار پیش از ظهر (همچون افطار بعد از ظهر) برای او به احتیاط (واجب) جایز نیست، هر چند اگر افطار کند کفاره ندارد.

۱۰. کفاره‌ی تأخیر

۱. وجوب کفاره و مورد آن

کسی که روزه‌ی ماه رمضان را به واسطه‌ی عذری نگیرد و تا رمضان آینده هم به خاطر سهل‌انگاری و بدون عذر قضای آن را به جا نیاورد باید بعداً روزه را قضا کند و برای هر روز کفاره‌ی تأخیر بدهد، اما اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را به علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است، مانند مسافرت تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر اندازد قضای روزه‌هایی که از او فوت شده کافی است و واجب نیست کفاره بدهد، هر چند احتیاط (مستحب) در جمع بین قضا و کفاره است. ناگفته نماند در خصوص بیماری، توضیحی وجود دارد که خواهد آمد.

توجه:

❖ کفاره‌ی تأخیر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمی‌شود، بنابراین اگر شخصی به خاطر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده قضای روزه‌هایش را به تأخیر اندازد باید برای هر روز کفاره‌ی تأخیر بدهد.

❖ کفاره‌ی تأخیر قضای روزه‌ی ماه رمضان - هر چند به مدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد - یک بار واجب است و با گذشت سالها متعدد نمی‌شود، بنابراین اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را چند سال به تأخیر اندازد باید قضا را به جا آورد و برای هر روز یک کفاره‌ی تأخیر بدهد.

۲. مقدار کفاره

کفاره‌ی تأخیر عبارت است از یک مد طعام که بایستی به فقیر داده شود.

۱۱. موارد فدیة

۱. موارد فدیة

۱. مرد و زن پیر که روزه گرفتن برای آنها مشقت دارد.

۲. کسی که مبتلا به بیماری استسقا است یعنی زیاد تشنه می‌شود و روزه برای او مشقت دارد.

۳. زن باردار که وضع حمل او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد.

۴. زن شیرده که شیر او کم است و روزه برای بچه‌ی که شیر می‌دهد ضرر دارد.

۵. فرد بیمار که روزه برای او ضرر دارد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کند.

۱. زن بارداری که خوف از ضرر روزه بر جنین خود دارد و خوف وی هم دارای منشأ عقلایی باشد، باید روزه‌اش را افطار کند و برای هر روزی فدیة بدهد و قضای روزه را هم بعداً به جا آورد.

۲. زن شیردهی که به دلیل کم یا خشک شدن شیرش بر اثر روزه، خوف ضرر بر طفل خود دارد باید روزه‌اش را افطار کند و برای هر روزی فدیة بدهد و قضای روزه را هم بعداً به جا آورد.

۳. بیماری که به واسطه‌ی بیماری، روزه‌ی ماه رمضان را نگرفته و بیماریش تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کرده است، قضای روزه‌هایی را که نگرفته واجب نیست، فقط باید برای هر روزی فدیة بپردازد.

توجه:

❖ زنی که به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و به جهت ادامه‌ی بیماری قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست فدیة بر خود او واجب است و چیزی بر عهده‌ی شوهرش نیست.

❖ زنی که در دو سال متوالی به دلیل عذر شرعی، روزه‌ی ماه رمضان را نگرفته، اگر عذر او در خوردن روزه، خوف از ضرر روزه بر جنین یا کودکش بوده باید علاوه بر قضا، برای هر روزی فدیة هم بپردازد و چنانچه قضا را بعد از رمضان، تا ماه رمضان سال بعد بدون عذر شرعی به تأخیر انداخته علاوه بر قضا و فدیة، کفاره‌ی تأخیر هم بر او واجب است و اگر روزه برای خودش ضرر داشته و به جهت ضرر داشتن قادر بر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد نبوده، فقط باید برای هر روزی فدیة بپردازد.

۲. مقدار فدیة

مقدار فدیة همان مقدار کفاره‌ی تأخیر است یعنی یک مد طعام که بایستی به فقیر داده شود.

نکاتی در رابطه با قضای روزه

❖ کسی که چند روز از ماه رمضان را به خاطر عذری روزه نگرفته، و تعداد آن روزها را نمی‌داند، مثلاً نمی‌داند که آیا در روز بیست و پنجم ماه رمضان به سفر رفته تا روزه‌هایی که از او فوت شده مثلاً شش روز باشد یا در روز بیست و ششم رفته که پنج روز باشد می‌تواند مقدار کمتر را قضا کند و اما در صورتی که هنگام شروع عذر (مثلاً سفر) را می‌داند، مثلاً می‌داند که در روز پنجم ماه به سفر رفته ولی نمی‌داند که در شب دهم برگشته تا پنج روز فوت شده باشد یا شب یازدهم برگشته تا شش روز فوت شده باشد، در این صورت احتیاط (واجب) آن است که مقدار بیشتر را قضا کند.

❖ ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به صرف ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی‌شود، بنابراین دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی، توانایی روزه گرفتن ندارد و تا ماه رمضان آینده هم نمی‌تواند

قضای آن را به جا آورد واجب است روزه‌هایی که از او فوت شده را قضا کند، همچنین فردی که چند سال روزه نگرفته و فعلاً توبه کرده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها دارد، واجب است تمام روزه‌های فوت شده را قضا کند و چنانچه نتواند، قضای روزه‌ها از او ساقط نمی‌شود و بر عهده‌اش می‌ماند.

۱۴. احکام روزهی قضای پدر و مادر

۱. اگر پدر و نیز بنا به احتیاط واجب، مادر روزه‌های خود را به خاطر عذری غیر از سفر به جا نیاورده و با این که می‌توانسته آن را قضا کند، قضا نیز نکرده است بر پسر بزرگتر آنان واجب است که پس از مرگ آنان، خودش یا به وسیله‌ی اجیر قضای آن روزه را به جا بیاورد، و اما آنچه به خاطر سفر به جا نیاورده‌اند واجب است حتی در صورتی که فرصت و امکان قضا را هم نیافته‌اند، آن را قضا کند.

۲. روزه‌هایی را که پدر یا مادر عمداً به جا نیاورده‌اند بنا بر احتیاط (واجب) باید به وسیله‌ی پسر بزرگتر - شخصاً یا با گرفتن اجیر - قضا شود.

۳. در نماز و روزه قضای پدر و مادر، ترجیحی بین نماز و روزه نیست و هر یک را می‌توان بر دیگری مقدم داشت.

۱۵. احکام روزهی مسافر

۱. کسی که در ماه رمضان مسافرت می‌کند در هر مورد که نماز را باید شکسته بخواند نباید روزه بگیرد، و در هر مورد که باید نماز چهار رکعتی (تمام) بخواند، مانند مسافری که ده روز در یک محل قصد ماندن می‌کند یا این که مسافرت شغل اوست واجب است روزه را نیز به جا بیاورد. (مگر در مواردی که استثنا شده است).

۲. هرگاه روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید باید روزه‌ی خود را تمام کند، اما اگر پیش از ظهر مسافرت نماید روزه‌اش باطل است، ولی قبل از آن که به حد ترخص برسد نمی‌تواند روزه را افطار کند و اگر پیش از آن افطار کند بنا بر احتیاط کفاره‌ی (افطار عمدی روزه‌ی ماه رمضان) بر او واجب است. البته اگر از حکم مسأله غافل بوده کفاره ندارد.

۳. هرگاه مسافر پیش از ظهر وارد وطن شود یا به جایی برسد که قصد ده روز توقف دارد، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد باید روزه بگیرد و اگر انجام داده باشد بعداً قضا کند، ولی اگر بعد از ظهر وارد شود نمی‌تواند روزه بگیرد.

۴. مسافرت در ماه رمضان هر چند برای فرار از روزه باشد جایز است. البته بهتر است به سفر نرود مگر این که سفر برای کار نیکو یا لازمی باشد.

۱۶. راههای ثابت شدن اول ماه

۱. رؤیت شخص مکلف.

۲. شهادت دو فرد عادل.

۳. شهرتی که مفید علم باشد.

۴. گذشت سی روز.

۵. حکم حاکم.

۱. رویت هلال برای اثبات حلول ماه قمری از شبی که پس از رویت است کفایت میکند.

توجه:

❖ رویت با وسیله، فرقی با رویت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رویت محفوظ باشد، پس رویت با چشم و با عینک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. بلی رویت تصویر هلال از طریق انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رویت ❖ معلوم نیست محل اشکال است.

❖ استهلال (دیدن هلال) فی نفسه واجب شرعی نیست.

❖ صرف کوچکی و پایین بودن هلال یا بزرگی و بالا بودن و یا پهن یا باریک بودن آن و مانند آن، دلیل شرعی شب اول یا دوم بودن نیست، ولی اگر مکلف از آن علم به چیزی پیدا کند باید به مقتضای علم خود در این زمینه عمل نماید.

❖ اول ماه به وسیله تقویمها و محاسبات علمی منجمین ثابت نمی‌شود مگر این که از گفته‌ی آنها یقین حاصل شود.

❖ روزی که انسان شک دارد آخر رمضان است یا اول شوال باید روزه بگیرد، اما اگر در اثنای روز ثابت شود که اول شوال است باید افطار کند، هر چند نزدیک مغرب باشد.

مسائل متفرقه پوشش و نگاه

۱. لباس شهرت:

لباسی که پوشیدن آن به خاطر رنگ، کیفیت دوخت، مندرس بودن یا علل دیگر، مناسب نیست، به طوری که اگر پوشیده شود توجه مردم جلب و صاحب لباس انگشت‌نما شود، لباس شهرت، و پوشیدن آن حرام است.

۲. پوشش در مقابل نامحرم:

الف) پوشش زن

پوشش زن در مقابل نامحرم باید به گونه‌ای باشد که:

یک- به جز گردی صورت و میچ دست به پایین (بدون آرایش و زیورآلات) آشکار نباشد.

دو- برجستگی‌ها و زیبایی‌های بدن زن، با وجود پوشیدن آن، آشکار نباشد.

سه- رنگ و خصوصیات آن به گونه‌ای نباشد که جلب توجه کند و موجب تحریک اطرافیان شود.

ب) پوشش مردان

یک- پوشش مرد در مقابل زن باید به گونه‌ای باشد که موجب مفسده نشود.

دو- کشیدن سرمه برای مردان به خودی خود جایز است.

سه- پوشیدن لباس آستین کوتاه به خودی خود جایز است، مگر اینکه مفسده‌ای داشته باشد.

مسئله

۱. اگر صدای کفش زنان هنگام راه رفتن، موجب جلب توجه و تحریک نامحرم یا مترتب بر مفسده نشود، اشکال ندارد.

۲. برای زنان پوشیدن لباس‌های تنگ یا بدن‌نما در عروسی‌ها و مانند آن، اگر از نگاه مردان نامحرم یا از ترتب مفسده یا تحریک اطرافیان در امان هستند، جایز است.

۳. اگر پوشیدن کفش سیاه براق، موجب جلب توجه نامحرم یا انگشت‌نما شدن او شود، حرام است.

۴. حکم لباس، مقنعه و پیراهن، از نظر رنگ، مانند کفش است.

۵. اگر تاتوی ابرو عرفاً زینت محسوب شود باید پوشانده شود.

۶. هرگونه زیور، حتی حلقه ازدواج یا آرایش معمولی ابرو باید پوشانده شود.

۷. پوشاندن بینی جراحی شده برای زیبایی واجب نیست.

۸. دختری که ازدواج کرده با دختری که ازدواج نکرده، در احکام فوق تفاوتی ندارد.

۹. زدن عطر یا کرم‌های ضد آفتاب، به خودی خود، جایز است؛ مگر آنکه موجب جلب توجه نامحرم شود، لذا باید از کنار مردان عبور نکنند.

۱۰. تولید و خرید و فروش جوراب نازک (و هر لباسی که پوشیدن آن در مقابل نامحرم حرام است) اگر به قصد این باشد که زنان خریدار از آنها در برابر نامحرم استفاده کنند، حرام است.

۱۱. کار کردن در فروشگاه‌های لباس زنانه، اگر مخالف مقررات نباشد (و برای مرد کارگر یا فروشنده مفسده‌ای مثل لذت جنسی یا خوف گناه نباشد) به خودی خود جایز است.

۳. لباسی که ترویج فرهنگ کفر و شرک است:

(الف) پوشیدن هر نوع لباسی که ترویج فرهنگ ضد اسلامی است، حرام است.

(ب) پوشیدن لباس‌هایی که روی آن حروف و تصاویر خارجی چاپ شده، به خودی خود ایراد ندارد. اما اگر ترویج فرهنگ ضد اسلامی شود، حرام است و تشخیص آن به عهده عرف است.

(ج) مجرد اینکه لباسی از کشورهای غیر اسلامی وارد شده، دلیل بر حرمت استفاده از آن نیست.

(د) استفاده از کروات و سایر پوشش‌های غیر اسلامی، اگر منجر به ترویج فرهنگ غربی و ضد اسلامی شود، حرام است.

(ه) پوشیدن لباسی که روی آن تبلیغ شراب وجود دارد، حرام است.

(و) واردات و خرید و فروش لباس‌هایی که ترویج کننده فرهنگ غرب و ضد اسلام است، حرام است.

(ز) اگر واردات و خرید و فروش این‌گونه لباس‌ها ترویج کفر و ضد اسلام نباشد، نباید به دولت اسلامی ضرر اقتصادی بزند.

تشبه مرد به زن و برعکس

مقصود این است که مردی حالت نرمش و انعطاف زنانه به خود بگیرد، آن حالت جذائیتی که زن در مقابل مرد دارد، یا زنی در مقابل همجنس خود حالت مردانه داشته باشد این نوع تشبه حرام است. حال اگر کسی برای چنین تشبیهی اجیر شود، این معامله حرام و باطل است.

نکته

۱. صرف پوشیدن لباس جنس مخالف، چنانچه صدق عنوان تأنیث یا تذکیر نکند، حرام نیست. اگر مردی با حفظ شئون مردانه، لباس زنانه بپوشد، ولی در او هیچ‌گونه تأنیثی ایجاد نشود، حرمتی ندارد.

۲. تشبه فقط در لباس نیست. ممکن است مردی لباس مردانه بپوشد، ولی رفتار و گفتار و نحوه‌ی تعاملش زنانه باشد؛

یعنی همچنان که شیوه متعارف زنانه دارای نوعی جاذبه برای جنس مخالف است، این مرد هم برای ایجاد جاذبه در جنس موافق، همان رفتار را تقلید کند، چنین سلوکی مسلماً تأیث و حرام است.

۳. در تأیث و تذکیر حرام، قصد شرط است؛ یعنی باید با این کار قصد تأیث داشته باشد. اما اگر قصد تأیث ندارد و حرکات زنانه را به جہتی عقلایی انجام می‌دهد، حرام نیست؛ مثل مردی که به خاطر ایفای نقشی در فیلم یا تعزیه لباس زنانه می‌پوشد یا حرکات زنانه انجام می‌دهد. در حالی که معلوم است شائش این نیست؛ و بالعکس.

مسئله

احوط آن است که مرد یا زن، از زینتی که مخصوص به جنس مخالف است استفاده نکند؛ اگرچه قصد تأیث و تذکیر هم نداشته باشند. مثل مردی که بدون قصد تأیث و فقط به منظور آرایش، زیر ابرو بردارد که احوط ترک آن است.

فیلم و عکس نامحرم

س. نگاه کردن به تصویر زن نامحرم و بدون پوشش چه حکمی دارد؟ نگاه کردن به صورت زن در تلویزیون چه حکمی دارد؟ آیا بین زن مسلمان و غیرمسلمان و بین پخش آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم تفاوتی وجود دارد؟

ج. نگاه کردن به تصویر زن نامحرم، حکم نگاه کردن به خود زن نامحرم را ندارد، بنا بر این اگر نگاه از روی لذت نبوده و خوف افتادن به گناه نباشد و تصویر هم متعلق به زن مسلمانی که بیننده آن را می‌شناسد نباشد، اشکال ندارد و بنا بر احتیاط واجب نباید به تصویر زن نامحرم که به طور مستقیم از تلویزیون پخش می‌شود، نگاه کرد ولی در پخش غیرمستقیم تلویزیونی اگر ریبه و خوف افتادن به گناه نباشد، نگاه کردن اشکال ندارد.

س. آیا دیدن تصاویر زنان برهنه و نیمه برهنه در فیلم‌های سینمایی و غیر آن، در صورتی که آنان را نشناسیم، جایز است؟

ج. نگاه کردن به فیلم‌ها و تصاویر، حکم نگاه کردن به اجنبی را ندارد و در صورتی که از روی شهوت و ریبه نباشد و مفسده‌ای هم بر آن مترتب نشود، شرعاً اشکال ندارد ولی با توجه به این که دیدن تصویر برهنه‌ای که شهوت برانگیز است، غالباً از روی شهوت بوده و به همین دلیل مقدمه ارتکاب گناه می‌باشد، بنا بر این دیدن آن‌ها حرام است.

س. آیا برای زنان، دیدن کشتی مردان جایز است؟

ج. اگر مشاهده آن با حضور در میدان کشتی باشد و یا به قصد لذت و ریبه بوده و یا در آن خوف ارتکاب گناه و فساد وجود داشته باشد، جایز نیست و اگر به صورت زنده و مستقیم از تلویزیون ببینند بنا بر احتیاط جایز نیست و در غیر صور مذکور اشکال ندارد.

س. خواندن کتاب‌ها و اشعار مبتذل که باعث تحریک شهوت می‌شوند، چه حکمی دارد؟

ج. باید از آن‌ها اجتناب شود.

س. مشاهده فیلم‌هایی که گاهی در بردارنده اهانت به مقدسات جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری هستند، چه حکمی دارد؟

ج. واجب است از آن‌ها اجتناب شود.

آنتن ماهواره

س. مشاهده برنامه‌های تلویزیونی که از ماهواره دریافت می‌شوند، چه حکمی دارد؟ اگر ساکنان استان‌های مجاور دولت‌های خلیج فارس برنامه‌های تلویزیونی آن دولت‌ها را مشاهده کنند، حکم آن چیست؟

ج. از آن‌جا که برنامه‌هایی که توسط ماهواره‌های غربی پخش می‌شوند و همچنین برنامه‌های تلویزیونی بیشتر دولت‌های مجاور، در بردارنده آموزش افکار گمراه‌کننده و تحریف حقایق و لهو و فساد هستند و غالباً مشاهده آن‌ها باعث گمراهی و فساد و ارتکاب کارهای حرام می‌گردد، بنا بر این دریافت و دیدن آن‌ها جایز نیست.

س. آیا خرید و نگهداری و استفاده از دستگاه گیرنده برنامه‌های تلویزیونی از ماهواره جایز است؟ و اگر دستگاه گیرنده مجانی به دست انسان برسد چه حکمی دارد؟

ج. دستگاه آنتن ماهواره‌ای از این جهت که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های تلویزیونی است که هم برنامه‌های حلال دارد و هم برنامه‌های حرام، حکم آلات مشترک را دارد. لذا خرید و فروش و نگهداری آن برای استفاده در امور حرام، حرام است و برای استفاده‌های حلال جایز است. ولی چون این وسیله برای کسی که آن را در اختیار دارد زمینه دریافت برنامه‌های حرام را کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفسد دیگری را نیز در بر دارد، خرید و نگهداری آن جایز نیست مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده حرام از آن نمی‌کند و بر تهیه و نگهداری آن در خانه اش مفسده‌ای هم مترتب نمی‌شود. لکن اگر قانونی در این مورد وجود داشته باشد باید مراعات گردد.

س. شغل ما تعمیر دستگاه‌های گیرنده برنامه‌های رادیو و تلویزیونی است، در این اواخر مراجعات زیادی برای نصب قطعات و تعمیر آنتن‌های ماهواره‌ای صورت می‌گیرد، تکلیف ما در این باره چیست؟ خرید و فروش قطعات آن‌ها چه حکمی دارد؟

ج. اگر از این دستگاه برای امور حرام استفاده شود که غالباً همین‌طور است و یا شما علم داشته باشید به این که کسی که قصد تهیه آنتن ماهواره‌ای را دارد، برای امور حرام از آن استفاده می‌کند، خرید و فروش و نصب قطعات و راه اندازی و تعمیر و فروش قطعات آن جایز نیست.

مسائل متفرقه غنا و موسیقی و رقص

معنای خاص غنا (معنای عرفی): آوازی که با زیر و بم، قاعده و قانون و اسلوب خاصی خوانده می‌شود. این استعمال معادل فارسی آن خوانندگی است؛ معنی یعنی خواننده، ولی به هر کسی که صدایش را بلند کند و آواز بخواند خواننده نمی‌گویند.

این معنا نزد مردم روشن است؛ زیرا خوانندگی و آوازخوانی مفهومی عرفی است؛ مثلاً کسی به مؤذن، آوازخوان نمی‌گوید؛ همچنین مردم کسی که قرآن را با صوت معمولی یا با زمزمه می‌خواند، آوازخوان نمی‌گویند. بنابراین غنای به این معنا، بر این نحو خواندن صدق نمی‌کند، آنچه محل بحث است غنای به این معنا است.

به دلیل اینکه غنا، اگرچه به معنای لغوی هم استعمال می‌شود، اما در استعمال رایج عرف، جز این معنا به ذهن متبادر نمی‌شود؛ یعنی این معنا، آن قدر در بین مردم و استعمالات مردم رایج است که وقتی این کلمه به کار می‌رود، ذهن مستمع اصلاً به آن معنای اصلی متوجه نمی‌شود.

برای اینکه این معنا قابل تمییز باشد و بتوانیم در موارد مشکوک آن را جدا کنیم، بعضی از قیود سلبی را بیان می‌کنیم و این قیود را از غنا سلب می‌کنیم.

۱. صوت نیکو: آوازخوانی و صدق معنای غناء، متقوم به صدای خوب نیست. بعضی از آوازخوان‌ها صدایشان خوب است، بعضی صدایشان متوسط و بعضی صدایشان بد است. آوازخوانی بر همه اینها صدق می‌کند، ولو صدا بد باشد.

۲. انطباق با دستگاه‌های موسیقی: انطباق با دستگاه‌های موسیقی، ملاک و مناط صدق و عدم صدق آوازخوانی نیست. به خاطر اینکه هر صوتی که از حنجره انسان خارج می‌شود، ولو غناء هم نباشد، با یکی از مقامات موسیقی همراه است؛ یعنی هر صدایی که مدّ و ترجیعی دارد (غنای به معنای لغوی) حتماً داخل در یکی از دستگاه‌های موسیقی است. مثلاً آذان استاد مؤذن‌زاده بر اساس یکی از مقام‌های دستگاه موسیقی است. پس ملاک، انطباق با دستگاه‌های موسیقی نیست.

۳. اطراب به معنای طرب انگیز بودن: مقوم معنای غناء طرب انگیز بودن نیست.

حرمت غنا

غنا که عبارت است از آوازخوانی، در صورتی که مضرل عن سبیل الله باشد، حرام است. بنابراین دو گونه غنا داریم: یک غنا، غنای حلال است که غیر لهوی مضرل است. یک غنا، غنای حرام است و آن عبارت است از غنای لهوی مضرل.

توضیحی در مورد قیود مؤثر در غنای محرم:

۱. مله‌ی بودن

لهو عبارت است از: آن چیزی که انسان را سرگرم کند و از امری غافل نماید. البته نمی‌توان گفت هر لهوی حرام است، بلکه لهوی که موجب اضلال مردم باشد، حرام است. مثلاً انسان که اشتغال ذهنی دارد یا مصیبتی بر او وارد آمده، یا گرفتاری و نگرانی دارد، با شنیدن آوازی سرگرم شده، از آن ناراحتی و خیالات غافل می‌شود. یا با تماشای فیلمی از چیزهای دیگر غافل می‌شود. این آهنگ و فیلم لهو است، اما حرام نیست.

۲. اضلال عن سبیل الله

اضلال به معنای گمراه شدن از صراط مستقیم است؛ اعم از انحراف از عقیده یا عمل صحیح. **اضلال اعتقادی:** یعنی انسان را نسبت به معارف دینی دچار تردید و شبهه کند و حالت بی‌تفاوتی در انسان به وجود آورد که در بسیاری از موارد غناء، این معنا وجود دارد. مثلاً کسی سرگرم به این ملامی می‌شود و به تدریج ذهنیات او عوض می‌شود؛ چه بسا اتفاق می‌افتد، وقتی انسان در حالت عادی است، براساس گرایش‌های روحی و فکری‌اش با مسجد، مؤمنین و با فضای دینی سر و کار دارد و یک عقاید و گرایش روحی و فکری نسبت به دین دارد و وقتی در امور لهوی غرق شد، به تدریج آن عقاید عوض می‌شود و انسان را منحرف می‌کند. پس اضلال عن سبیل الله یعنی اضلال در اصول و در عقاید.

اضلال عملی (اضلال در عمل و در فروع): یعنی انسان را به محرم وادارد، یا در او حالت بی‌مبالاتی نسبت به گناه به وجود آورد. در حقیقت یکی از خطرات بزرگ غنا و موسیقی مضل همین است که انسان را نسبت به حقایق بی‌اعتنا، و نسبت به گناه بی‌تفاوت می‌کند.

نکاتی در مورد اضلال:

الف) نحوه اضلال در غنا

ممکن است ضلال غنا به سه نحو باشد:

یک- مضمون کلمات آن موجب گمراهی شود؛ مانند اینکه مضمون آوازی، انسان را به شراب‌خواری یا بی‌حجابی بکشاند، یا اینکه از عمل خیری باز دارد یا موجب شود اعتقادات حق جایشان را به اعتقادات باطل دهد. (مکاسب محرمة، ج ۲۸۶، ص ۴)

دو- آهنگ به گونه‌ای باشد که انسان را به گناه وادارد؛ مثل آهنگی که اختصاص به رقص محرم داشته باشد. یا آوازی که انسان را به شهوت وادار می‌کند.

سه- اوضاع و احوال و شرایط گوناگون دیگر موجب اضلال است؛ مثلاً در خواننده خصوصیتی است که إلهاء عن سبیل الله می‌کند؛ مانند اینکه خواننده، زنی باشد که با وضع و حالش موجب گمراهی شود؛ هرچند اشعارش گناه- آفرین نباشد یا لحن و آهنگش آهنگ معمولی باشد. اما چون خصوصیت او، به گونه‌ای است که خواندن او موجب تحریک شهوت و افتادن به گناه است، موجب اضلال می‌شود.

ب) معیار در حرمت، اضلال برای خود شخص است نه عموم

گاهی آوازی برای کسی مضلّ عن سبیل الله است، اما برای دیگری نه؛ چراکه ممکن است تقوا و مراقبتش زیاد باشد و این چیزها در او اثر نگذارد یا اینکه زیاد شنیده و برایش عادی شده باشد؛ یعنی برای او مهیج و محرک نباشد. یا به دلیل دیگری باشد. بنابراین افراد مختلف‌اند. آیا حکم غناء نسبت به این‌گونه افراد مختلف است؟ در شمول حرمت نسبت به این دو شخص و بین این دو حالت تفاوتی نیست. نمی‌توان گفت که اضلال در مورد کسی که فعلاً تحقّق پیدا می‌کند، حرام و در مورد کسی که فعلاً تحقّق پیدا نمی‌کند، حلال است. (مکاسب محرّمه، ج ۲۹۶، ص ۵)

قیودی که در معنای غنای محرّم دخیل نیست:

۱. طرب‌انگیز بودن ۲. ریتم تند داشتن ۳. قصد تفریح ۴. شدت و ضعف تأثیر غنا در لهویت ۵. عدم تأثیر انگیزه

مرجع برای تشخیص مصداق غنای حرام از غیر حرام

تشخیص این موضوع، مثل سایر موضوعات، با عرف است؛ یعنی بعد از آنکه به این نتیجه رسیدیم که غنای محرّم عبارت است از غنای لهوی مضلّ عن سبیل الله، تشخیص مصداق خارجی آن و اینکه آیا این آوازی که اجرا می‌شود، لهو مضلّ عن سبیل الله است یا نه، امری عرفی است.

وظیفه مکلف هنگام شک

اگر نمی‌دانیم این آوازی را که آوازخوان می‌خواند، مصداق غنای لهوی مضلّ است یا نه، بنا را بر حلیت غنا می‌گذاریم.

معیار حکم حرمت آلات موسیقی:

اگر با آلات موسیقی، صوت لهوی مضلّ عن سبیل الله نواخته شود که موجب انحراف فکری و عقیدتی، یا افتادن در گناه شود که به اصطلاح ضلالت عملی است، مثل صدایی که تحریک شهوت کند، یا انسان را از عمل واجب غافل کند، این موسیقی حرام است.

رقص

معنای رقص و فرق آن با حرکات ورزشی

رقص عبارت است از حرکاتی که بر اساس لعب و بازی به اندام می‌دهند. لذا اگر بر اساس لعب نباشد، بلکه بر اساس نظم دارای غایت و هدف باشد، رقص نیست؛ مثل اجرای کاتا در ورزش‌های رزمی که اگرچه زیباست، اما رقص نیست. یا حرکات ژیمناستیک یا نرمش‌های زورخانه‌ای. بنابراین مقوم مفهوم رقص، لعب بودن حرکات است. هر رقصی حرام نیست، بلکه آن رقصی که مظهر لهو است، حرام است.

س. آیا رقص محلی در عروسی‌ها جایز است؟ شرکت در این مجالس چه حکمی دارد؟

ج. رقص مرد بنا بر احتیاط واجب حرام است و رقص زن برای زنان اگر عنوان لهو بر آن صدق کند مثل این که جلسه زنانه تبدیل به مجلس رقص شود، محل اشکال است و احتیاط واجب در ترک آن است؛ در غیر این صورت هم اگر به گونه‌ای باشد که باعث تحریک شهوت شده و یا مفسده‌ای بر آن مترتب شود و یا همراه با فعل حرام (مانند موسیقی و آواز حرام) باشد یا مرد نامحرمی حضور داشته باشد، حرام است؛ و در حکم فوق تفاوتی بین مجلس عروسی و غیر آن نیست و شرکت در مجالس رقص هم اگر به عنوان تأیید کار حرام دیگران محسوب شود و یا مستلزم کار حرامی باشد جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد.

دست زدن

س. آیا دست زدن برای زنان در مجالس شادی زنانه مانند ولادت‌ها و عروسی‌ها جایز است؟ و بر فرض جواز اگر، صدای آن به بیرون از مجلس برود به طوری که به گوش مردان بیگانه برسد، چه حکمی دارد؟

ج. دست زدن به نحو متعارف اگر مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، اشکال ندارد حتی اگر اجنبی صدای آن را بشنود.

مسائل امر به معروف و نهی از منکر

✦ معنای امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یعنی مردم را به کار نیک واداشتن و از کار زشت بازداشتن.

✦ وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی به شمار می‌رود، و افرادی که این فریضه‌ی بزرگ الهی را ترک می‌کنند یا در برابر آن بی‌تفاوتند گناهکار خواهند بود و کیفری سخت و سنگین در انتظار آنها است. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به شمار می‌آید.

✦ بر جوانان مؤمن واجب است در دانشگاه‌های مختلط در برابر مفاسدی که در بعضی از آن مکانها مشاهده می‌کنند ضمن دوری جستن از ابتلا به مفاسد، در صورت تمکن و تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر مبادرت به انجام این فریضه کنند.

✦ امر به معروف و نهی از منکر زنانی که حجاب کامل ندارند متوقف بر نگاه با ریه به آنها نیست، از این رو واجب است. بلی بر هر مکلفی واجب است که از حرام اجتناب کند به خصوص زمانی که مبادرت به انجام فریضه‌ی نهی از منکر می‌کند.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۱. علم به معروف و منکر.

شرط اول امر به معروف و نهی از منکر، علم به معروف و منکر است یعنی امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد و در غیر این صورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند، بلکه نباید چنین کاری بکند؛ زیرا ممکن است در اثر جهل و نادانی امر به منکر و نهی از معروف کند، بنابراین نهی از منکر کردن کسی که نمی‌دانیم کارش حرام است یا نه (مثلاً معلوم نیست موسیقی که گوش می‌دهد از نوع مبتذل و حرام آن است یا حلال) واجب بلکه جایز نیست.

۲. احتمال تأثیر.

شرط دوم امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است یعنی امر و نهی کننده باید احتمال بدهد که امر و نهی او اثر و نتیجه‌ی ولو در آینده دارد.

۳. اصرار بر گناه.

شرط سوم امر به معروف و نهی از منکر اصرار بر گناه است یعنی باید شخص گناهکار بر استمرار گناه، اصرار و سماجت داشته باشد و چنانچه معلوم شود که وی بدون این که امر و نهی شود خود از خطا دست برمی‌دارد یعنی معروف را به‌جا می‌آورد و منکر را ترک می‌کند امر و نهی او واجب نیست.

۴. نداشتن مفسده.

شرط چهارم امر به معروف و نهی از منکر، نداشتن مفسده است یعنی باید امر و نهی مفسده نداشته باشد، بدین ترتیب اگر امر و نهی موجب شود به شخص امر و نهی کننده و یا به مسلمان دیگر مفسده‌یی از قبیل ضرر جانی و یا آبرویی و یا مالی برسد، در این جا امر و نهی واجب نیست. البته مکلف موظف است ملاحظه‌ی اهمیت را بکند یعنی باید در تمام معروف و منکرها بین مفسده‌ی امر و نهی و مفسده‌ی ترک امر و نهی مقایسه کند و سپس به آنچه مهمتر است عمل نماید.

مراحل و مراتب امر معروف و نهی از منکر

۱. امر و نهی قلبی.

۲. امر و نهی لسانی (زبانی).

۳. امر و نهی عملی.

مسائل متفرقه قمار

قمار به معنای بازی‌ای است که در آن رهان (پول یا مالی که در برد و باخت به دست می‌آید) هست. اعمّ از اینکه آن بازی با آلات قمار باشد، مثل نرد و ورق و... یا آنچه از جمله این آلات نیست، ولی با آن قمار می‌کنند، مثل گردو، منچ و... .

پس معنای قمار متوقف بر دو امر است:

۱. بازی باشد.

۲. بین مسابقه‌دهندگان برد و باخت پولی باشد.

با توجه به اینکه وسیله بازی ممکن است از آلات مخصوص قمار باشد یا غیر آن، مسئله دو صورت پیدا می‌کند:

۱. بازی با آلات قمار: این بازی همیشه حرام است.

۲. بازی با غیر آلات قمار: اگر در آن برد و باخت مالی باشد حرام است.

نکته: شرط بندی در اسب سواری و تیراندازی حرام نیست.

حکم مالی که از قمار به دست می‌آید

مالی که از طریق قمار محرّم به دست می‌آید - اعمّ از آنچه موضوعاً و حقیقتاً قمار است و آنچه موضوعاً قمار نیست، امّا در حکم قمار است - تصرف در آن حرام است. پس اگر خود آن مال باقی است، باید آن را به صاحبش رد کند و اگر تلف شده است، در صورتی که از مثلیات است، مثل آن را، و اگر قیمی است، قیمت آن را باید بدهد.

بخت آزمایی

س. خرید و فروش بلیطهای بخت آزمایی و جایزه‌ای که مکلف می‌برد، چه حکمی دارد؟

ج. خرید و فروش بلیطهای بخت آزمایی بنابر احتیاط واجب حرام است و شخصی که جایزه را برده است، مالک آن نمی‌شود و حق دریافت آن را ندارد.

س. تهیه اوراقی که به نام ارمغان بهزیستی بین مردم منتشر می‌شود و پرداخت پول برای آن‌ها و شرکت در قرعه کشی این برگه‌ها، چه حکمی دارد؟

ج. توزیع و نشر اوراق جمع‌آوری تبرّعات از مردم برای صرف آن در امور خیریه و تشویق و ترغیب متبرّعین با قید قرعه منع شرعی ندارد و همچنین پرداخت وجه برای تهیه این اوراق به قصد شرکت در امور خیر، مانعی ندارد.

احکام خمس

❖ معنای خمس

خمس در لغت به معنی یک پنجم است، و در اصطلاح یکی از واجبات مهم مالی در دین اسلام به شمار می‌رود، و عبارت است از مالی که هر فرد واجد شرایط به نسبت یک پنجم طبق ضوابط خاصی باید بپردازد.

❖ منابع هفتگانه خمس

خمس در هفت چیز واجب است

۱. درآمد (منافع کسب و کار).
۲. معدن.
۳. گنج.
۴. مال حلال مخلوط به حرام.
۵. جواهراتی که با غواصی از دریا به دست می‌آید.
۶. غنایم جنگی.
۷. زمینی که کافر ذمی از مسلمانان می‌خرد.

❖ نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق درآمد

۱. میراث
۲. مهریه
۳. هبه و هدیه
۴. جایزه
۵. وقف
۶. حقوق شرعی (شهریه طلاب)
۷. هزینه‌ی درآمد سال
۸. مال مخمس (خمس داده شده)
۹. بیمه
۱۰. کمک هزینه‌ی تحصیلی
۱۱. قرض

❖ نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس درآمد و پرداخت آن

۱. زمان تعلق خمس

زمان تعلق خمس درآمد، همان وقتی است که درآمد به دست می‌آید ولی پرداخت خمس تا یک سال مهلت داده شده است، از این رو مالک مجاز است خمس خود را قبل از پایان سال بپردازد، همچنین می‌تواند سال خمسی خود را با اجازه ولی امر خمس، جلو یا عقب بیندازد به شرطی که مدت گذشته را حساب کند و این کار موجب ضرر وارد شدن به صاحبان خمس نشود.

۲. کسر مؤونه‌ی سال از درآمد همان سال

مؤونه‌ی هر سال از درآمد همان سال کسر شده (به مصرف می‌رسد) نه سال قبل و بعد، بنابراین اگر در یک سال درآمدی عاید او نشد نمی‌تواند مؤونه‌ی آن سال را از درآمدهای حاصل از سال قبل و بعد کسر کند.

۳. داشتن حساب سال خمسی

افرادی که درآمد شخصی هر چند به مقدار کم داشته باشند - خواه مجرد یا متأهل - واجب است که سال خمسی داشته و درآمد سالانه‌ی خود را محاسبه نمایند تا در صورتی که چیزی از درآمد تا پایان سال باقی ماند خمس آن را بپردازند. البته حساب سر سال خمسی و محاسبه‌ی درآمد سالانه واجب مستقلاً نیست، بلکه راهی برای شناخت مقدار خمس است و وقتی واجب می‌شود که انسان بداند خمسی به او تعلق گرفته ولی مقدار آن را نمی‌داند، اما اگر از منفعت کسب چیزی نزد او نماند و همه‌ی آن در مؤونه‌ی زندگی مصرف شود خمسی به وی تعلق نمی‌گیرد تا آن را حساب کند.

۴. تعیین مبدأ سال خمسی

شروع سال خمسی نیاز به تعیین از سوی خود مکلف ندارد (و به عبارت دیگر ابتدای سال خمسی با تعیین از جانب مکلف مشخص نمی‌شود) بلکه یک امر واقعی است که خود به خود بر اساس چگونگی حصول درآمد سالانه متعین می‌شود، بنابراین ابتدای سال خمسی امثال کارگران و کارمندان از اولین روز امکان دریافت اولین درآمد از درآمدهای کار و کارمندی است، و سال خمسی تجار و مغازه‌داران از تاریخ شروع به خرید و فروش، و سال خمسی امثال کشاورزان از تاریخ برداشت اولین محصول کشاورزی شروع می‌شود.

۵. نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس سرمایه و پرداخت آن

برای محاسبه‌ی خمس سرمایه، ابتدا هر چه کالا و پول نقد وجود دارد را در سر سال خمسی حساب، و قیمت‌گذاری کرده خمس آن را می‌پردازند، سپس در سال بعد مجموعه‌ی آن را با سرمایه‌ی اصلی می‌سنجند اگر چیزی اضافه بر سرمایه موجود باشد سود محسوب می‌شود و به آن خمس تعلق می‌گیرد و اگر چیزی اضافه بر سرمایه اولیه افزوده نشده باشد پرداخت خمس واجب نیست، مثلاً فردی که سرمایه‌اش نود و هشت رأس گوسفند و مقداری پول نقد بوده که خمس آنها را پرداخت کرده، اگر سر سال خمسی مجموع قیمت گوسفندهای موجود با اموال نقدی که دارد بیشتر از مجموع قیمت نود و هشت رأس گوسفند با پول نقدی باشد که قبلاً خمس آن را پرداخته، مقدار زائد خمس دارد.

۶. محل پرداخت

مقلدین هر یک از مراجع محترم تقلید «دامت برکاتهم» اگر در پرداخت سهمین مبارکین (خمس) به استناد فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند موجب براءت ذمه می‌شود.

مسائل متفرقه تعلیم و تعلم

□ یادگیری مسایل شرعی مورد نیاز

در صورتی که یاد نگرفتن این مسائل منجر به ترک واجب یا ارتکاب حرام شود، شخص گناهکار خواهد بود.

□ سستی در تحصیل علم و تلف کردن وقت

دانش آموزان، دانشجویان و همه محصلان علوم مختلف، تا وقتی که از مزایای مدرسه یا دانشگاه مربوطه بهره‌مندند، باید از برنامه‌های درسی آن مؤسسه تبعیت کنند. در غیر این صورت استفاده آنان از شهریه، کمک هزینه و سایر مزایا حرام است.

□ ورود به دانشگاه در شرایط اختلاط زن و مرد بدون حجاب اسلامی:

اگر خوف گناه یا همراه با نگاه حرام است، باید از رفتن به دانشگاه اجتناب کنند. لذا به خودی خود رفتن به دانشگاه اشکال ندارد و بر زنان و دختران حفظ حجاب واجب است. بر مردان هم واجب است از نگاه حرام خودداری کنند. همچنین از اختلاطی که موجب خوف فتنه و فساد است نیز اجتناب کنند. خنده و شوخی بین همکلاسی‌های دختر و پسر نیز حکم بالا را دارد.

□ خرید و فروش برخی کتاب‌های گمراه‌کننده و مطالعه و نگهداری آن

معامله و نگهداری این کتب حرام است؛ مگر برای پاسخ‌گویی و ردّ آن؛ آن هم برای کسی که قدرت علمی این کار را داشته باشد و مطمئن باشد که از حق منحرف نمی‌شود.

مسائل متفرقه عزاداری و مراسم دیگر

در مراسم عزاداری و اعیاد، لازم است نکات زیر رعایت شود و الاً فعل حرام صورت گرفته است:

۱. باید از کارهایی که موجب تضعیف دین و سوء استفاده دشمنان دین می‌شود، مثل قمه‌زنی، پرهیز کرد؛ حتی در خفا.

۲. برای بدن ضرر قابل توجه نداشته باشد.

۳. از دروغ گفتن و نسبت ناروا دادن به ساحت ائمه (علیهم السلام) و بزرگان دین یا روضه‌های دروغ پرهیز شود؛ مگر اینکه به زبان حال، و به حسب برداشت متکلم باشد و علم به خلاف بودن آن نداشته باشد.

۴. موجب اذیت و مزاحمت برای دیگران نگردد.

۵. نباید با موسیقی حرام یا خواندنی همراه باشد که مناسب مجلس لهو و لعب، یا مهیج شهوت است.

۶. عزاداری یا شادی، همراه با کار حرام دیگری نباشد؛ مثل ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران مسجد
 ۷. خلاف مقررات عمل نشود.

نکات مهم:

۱. اگر قمه زدن در عزاداری ائمه (ع) موجب مرگ شخص شود، در صورتی که از همان ابتدا خوف خطر جانی داشته، اما در عین حال این کار را مرتکب شده و منجر به فوت او شده است، حکم خودکشی را دارد.

حضور در مجلس معصیت

مجلس شراب ❖ حرام است. مجلس موسیقی حرام یا اختلاط زن و مرد مجلس غیبت ❖ با دو شرط جایز است:

- الف) به موسیقی حرام یا غیبت گوش داده نشود یا موجب ارتکاب حرام دیگری نشود.
 ب) حضور در مجلس مذکور، نشانه تأیید آن مجلس نباشد.

❖ نکته

در هر کدام از این مجالس اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر حاکم است، نهی از منکر واجب است؛ اگرچه با خروج از مجلس گناه باشد.

مسائل متفرقه نذر و قسم

شرایط انعقاد نذر

۱. صیغه نذر: در انعقاد نذر، صرف نیت کافی نیست و ذکر صیغه لازم است؛ گرچه لازم نیست صیغه به عربی باشد؛ مثال: "لله علیّ ان اصلی صلاة اللیل"؛ "برای خدا بر من است که نماز شب بخوانم" یا "لله علیّ ان اترك الغیبة"؛ "برای خدا بر من است که غیبت نکنم".

۲. متعلق نذر (آنچه در نذر بیان شده انجام یا ترک آن) باید رجحان داشته باشد؛ چه واجب باشد و چه مستحب (از نظر انجام آن) و چه حرام باشد و چه مکروه (از نظر ترک آن)؛ مانند اینکه نذر کند روزه بگیرد یا زیارت برود یا نذر کند غیبت را ترک کند یا سیگار نکشد.
 بنابراین در صورتی که متعلق نذر، امر مرجوحی باشد، نذر صحیح نیست؛ مانند اینکه نذر کند سیگار بکشد یا غیبت کند.

۳. باید متعلق نذر مقدور ناذر باشد و مشقت فراوان یا ضرر قابل توجه نداشته باشد؛ مثلاً کسی که روزه برایش ضرر دارد، نمی‌تواند نذر کند که روزه بگیرد یا کسی که توان راه رفتن ندارد، نمی‌تواند نذر کند که با پای پیاده به کربلا برود.
۴. شخص نذر کننده باید بالغ، عاقل، دارای اختیار و دارای قصد باشد و همچنین اگر در مورد مال خود نذر کرده، محجور (مثل سفیه یا مفلس) نباشد.

قسم خوردن

تعریف: یعنی انسان به اسم خدا یا صفات مختص به آن، مانند "مقلب القلوب و الابصار" یا صفاتی که غالباً برای او به کار می‌رود و استعمالش ظهور در خدای متعال دارد (نه دیگران)، مانند خالق، رازق و رحیم، به هر زبانی که باشد، قسم بخورد کاری را انجام دهد یا ترک کند.

شرایط انعقاد قسم:

۱. صیغه قسم که در بالا شرایط آن بیان شد.
۲. مقسم علیه (چیزی که بر آن قسم می‌خورد) در صورتی که قسم به انجام آن باشد، باید عمل واجب یا مستحب یا مباح باشد؛ چه رجحان در این عمل مباح باشد و چه نباشد و در صورتی که قسم به ترک آن است، عمل حرام یا مکروه یا مباح باشد. بنابراین در قسم، مقسم علیه نباید امر مرجوحی باشد.
۳. مقسم علیه مقدور باشد و مشقت فراوان یا ضرر قابل ملاحظه نداشته باشد.
۴. کسی که قسم می‌خورد، باید بالغ، عاقل، با اختیار و قصد باشد و نسبت به مقسم علیه محجور نباشد.
۵. اذن پدر در مورد قسم فرزند، و اذن شوهر در مورد قسم زن، لازم است.

نکات:

۱. اگر زن به همراه شوهرش باشد، نذر زن بدون اذن شوهر، اگر چه در مورد اموال زن باشد، باطل است.
۲. تخلف عمدی و اختیاری از نذر و قسم کفاره دارد، باید یا ده فقیر را اطعام کند یا آنان را لباس پوشاند و در صورتی که مقدور نباشد، سه روز پیاپی روزه بگیرد.

اقسام ربا

۱. ربای قرضی: بحث ربای قرضی، در بحث قرض خواهد آمد.
۲. ربای معامله‌ای: معامله‌ای که شرایط ذیل در آن باشد، ربوی است.

ربای در قرض

هرگونه شرط زیاده در قرض، هرچند ارزش مالی کمی داشته باشد، ربا و حرام است. (منظور شرطی است که در ضمن عقد قرض صورت گرفته یا قرض مبتنی بر آن منعقد شده است.)
موارد زیادتی عبارت است از:

۱. زیادتی در عین: ۱۰۰ هزار تومان قرض داده شود، به شرط آنکه علاوه بر این پول، یک لباس هم برگردانده شود.
۲. زیادتی در عمل: ۱۰۰ هزار تومان قرض داده شود، به شرط آنکه علاوه بر این پول، یک پارچه هم برای قرض‌دهنده داده شود.
۳. زیادتی در منفعت: ۱۰۰ هزار تومان قرض داده شود، به شرط آنکه علاوه بر این پول، اجاره‌بهای قرض‌گیرنده به قرض‌دهنده پرداخت شود.
۴. زیادتی انتفاع: ۱۰۰ هزار تومان قرض داده شود، به شرط آنکه علاوه بر این پول، قرض‌گیرنده خانه‌اش را به قرض‌دهنده اجاره دهد.
۵. زیادتی در وصف: ۱۰۰ هزار تومان قرض داده شود، به شرط آنکه در مقابل ۱۰۰ هزار تومان پول کهنه، پول نو پرداخت شود.

نکته: ۱. قرض به شرط چیزی، ربا و حرام است. اما چیزی به شرط قرض جایز است.

مثال: الف) این خانه را اجاره می‌دهم یا می‌فروشم، به شرط آنکه به من ۲۰ میلیون قرض بدهی ❀ جایز است و ربا نیست.

ب) این قرض را به تو می‌دهم به شرط آنکه خانه‌ات را اجاره کنم به ۲۰۰ هزار تومان ❀ قرض ربوی است و حرام می‌باشد.

۲. ربا بین پدر و فرزند (چه پسر و چه دختر) و همچنین بین زن و شوهر اشکال ندارد. اما بین مادر و فرزند جایز نیست.)

شرایط ربای معامله‌ای

۱. عرفاً یک جنس در مقابل چیزی از همان جنس معامله شود.

۲. جنس مورد نظر، وزن کردنی یا پیمانه کردنی باشد. به خلاف آنچه با مشاهده یا شمردن فروخته می‌شود.
۳. جنس فروخته شده کمتر یا بیشتر از عوض آن باشد.

رشوه

س. بعضی از مشتریان بانک برای انجام سریع کارهایشان و دریافت خدمات بهتر، اموالی را به کارمندان بانک می‌بخشند، با توجه به این که اگر کارمندان بانک آن کارها را برای آنان انجام ندهند، چیزی به آنان نمی‌دهند، آیا در این حالت، گرفتن آن مال جایز است؟

ج. جایز نیست کارمندان در برابر انجام کار مشتریان که برای آن استخدام شده‌اند و در برابر آن هر ماه حقوق دریافت می‌کنند، از مشتریان چیزی بگیرند و همچنین مشتریان بانک نباید کارمندان را در برابر انجام کارهایشان با پول نقد یا غیر آن تطمیع کنند زیرا این کار مستلزم فساد است.

س. چنانچه فردی از باب تشکر و قدردانی از کارمند، هدیه‌ای به او اهداء کند، حکمش چیست؟ هرچند آن کارمند بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، کاری را انجام داده باشد؟

ج. هدیه در محیط کار و از جانب ارباب رجوع، یکی از خطرناک‌ترین چیزها است و هر چه بیشتر از آن اجتناب کنید، به صرفه دنیا و آخرت شما، خواهد بود. فقط در یک صورت، دریافت آن جایز است و آن، این است که هدیه دهنده، با اصرار زیاد و با امتناع مأمور از قبول، بالاخره به نحوی آن را اهداء کند. آنهم بعد از انجام کار و بدون مذاکره و حتی توقع قبلی.

س. پرداخت رشوه برای گرفتن حق با توجه به این که گاهی برای دیگران مشکل ایجاد می‌کند مثلاً باعث مقدم شمردن صاحب حق نسبت به افراد دیگر می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج. پرداخت رشوه و گرفتن آن جایز نیست هرچند باعث ایجاد مشکل و زحمت برای دیگران نشود، چه رسد به موردی که بدون استحقاق، باعث ایجاد مزاحمت برای دیگران شود.

مسائل پزشکی

س. در صورتی که هنگام ضرورت، معاینه بیمارانی که محرم نیستند، توسط دانشجویان رشته پزشکی جایز باشد، مرجع تشخیص این ضرورت چه کسی است؟

ج. تشخیص ضرورت موکول به نظر دانشجو با ملاحظه شرایط است.

ختنه کردن

س. آیا ختنه کردن واجب است؟

ج. ختنه پسران واجب است و شرط صحت طواف در حج و عمره می باشد و اگر تا بعد از بلوغ به تأخیر بیفتد، بر خود آنان واجب است که ختنه کنند.

مسائل دروغ

معنای کذب و صدق

معنای صدق، مطابقت خبر با واقع، و کذب، عدم مطابقت خبر با واقع است. مقصود از مطابقت و عدم مطابقتِ خبر با واقع این است که اگر مراد متکلم از این کلام، با واقع مطابق بود، خبر صدق است و اگر مراد متکلم از این خبر، مطابق با واقع نبود، خبر کذب است. نه اینکه تنها ظاهر کلام - بدون توجه به مراد متکلم - اگر مطابق با واقع باشد، صدق، وگرنه کذب است.

توضیح: گاهی متکلم مطلبی را می گوید که آنچه از ظاهر کلام او فهمیده می شود، غیر از مراد اوست. اگر آن مراد، مطابق با واقع بود، این کلام صدق است؛ هرچند ظاهر کلام، مخالف با واقع باشد؛ مثل توریه. در توریه مراد متکلم مطابق با واقع است. اما ظاهر کلام او مطابق با واقع نیست. لذا چون مراد، مطابق با واقع است، کلام صدق می شود. اما اگر مراد، مخالف با واقع بود، کلام کذب می شود.

موارد جواز کذب

۱. اضطرار

اضطرار یعنی اینکه انسان در شرایطی باشد که ناچار شود دروغ بگوید؛ مثلاً مالی را پیش شما به امانت گذاشته‌اند و ظالمی با اصرار و تهدید بگوید باید این مال را به من بدهی! شما هم می‌گویید: "این مال پیش من نیست." در این مورد فرقی نمی‌کند که شخص برای دفع ضرر، امکان توریه داشته باشد یا نداشته باشد.

۲. اصلاح بین اشخاص و گروه‌ها

اگر بین اشخاص یا گروه‌هایی اختلافی وجود دارد، جایز است برای رفع این اختلاف و ایجاد صلح بین آنان، دروغ گفت.

اما گفتن دروغ برای انجام کار صلاح دیگری غیر از اصلاح بین مردم، جایز نیست. مگر آنکه آن امر بسیار مهم باشد؛ مانند اینکه امتی با این دروغ از شرک نجات پیدا کند. همچنان که حضرت ابراهیم (ع) برای بیداری یک امت چنین کرد.

۳. وعده دروغ به زن و فرزند

مقصود از جواز وعده کذب به زن و فرزند این نیست که خانواده‌ها با دروغ اداره شود و فضای محیط خانواده، فضای دروغ و بی‌اعتمادی باشد. بلکه چیزی است در جهت تقویت و تحکیم خانواده. با توجه به اینکه در شریعت اسلام، اداره مالی خانواده به عهده مرد است و زن تکلیفی ندارد؛ گرچه اموال و درآمدی هم داشته باشد. در چنین فضایی چنانچه زن و دیگر اعضای خانواده درخواست‌هایی داشته باشند که مرد نتواند پاسخ‌گویی آن باشد، برای اینکه فضای حاکم بر خانواده تلخ نشود، می‌تواند به دروغ وعده‌هایی بدهد و در زمان مناسب بگوید: "متأسفانه برای انجام آن، شرایط مهیا نشد."

مسائل غیبت

غیبت به معنای بیان عیب مستور (پوشیده) کسی در غیابش به قصد مذمت و انتقاص (بیان نقص) است.

شرایط تحقق غیبت:

۱. عیب محسوب شدن آن امر

بیان امری که ناشایست نیست، بلکه پسندیده است، ولی مستور است و بیان آن باعث ناراحتی صاحب امر می‌شود، غیبت محسوب نمی‌شود؛ هر چند آن را در مقام تنقیص بگوید؛ مثلاً می‌گوید: «فلانی ملتزم به مستحبات است و شب‌ها از دو ساعت پیش از اذان صبح، خود را به نماز و عبادت مشغول می‌کند و روزها چرت می‌زند!» یا مثلاً می‌گوید: «فلانی هر چه داشت، به فقرا داد و جیب خودش را خالی کرد.» در چنین مواردی حتی اگر در مقام انتقاص

هم بیان شود، چون از نظر شرع و عرف ناروا نیست، غیبت محسوب نمی‌شود، هرچند طرف مقابل راضی به بیان آن نباشد.

پس اگر عناوین دیگری بر آن مترتب شد، مثل عنوان ایزاء، در معرض خطر قراردادن یا برملا کردن اسراری که دوست ندارند آن اسرار فاش شود، این کار حرام است، اما غیبت نیست.

۲. مستور بودن عیب

معیار و ملاک صدق غیبت، عبارت است از کشف امر مستور. اگر مستور باشد، گفتن آن غیبت است. اما اگر ظاهر باشد، صدق غیبت نمی‌کند.

مراد از ستر و کشف در اینجا، ستر و کشف برای خصوص مخاطب نیست. بلکه ستر و کشف عرفی است. مستور عرفی آن است که معمولاً کسی از آن عیب خبر ندارد یا بیشتر مردم اطلاعی ندارند و مکشوف عرفی آن است که مردم معمولاً می‌دانند این شخص دچار این عیب یا نقص است؛ اگرچه عده‌ای هم بی‌اطلاع باشند.

بنابراین ذکر امری که مستور عرفی است، به‌طور مطلق غیبت است و همچنین ذکر امری که مکشوف عرفی است - یعنی اغلب مردم می‌دانند، ولی یک عده‌ای هم خبر ندارند - حتی نزد کسانی که اطلاع ندارند هم غیبت نیست.

۳. قصد انتقاص

چنانچه عیب کسی را در غیاب او بگوئید، لکن نه به قصد انتقاص و مذمت، در این صورت غیبت محسوب نمی‌شود. نقطه‌ی مقابل قصد انتقاص داشتن، نداشتن قصد انتقاص است و این اعم است از اینکه قصد نصح داشته باشد، مثل اینکه به پدری گفته شود: «فرزند تو، دچار این مشکل، گناه یا عادت بد است» یا اینکه قصد نصح ندارد. ولی قصد انتقاص هم ندارد؛ مثل اینکه موضوع حرف مربوط به این شخص نیست. این عیبی که ذکر می‌کند، در ضمن بیان موضوع و مقصود دیگری است؛ مثل اینکه می‌خواهید بگوئید فلانی آدم مستحقی است و می‌شود به او زکات داد؛ در مقام بیان این معنا می‌گوئید: «پدرش هم که این فرزند واجب‌النفعه‌ی اوست، به او پول نمی‌دهد!» این را در مقام عیب جویی پدر نمی‌گوئید. بلکه این عیب در مقام بیان یک مقصود دیگری ذکر می‌شود. گاهی هم این عیب مربوط به خود این شخص است، اما باز قصد انتقاص نیست؛ مثل اینکه جنایتی، اتفاق افتاده است و آن را به زید نسبت می‌دهند. شما برای دفاع از زید می‌گوئید: «این آدم آن قدر ترسو است که اصلاً وارد یک چنین میدانی نمی‌شود و ممکن نیست دستش را به خون کسی آلوده کند!» این عیب جویی از اوست، ولی نه در مقام نصح است و نه در مقام انتقاص. این هم غیبت محسوب نمی‌شود.

استماع غیبت

مراد از استماع غیبت این است که کسی غیبت را گوش کند، نه اینکه تصادفاً کلمه‌ای به گوشش برسد که به آن سماع گویند. فرق نمی‌کند این گوش دادن همراه با رضایت باشد یا بدون رضایت. گاهی انسان دوست ندارد غیبت کسی را بشنود، اما گوش می‌دهد. این هم استماع است؛ چون از روی اختیار است. همچنین فرقی نمی‌کند که این مستمع، مخاطب غیبت‌کننده باشد یا نباشد؛ مثل اینکه دو نفر غیبت کسی را کنند و نفر سومی به سخنان آنان گوش دهد یا کسی در مجلسی غیبت کرده و صدای او را ضبط کرده‌اند و کسی آن را بشنود. این هم استماع غیبت است.

احکام درگذشتگان

✦ غسل مس میت

اگر کسی بدن انسان مرده‌یی را که سرد شده ولی هنوز غسل داده نشده است، لمس کند یا جایی از دست و پا و صورت و سایر بدن خود را به هر جای بدن او برساند باید برای نماز و امثال آن غسل کند. این را «غسل مس میت» می‌نامند.

✦ احکام محتضر (کسی که در حال جان دادن است)

شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقها این عمل را بر خود محتضر در صورتی که قادر باشد و بر دیگران واجب دانسته‌اند و احتیاط در انجام آن ترک نشود.

✦ واجبات پس از مرگ

- غسل.
- حنوط.
- کفن.
- نماز.
- دفن.

✦ نماز میت

۱. پس از غسل و حنوط و تکفین، واجب است بر میت مسلمان - به ترتیبی که گفته خواهد شد - نماز بخوانند.

توجه:

بجهی که شش سال تمام داشته باشد و حداقل یکی از والدینش مسلمان باشند، در حکم شخص بالغ است و بر میت او باید نماز خوانده شود.

۲. نماز میت عبارت است از نیت و پنج تکبیر که در خلال آنها دعا و صلوات وارد شده است، و اگر به این ترتیب بگوید کافی است:

الف) بعد از تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

ب) بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

ج) بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ».

د) بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» (برای مرد) یا «لِهَذِهِ الْمَيِّتِ» (برای میت زن).

هـ) بعد از تکبیر پنجم را بگوید که پایان نماز است.

برای نماز میت، وضو و پاک بودن بدن و لباس و غصبی نبودن لباس، لازم نیست.

سحر

تعریف: سحر عملی است که بر چشم، ذهن و خیال مخاطب یا مسحور اثر می‌گذارد، ولی در واقعیت خارج هیچ تأثیری ندارد. بنابراین اگر کارهایی انجام گیرد که واقعیت دارد، سحر نیست. یکی از ویژگی‌هایی که سحر را از کارهای مشابه به سحر جدا می‌کند، این است که منشأ سحر شیطانی است.

اگر کسی فیلم جذابی را به دیگری نشان دهد و او را به توهم اندازد، به گونه‌ای که خیال کند در همان حالت قرار دارد، این حرام نیست؛ چنان‌که مردم با دیدن اولین سری از فیلم‌های سینمایی به توهم می‌افتادند و از جلوی تصویر خودروی در حال حرکت به دوربین، فرار می‌کردند. امروزه نیز اگر با انواع پیشرفته سینماها با حیل‌های تصویرگری، انسان را به گونه‌ای با خود همراه کنند که گمان کند خودش در کانون حادثه قرار گرفته یا مثلاً در حال پرواز است، این کار سحر نیست؛ چراکه منشأ آن بشری است، نه شیطانی.

■ حرمت مطلق سحر

سحر مطلقاً حرام است؛ چه ملازم با ادعای غیرحق، اضلال یا ضرر زدن به دیگری باشد و چه نباشد.

■ تعلیم و تعلم سحر

اگر تعلم سحر به قصد انجام دادن آن باشد، حرام است. تعلیم هم، چنانچه به این قصد باشد که این شخص پس از

آموزش سحر کند، حرام است. در غیر این صورت تعلیم و تعلم سحر حرام نیست. مثلا اگر سحر را از آن جهت که دانایی و معرفت است و می‌خواهد بر معلوماتش بیفزاید، یاد بگیرد، نه به قصد عمل به سحر، این تعلم اشکال ندارد. یا در صورتی که دشمنان ساحر دارد و احتمال می‌دهد که او یا دیگری را سحر کنند، آن را یاد بگیرد یا اگر کسی پیدا شود که افکار مردم را به وسیله سحر متوجه خود کند، انسان سحر را بیاموزد برای اینکه ادعای او را باطل کند، این هم اشکال ندارد.

■ سایر امور غریبه شبیه سحر

آیا اعمال غریبه‌ای که شبیه به سحر است، مثل طلسم، تسخیر، احضار ارواح یا آنچه به آن نیرنجیات یا نیرنجات گفته می‌شود که آن هم از انواع همین تصرفات است، حرام است یا نه؟ این امور غریبه سحر نیست. لذا از این جهت حرام نیست، مگر اینکه عنوان دیگری بر آن منطبق شود که به خاطر آن، حرام شود؛ مثل اضرار، که این حرمت به خاطر اضرار به غیر است و هر عملی که موجب اضرار به غیر شود، حرام است و به طلسم هم اختصاص ندارد. یا موجب اضلال دیگران و انحراف در عقیده و ایمان مردم شود. یا از آن به عنوان وسیله‌ای برای مقابله با دعوت انبیا و توحید استفاده شود؛ چنان که در حال حاضر عده‌ای وجود دارند که برای مقابله با دعوت حق، از چنین ابزارهایی استفاده می‌کنند.

شعبده

مراد از شعبده همان چیزی است که ما به آن تردستی می‌گوییم. تردستی یک حرکت طبیعی است، نه غیرطبیعی. ولی با مهارت و سرعت انجام می‌شود. شعبده‌باز با تجربه و تمرینی که کرده، چنان این حرکت طبیعی و معمولی را با مهارت و سرعت انجام می‌دهد که انسان به اشتباه می‌افتد؛ مثل کسی که در حال معانقه، کیف پول دیگری را برمی‌دارد. این را شعبده یا همان چشم‌بندی می‌گویند. بنابراین کاری که او می‌کند، خارق‌العاده نیست و ماهیت آن با سحر متفاوت است.

در سحر حواس ظاهری انسان خطا می‌کند و دچار توهم می‌شود؛ به گونه‌ای که مثلا در بیابان، دریا می‌بیند یا در جایی که کوه نیست، کوه می‌بیند یا مثلا شیئی را به صورت حیوان می‌بیند. یا حرکت ریسمان را حرکت مار می‌بیند. اینها همان چیزهایی است که به آن سحر گفته می‌شود. پس با شعبده متفاوت است.

البته ممکن است برخی تردستی‌ها واقعا سحر باشد؛ مثل اینکه می‌بینید کسی از دیواری عبور می‌کند. این تردستی نیست؛ چرا که هرگز نمی‌شود از دیوار عبور کرد.

شعبده - آن عملی که ناشی از سرعت، خفت، مخاریق و تمرین است - حرام نیست.

س. مراجعه مؤمنین به بعضی از کسانی که از طریق تسخیر ارواح و جن اقدام به معالجه می کنند، با توجه به این که یقین دارند که آن ها فقط کار خیر انجام می دهند چه حکمی دارد؟

ج. این کار فی نفسه اشکال ندارد، مشروط بر این که از راه هایی که شرعاً حلال هستند، اقدام شود.

س. آیا فالگیری از طریق سنگریزه و کسب درآمد با آن جایز است؟

ج. اخبار به کذب جایز نیست.

کمک به ظالم

هر چیزی که از نظر عرف، کمک به ظالم محسوب شود، حرام است؛ چه کمک مستقیم باشد، مانند اینکه ظالمی بخواهد فردی را شلاق بزند و کسی به او کمک کند، مثلاً شلاق به دستش دهد، یا این مظلوم را نگاه دارد تا او کتک بزند. این کمک مستقیم است، و چه کمک غیر مستقیم باشد؛ مثل اینکه ظالم در اثنای کار ظالمانه اش، تشنه شود و شما به او آب دهید تا تشنگی اش فرو نشیند و به ظلمش ادامه دهد.

حق چاپ

✦ حکم تجدید چاپ کتاب یا مقاله:

۱. داخل کشور:

الف) قراردادی وجود داشته، در ضمن تحویل نسخه اول واجب است طبق قرارداد عمل شود.

ب) قراردادی نبوده بنابراین احتیاط واجب، حق ناشر یا مؤلف رعایت شود و اجازه گرفته شود.

۲. خارج کشور تابع قرارداد بین ایران و خارج است. (۱۳۳۶)

✦ مسئله

۱. نرم افزار و نوارهای کاست، حکم کتاب و مقالات را دارند. (۱۳۴۲) و (۱۳۴۳)

۲. اگر مؤلف حق تألیف خود را به ناشری بفروشد، تجدید چاپ توسط دیگران در حالت (۱- ب) بنابراین احتیاط واجب با ناشر مربوطه است، نه مؤلف آن.

۳. اگر مؤلف، مترجم یا هنرمند در ضمن قرارداد منعقد شده برای تحویل چاپ اول، دریافت مبلغی را در چاپ های بعدی شرط کند، واجب است ناشر به شرایط عمل کند و اگر شرطی نکرده اند و در عین حال شرطی هم مبنی بر اجازه چاپ های بعدی توسط ناشر نشده باشد، بنابراین احتیاط واجب، باید اجازه مؤلف تأمین شود. (۱۳۳۸، ۱۳۳۹)

۴. حق اجازه دادن در صورت مسافرت یا در دسترس نبودن مؤلف (یا ناشری که حق التألیف را کلاً مالک شده) به

وکیل او در این امور یا ولی شرعی او و در صورت فوت، به وارث منتقل می گردد. (۱۳۴۰)

۵. کپی کردن و افست از برخی صفحات تألیفات افراد نیز همان احکام تجدید چاپ را دارد. (۱۳۴۵)
 ۶. اگر کسی بدون اجازه از صاحب نوار یا کتاب و... مبادرت به نسخه برداری نمود، باید در صورت عدم اجازه او، محتوای نوار و... را پاک کند یا از آن استفاده نکند و همین کافی است و در صورت پاک کردن محتوا، لازم به اطلاع رسانی به صاحب آن نیست. (۱۳۴۶)

س. بعضی از اشخاص به مغازه‌هایی که فتوکپی و زیراکس از اوراق و کتاب‌ها می‌گیرند مراجعه کرده و درخواست تصویر برداری از آن‌ها را می‌نمایند و صاحب مغازه که از مؤمنین است تشخیص می‌دهد که کتاب یا اوراق و یا مجله فوق برای همه مؤمنین سودمند می‌باشد آیا جایز است بدون اجازه صاحب کتاب از آن‌ها تصویر برداری کند و آیا اگر بداند که صاحب کتاب راضی به این کار نیست در حکم تفاوتی بوجود می‌آید؟

ج. احوط این است که شخص بدون اجازه صاحب آن اوراق و کتاب‌ها مبادرت به تصویر برداری نکند.

نقاشی و مجسمه سازی

س. ساخت عروسک و مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات زنده اعم از گیاهان، حیوانات و انسان چه حکمی دارد؟ خرید و فروش و نگهداری و ارائه آن‌ها در نمایشگاه چه حکمی دارد؟

ج. ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات و لو ذی روح اشکال ندارد. همچنین خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه آن‌ها در نمایشگاه هم اشکال ندارد.

س. آیا ساخت عروسک و یا مجسمه موجودات ذی روح اعم از انسان یا غیر آن به وسیله دستگاه مخصوص آن جایز است؟

ج. اشکال ندارد.

هیپنوتیزم

س. آیا هیپنوتیزم جایز است؟

ج. اگر به منظور غرض عقلایی و بارضایت کسی که می‌خواهد هیپنوتیزم شود صورت بگیرد و همراه با کار حرامی هم نباشد، اشکال ندارد.

س. عده‌ای نه به قصد درمان بلکه به منظور نشان دادن قدرت روحی انسان مبادرت به هیپنوتیزم می‌کنند، آیا این عمل جایز است؟ آیا افرادی که در این زمینه صاحب تجربه هستند ولی متخصص آن نیستند، جایز است اقدام به این کار کنند؟

ج. به طور کلی یادگیری هیپنوتیزم و استفاده از آن به غرض عقلایی حلال و قابل ملاحظه اشکال ندارد به شرط این که با رضایت و موافقت کسی باشد که می خواهد به خواب مصنوعی برود و ضرر معتناهی هم برای او نداشته باشد.

تراشیدن ریش

س. ریش از نظر کوتاهی و بلندی باید چه مقدار باشد؟

ج. حد معینی ندارد، بلکه معیار این است که عرفاً بر آن ریش صدق کند و بلندبودن آن بیشتر از قبضه دست کراهت دارد.

س. آیا تراشیدن ریش فسق محسوب می شود؟

ج. تراشیدن ریش بنا بر احتیاط حرام است و احوط این است که احکام و آثار فسق بر آن مترتب می شود.

س. در صورتی که گذاشتن ریش مستلزم اهانت باشد، تراشیدن آن چه حکمی دارد؟

ج. گذاشتن ریش برای مسلمانی که به دینش اهمیت می دهد باعث سرشکستگی نیست و بنا بر احتیاط، تراشیدن آن جایز نیست مگر در صورتی که گذاشتن ریش باعث ضرر یا حرج شود.

س. آیا اصلاح موی گونه ها اعم از این که با نخ باشد یا با موچین، حرام است؟

ج. اصلاح موی گونه ها هرچند با تراشیدن، حرام نیست.

حضور در مجلس معصیت

س. ۱. شرکت در جشن هایی که زنان و مردان در آن ها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی به طور جداگانه می کنند چه حکمی دارد؟

۲. آیا شرکت در عروسی هایی که در آن ها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی میشود، جایز است؟

۳. آیا نهی از منکر در مجالسی که در آن ها رقص انجام می شود، در صورتی که امر به معروف ونهی از منکر در شرکت کنندگان تأثیری نداشته باشد، واجب است؟

ج. شرکت در مجلس معصیت اگر مستلزم ارتکاب حرام مانند گوش دادن به موسیقی لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه باشد و یا مفسده ای بر آن مترتب شود یا حضور در آن تأیید گناه محسوب شود، جایز نیست و اما تکلیف امر به معروف و نهی از منکر با عدم احتمال تأثیر ساقط است.

- س. اگر مرد نامحرمی وارد جشن عروسی شود و در آن جا زن بدون حجابی حضور داشته باشد و مرد بداند که نهی از منکر در او تأثیری ندارد، آیا واجب است مجلس را ترک کند؟
- ج. اگر خروج از مجلس معصیت به عنوان اعتراض مصداق نهی از منکر باشد، واجب است.

دعا نویسی و استخاره

- س. آیا پرداخت و دریافت پول در قبال نوشتن دعا جایز است؟
- ج. دریافت یا پرداخت مبلغی به عنوان اجرت نوشتن دعاهای وارده اشکال ندارد.
- س. دعاهایی که نویسندگان آن‌ها ادعا می‌کنند که در کتاب‌های قدیمی دعا نقل شده‌اند، چه حکمی دارند؟ و آیا این ادعیه از نظر شرعی معتبر هستند؟ مراجعه به آن‌ها چه حکمی دارد؟
- ج. اگر دعاها از ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل و روایت شده باشند و یا مضامین آن‌ها حق باشد، تبرک جستن به آن‌ها اشکال ندارد. همان‌گونه که تبرک جستن به دعاهای مشکوک به این امید که از معصوم (ع) باشند، اشکال ندارد.
- س. آیا عمل به استخاره واجب است؟
- ج. الزام شرعی در عمل به استخاره وجود ندارد ولی بهتر است بر خلاف آن عمل نشود.
- س. آیا استخاره با تسبیح یا قرآن در مسائل سرنوشت ساز مانند ازدواج جایز است؟
- ج. شایسته است انسان در اموری که می‌خواهد راجع به آن‌ها تصمیم بگیرد، ابتدا تأمل و دقت کند و یا با افراد با تجربه و مورد اطمینان مشورت نماید و در صورتی که با این کارها تحیر او برطرف نشد، می‌تواند استخاره کند.